سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

پیکار

ویژه قیام

۹۳

۲۲ صفحه

سال دوم - دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۵۹ بها ۳۰ ریال

کارگران، زحمتکشان، خلقهای قهرمان ایران!

سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن را زیر پرچم سرخ کمونیستها هرچه باشکوه‌تر برگزار کنیم!

۲۲ بهمن

قیام خونین ۲۲ بهمن آتشفشان خشم یک خلق بپا خاسته!

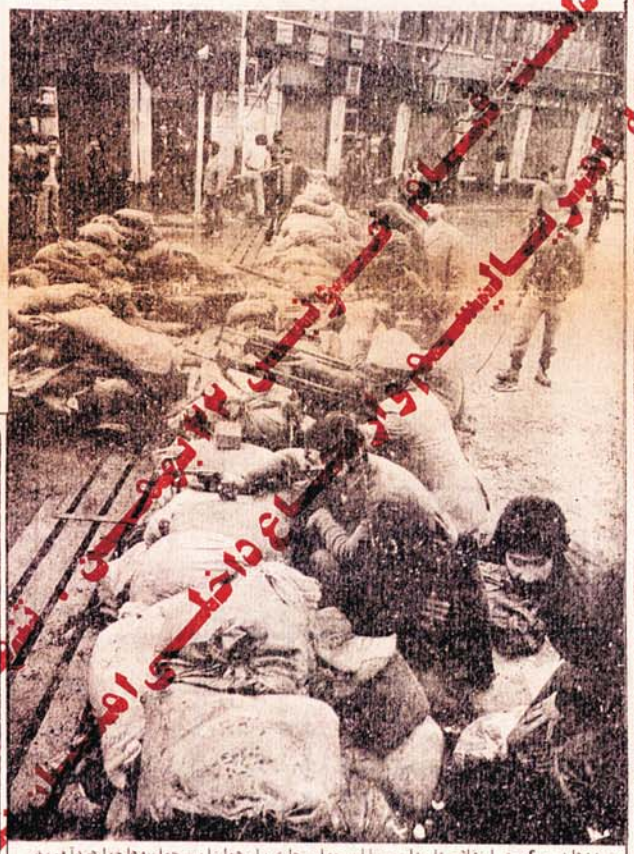

توده‌ها در پیگیری انقلاب علیه امپریالیسم و ارتجاع باز هم از این حماسه‌ها خواهند آفرید

۱۷ شهریور و نقش انقلابی توده‌ها علیه رژیم منفور پهلوی

سال های ۵۶ و ۵۷ سالهای اعتلاء توده‌ها، سالهای اوجگیری مبارزات توده‌های مردم رنجدیده و ستمکش بودند. سالهائی بودند که مبارزات اعتراضی و اعتصابی، تظاهرات و مبارزات تبلیغاتی، حملات پی درپی به بانکها و مقرهای حزب فاشیستی رستاخیز و بسیار موسسات سرکوبگر ارتجاع، دیگر عمل روزانه توده‌ها شده بود. تظاهرات وقایع روزانه شده بود. مردم محروم و زحمتکش بزرگترین شهرها و محل تجمعات را در می‌نوردیدند و دامنه خود را در شهرهای کوچک و حتی روستاهای اطراف نیز می‌گسترانیدند.

بقیه در صفحه ۹

سرمقاله

قیام بهمن و مارشی دیگر بسوی انقلاب

چه شکوهمند است رزم [illegible] ستمکشان و چه غرورآفرین است حماسه [illegible] و چه افتخار آمیز است شهادت فرزندان رنج [illegible] در عرصه نبرد خونین طبقاتی!

خلق قهرمان ایران بتمامیت قاطع [illegible] بر نابودی دشمنان خونین گرفته و بر آن است که چون کوهساران استوار باشد، چون رودی خروشان برآید، چون دریای طوفانی طغیان کند، چون آتش خرمن ستمگران را بسوزاند و بر ویرانه‌های این بنا دمد و استعمار، خاک زحمتکشان و خلقهای ایران شود.

خلق ما و دیگر مردان دانند که در این نبرد دشمنان طبقاتی [illegible] از مرگ سرخ شهرا [illegible] قهرمانان خود علیه امپریالیسم و مزدوران داخلی آن ادامه دهد.

اولین گامهای انقلاب را زحمتکشان خارج از تحدید که رژیم منفور پهلوی خانه و کاشانه را بر سرشان خراب کرده بود برداشتند و اولین مزد را مبرهنا بنا بر سرمایه‌داری وابسته دادند. این گامهای اولیه بعدها با مبارزات جراری و یکپارچه دانشجویان انقلابی با [illegible] که بیش از آن [illegible] در مبارزات دیگر اشکال [illegible] امپریالیستی خلق ما [illegible] گردیده بود [illegible] آن مبارزات خونین [illegible] این خیزش و این ترکیب جمهوری [illegible] مردم [illegible] توده‌های زحمتکش [illegible] امپریالیسم و مزدوران داخلی [illegible] در عین حال [illegible] مبارزه و کمبود هرچه و ستمگران بود. امپریالیستها و رژیم مزدور [illegible] شیوه‌های سرکوب و [illegible] بوج خروشان را از حرکت باز دارند. اما

بقیه در صفحه ۲

انقلابیون اسیر در زندان شیراز، به خلق گزارش میدهند:

در آستانه دومین سالگرد قیام خونین بهمن ماه

در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی چه می‌گذرد؟

صفحه ۱۳

نگاهی به گوشه‌هائی از فعالیت سازمان در دوران قیام

صفحه ۱۷

گرامی باد خاطره پیکارگر شهید رفیق محمود صمدی

صفحه ۲۲

مصاحبه با عده‌ای از رفقا: همدوش با خلق در قیام مسلحانه شکوهمند بهمن

صفحه ۱۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱ **سرمقاله...**

دریای عظیم وتوفنده جنبش خلق سرآرامش و بازایستادن نداشت وهمچنان امواج سهمگین خودرا برسرستمگران ارتجاع وارگانهای سرکوبگرش میتواخت وچه دل انگیزبود آوای این امواج خروشان وچه پرشکوه بود آهنگ رزم توده‌های جان برکفی که برای آزادی انسانها از قید بردگی سرمایه، استوار و آهنین به پیش میتاختند وبا خون سرخ خویش پرچم خونرنگ انقلاب را برافراشته نگاه داشتند.

زمان به پیش میرود وهرروز دامنه اعتراضات وتظاهرات اوج بیشتری میگیرد، شهرها یکی پس از دیگری همچون دژی استوار دربرابر ارتش سرکوبگرشاه قهرمانانه مقاومت میکنند، زندانی میدهند، مجروح میدهند، کشته میدهند، ولی شعارشان همواره مقاومت است ومبارزه! ورژیم شاه وامانده دربرابر اینهمه خروش، اینهمه غرور واینهمه قدرت توده‌ها وهمانند تمامی مرتجعین تاریخ چاره را در سرکوب وکشتار بازهم بیشتر زحمتکشان وخلقها می بیند. وبدینسان "جمعه سیاه" که در آن فداکاری وقهرمانی توده‌ها وددمنشی ووحشی‌گری امپریالیستها ومزدوران سرمایه بهم آمیخت بوجود آمد.

حادثه خونین ۱۷ شهریور که در آن بیش از چهارهزار نفر از توده‌های زحمتکش مادر خون سرخ خود غوطه ور شدند، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات خلق‌های ایران گردید واز فردای آن موج اعتصابات وتظاهرات سیاسی درسرتاسر کشور بشکلی فزاینده وتصاعدی بالا گرفت.

کشتی طوفان زده رژیم پهلوی شکاف برداشته بود ومیرفت که در دریای طوفانی جنبش عظیم توده‌ها بگل بنشیند، تا خدای کشتی امپریالیسم آمریکا، تمامی کوشش خودرا بکار گرفت تا کشتی بگل نشسته را از خطر غرق شدن نجات دهد، دولت شریف امامی که علیرغم تمامی جنایات وسرکوبگریهای خود وعلیرغم عقب نشینی ها وبا صطلاح امتیازدادنها، در برافراشتن عظیم جنبش توده‌ای بزانو درآمده بود، درفردای خیزش عمومی مردم تهران و کشتار ۱۳ آبان جای خودرا به ازهاری، این چکمه پوش جلاد رژیم شاه دادو خود با قفاحت و شکست تمام کناره گرفت. واقعا ازهاری چه کاری میتوانست انجام دهد که پیش از آن شریف امامی و امثال او انجام نداده بودند. آنچه اوبخاطر آن نخست وزیر شد، سرکوب بازهم بیشتر جنبش توده‌ها وزحمتکشان ما بود واین نیز چیزی بود که خلق ما درگذشته وبویژه در "جمعه سیاه" وماههای پس از آن باشهامت و فداکاری وصف ناپذیر در مقابل آن ایستادگی کردند ودشمن را با تمام دستگاه سرکوب و کشتارش تحقیر وزبون ساختند.

در دوره نخست وزیری ازهاری مزدور تحول جدیدی درکمیت وکیفیت جنبش دمکراتیک وضدامپریالیستی ومبارزات خلقهای قهرمان ایران بوجود آمد وآن بمیدان آمدن هرچه گسترده‌تر طبقه کارگر به صحنه فعالیت سیاسی بود. اعتصابات صنفی وبویژه سیاسی کارگران رشته‌های مختلف در سطح کشور ودر پیشاپیش آنها اعتصابات سیاسی وپکیا رچه نفتگران قهرمان جنوب، بزرگترین ضربه را چه از نظر اقتصادی وچه از نظر سیاسی به رژیم خائن پهلوی وارد آورد وخود سرآغاز اعتصابات و تظاهرات سیاسی کارگران سایر رشته‌ها ورشد وارتقاء آگاهی وشکل مبارزاتی آنان گردید.

درمتن چنین شرایطی از موقعیت انقلابی وامکان قریب الوقوع قیام توده‌ای، امپریالیسم ورژیم شاه، چاره‌ای جز عقب نشینی نداشته وبرای حفظ حاکمیت ارتجاعی خود، درصدد اجرای طرح سازش با لیبرالها برآمدند طرحی که منجر به روی کار آمدن بختیار رمز دور وکنار گذاشتن شاه از سلطنت وفرار او از ایران گردید.

اما کارگران وسایر توده‌ها همچنان به پیش میرفتند وبا طرد ونفی هرگونه سازش و با صطلاح امتیازات مورد نظر بختیار ودیگر لیبرالها، خواستار نابودی رژیم سلطنتی و سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم بودند. توده‌ها که در تجربه عینی خود دریافته بودند با دست خالی قادر به ایستادگی ومقاومت همه جانبه در برابر دشمن تا دندان مسلح نیستند، "رهبران" سازشکار خودرا مورد خطاب قرار داده ومیخواستند که آنها را مسلح کنند اما پاسخ این بود که "امام دستور چهاده داده است"! آیت الله خمینی، درست زمانی که توده‌ها خواستار نابودی ارتش سرکوبگر رژیم آریامهری بودند، میگفت "ارتش برادر ماست" واین به معنی رهاندن ارتش آمریکائی شاه از زیر ضربات کوبنده توده‌ها وادامه حاکمیت سیستم سرمایه‌داری وابسته وادامه کشتار زحمتکشان توسط این ارتش مزدور بود. توده‌ها خواستار پیشرفت جنبش ونابودی قطعی رژیم وابسته وارگانهای سرکوب آن بودند، ولی آیت الله خمینی وعناصری چون بهشتی ها رفسنجانی ها، درکنار لیبرالها درپی سازش با امپریالیسم آمریکا وبا صطلاح کسب قدرت سیاسی از طریق مسالمت آمیز بودند. آنها درپی انجام این نقشه خیانت‌آمیز خود ودرجریان تماس با ژنرال هویزر آمریکائی وارتشبد قره‌باغی رئیس ستاد ارتش شاه بودند که خروش خشم توده‌ها همه جا را فراگرفت، وبدون اعتناء به دستور "رهبران" یورش عظیم وحماسه آفرین آنها به ارتش ودیگر موسسات ونهادهای رژیم پهلوی آغاز گردید. سلاح بدست توده‌ها افتاد وبه اتکاء آن رژیم منفور سلطنتی ودولت مزدور بختیار ریزباله‌دانی تاریخ افکنده شدند، قیام مسلحانه توده‌ها، هرچند مانع از تحقق خیانت "رهبران" در ابعاد گسترده خود گردید، لیکن بخاطر عدم حضور پرولتاریا در راس جنبش، این قیام نتوانست به حاکمیت زحمتکشان منجر شود. قدرت سیاسی توسط بورژوازی متوسط و نمایندگان خرده بورژوازی مرفه سنتی غصب گردید وبه این ترتیب توده‌ها از دستیابی به اساسی ترین خواستهای دمکراتیک خود محروم شدند. اما این مساله هیچگاه مفهوم شکست قیام نبوده ونیست، چراکه توده‌ها علیرغم عدم حاکمیت خویش، از همان فردای قیام لحظه‌ای از حرکت باز نایستادند وجنبش توده‌ای هیچگاه دچار رکود وتوقف نگردید و هرروز که میگذرد رشد وگسترش بیشتری مییابد رژیم جمهوری اسلامی بدلیل ماهیت طبقاتی‌اش نه تنها نتوانسته به خواستهای اساسی توده‌ها پاسخ دهد، بلکه همواره در برابر این خواستها ناگزیر از اعمال سرکوب وخیانت بوده ومتقابلا در برابر برخاستن جنبش توده‌ای و بحران ناشی از آن در "بالا" ناتوان از تثبیت قدرت خود وسرکوب متمرکز جنبش توده‌ای گردیده است. توده‌ها بتدریج درمی‌یابند که آنچه که آنها بخاطر قیام کرده‌اند، جزء کام اول آن هنوز برداشته نشده وآنچه که باید برآن پای فشرد تداوم انقلاب وتداوم مبارزه علیه امپریالیسم وارتجاع داخلی است.

در این میان کمونیستها وظیفه‌ای بس دشوار بدوش دارند، چراکه تداوم انقلاب و تداوم مبارزه علیه امپریالیسم وارتجاع داخلی وتصرف قدرت سیاسی درگرو حضور فعال طبقه کارگر وایفای نقش رهبری نسبت به جنبش دمکراتیک وضدامپریالیستی خلق است وایفای این نقش جز از طریق کار وسیع آگاه‌گرانه سیاسی وسازماندهی مبارزات پرولتاریا وکوشش درجهت ایجاد حزب کمونیست ایران امکان پذیر نخواهد بود، هرگونه حرکت وهرگونه مواضع تاکتیکی کمونیستها بایددر راستای چنین برنامه‌ای ودرجهت تحقق آن صورت گیرد. بزرگداشت دومین سالروز قیام خونین بهمن از سوی کمونیستها نیز از این قاعده مستثنی نبوده ومیبایست این راهپیمائی، وسیله‌ای باشد جهت مطرح شدن هرچه گسترده‌تر آلترناتیو کمونیستی و انعکاس هرچه برجسته‌تر خواستهای پرولتاریا وتوده‌های تحت ستم ما وگامی باشد درجهت افشای آلترناتیوهای ارتجاعی حزب جمهوری لیبرالها، بختیارها، رویزیونیستها و افشای تزلزل دمکراتهای ناپیگیر.

بکوشیم سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن را زیر پرچم سرخ کمونیستها هرچه باشکوهتر برگزار کنیم. واین آموزش را به میان توده‌ها ببریم که بزرگداشت قیام خونین ۲۲ بهمن تنها با تداوم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی امکانپذیر است!

پاسداران جنایتکار تظاهرات رفقای فدائی را بخون کشیدند

به مناسبت حماسه سیاهکل وقیام ۲۲ بهمن از جانب سازمان چریکهای فدائی میتینگی در روز جمعه ۱۷ بهمن ساعت ۱۰ صبح درمیدان آزادی اعلام گردید. از ساعت ۹ صبح پاسداران جنایتکار رجمهوری اسلامی میدان را به اشغال خود درآورده وچماق بدستان که اغلب همان پاسداران درلباس شخصی میباشند مسلح شده بودند تا جنایات همیشگی خودرا تکرار کنند. بمرور که اجتماع کنندگان جمع میشدند اوباشان قمه‌کش واسلحه به دست حمله را شروع کردند. آنها به رفقای کمونیست مستقر در شمال شرقی میدان حمله کرده وعده زیادی را دستگیر میکنند. اجتماع کنندگان تصمیم به تظاهرات موضعی گرفته وبه همین خاطر به سمت میدان توحید (کندی) حرکت میکنند. در راه، تظاهرکنندگان فریاد میزدند. "اینست آزادی ما، گلوله برسینه ما" وبدین ترتیب ماهیت جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی و مزدورانش را برملا کردند. درمیدان توحید صف تظاهرکنندگان که به چندین هزار نفر می‌رسید تشکیل شد. تظاهرکنندگان شعار می‌دادند: "زندانی سیاسی، به همت توده‌ها، آزاد باید گردد." ، "شعار رهفدائی، استقلال، کار، مسکن، آزادی" ، "تنها راه رهائی، پیوند با فدائی" ، "مسلسل فدائی، جواب آمریکایی" "پاسدار پاسدار، حامی سرمایه‌دار" و... صف تظاهرات حرکت کرده وبطرف نواب سرازیر شد. در این موقع رفقای فدائی پرچم سرخی که بر روی آن آرم سازمانشان نقش بسته بود را برسر دست بلند کرده که مورد تشویق تظاهرکنندگان واهبوه جمعیتی که کنار خیابان جمع شده بودند قرار میگیرد. صف تظاهرات به خیابان آزادی نرسیده بود که مورد یورش فالانژهای مزدور قرار میگیرد که در مقابل مقاومت انقلابی راهپیمایان مجبور به عقب نشینی میگردند. به دنبال این حمله شکست خورده پاسداران لباس شخصی، پاسداران ازدوسو به پرتاب گازاشک آور وتیراندازی هوائی وزمینی اقدام میکنند. بعلاوه کمیته مستقر در خیابان آزادی نزدیک ۴۵ متری نواب مدام با تیر بار مستقر روی پشت بام بسوی محل تظاهرات شلیک میکردند. پاسداران جانی که از اساواکیهای محمدرضا شاهی گوی سبقت را ربوده‌اند، وحتیانه تظاهرکنندگان را مورد اصابت گلوله قرار داده که حداقل یک نفر شهید وچندین نفر توسط گلوله زخمی گردیدند. پاسداران به کمک فالانژها اقدام به دستگیری تعداد وسیعی از تظاهرکنندگان و افراد حمایت کننده پرداختند. این جنایات یکبار دیگر وحشت رژیم جمهوری اسلامی را از اوجگیری جنبش توده‌ای وکمونیستها و انقلابیون به نمایش گذاشت. رژیم حاکم شدیدا از رشد جنبش میترسد وبنا به ماهیت ارتجاعی خود میکوشد تا هرتظاهرات ومیتینگ کمونیستها وانقلابیون را به خون بکشد. اما اگر چکمه پوشان محمدرضا شاهی توانستند با زور مسلسل وتوپ وتانک از اوجگیری جنبش

بقیه در صفحه ۷

متن پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که در تاریخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷ ساعت ۸ صبح از رادیو که در تصرف انقلابیون بود پخش شد:

هموطنان مبارز!

قیام قهرمانانه شما در سایه قدرت سلاح هم اکنون در آستانه پیروزی قرار دارد. ما که همچون قطره‌ای در میان توده‌های مردم ودرکنار آنها به مبارزه مسلحانه خود با دشمنان انقلاب ادامه میدهیم از کلیه هم‌وطنان مبارز وبخصوص واحدهای رزمنده میخواهیم تا نابودی کامل ضد انقلاب ونیروهای سرکوبگر آن به مبارزه خود ادامه دهند.

پیروز باد قیام مسلحانه مردم قهرمان ایران!

۲۲ بهمن، دومین سالگرد قیام مسلحانه و شکوهمند خلقهای ایران گرامی باد!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

جنبش کارگری

جواب کارکنان مبارز صنعت نفت به یاوه‌های روزنامه‌های کیهان وجمهوری اسلامی

درتاریخ ۵۹/۱۰/۹ و۵۹/۱۰/۱۰روزنامه‌های کیهان وجمهوری اسلامی به‌فحاشی به‌کارکنان مبارزصنعت نفت پرداخته‌و بدینوسیله ترس ووحشت وزبونی رژیم‌را در مقابل مبارزات یکپارچه‌کارگران وکارکنان مبارزصنعت نفت به‌نمایش گذاشتند.

کارکنان مبارزصنعت نفت درنامه جوابیه‌خودبه‌این یاوه‌گوئیها ،بار تاکید مجددی برهمبستگی خود ،باردیگرسیاست تفرقه‌افکنانه‌رژیم‌را نقش برآب ساختند .در زیرگوشه‌ای ازاین جوابیه‌به‌یاوه‌گوئیهای روزنامه‌ها را میخوانید:

درجواب افتراهای روزنامه‌ها وجهت قضاوت مردم‌ایران وبخصوص جنگزدگان

....بیش ازسه‌ماه است که‌عده‌بسیار زیادی ازهموطنان ما با ازدست‌دادن خانه‌و کاشانه‌وتمام‌هستی خودآواره‌دیگرشهرها و روستاهای ایران هستند .دراین میان عده هزارخانواده‌کارکنان جنگزده‌صنعت نفت آبادان وخونین شهرهم‌بخش کوچکی ازاین جمعیت عظیم‌آواره‌وبی خانمان را تشکیل میدهند .ما نمی گوئیم‌که‌رنج ومحنتی که‌برما رفته‌غیرازسایرجنگزدگان است وما خودرا تافته‌جدا بافته‌ازسایرین نمیدانیم‌ولی اگر ما دراینجا بیشترازجنگ زدگان صنعت نفت صحبت میکنیم‌به‌این خاطراست که‌شما فشار و تضییقاتی راکه‌دراین مدت‌فقط براین گروه‌رفته‌یعنی برکسانی که‌به‌اعتراف همه اعتصاب شکوهمندویکپارچه‌آنها رژیم‌مزدور شاه‌خائن وآمریکا رابزانودرآوردببینید آنوقت خودمیتوانیددرموردسایرجنگزدگان ودردورنج آنها قضاوت کنید.

آری کسانیکه‌یک عمرگرمای بیش از ۵۰ درجه‌خوزستان جان کندندتولیدکردندوپایه‌های اقتصادی مملکت راچرخاندندپس از اینکه‌برازشرنگ خانمانسوزاخیرآواره‌شهرها ودیارهای دیگرمیگردندبجای روبروشدن با مهمانتوازی ودلجوئی،فراری وترسوو خائن لقب بگیرند .درنماز جمعه‌آنها رابی غیرت خطاب میکنندندستورمیدهندکه‌برروبشان تف بیاندازندو.... شدت جنگ وخمپاره‌باران آنچنان زیاداست که‌کاوهای مزرعه‌شرکت نفت (دیری فارم)را ازشهرخارج میکنندولی هنگامیکه‌کارکنان شرکت نفت با خانواده‌های خودودرموادزیادی بدستورارتش شهررا ترک میکنندراولین برخوردبا بخشنامه ۵۹/۷/۲۷ وزیرنفت روبروميشوندکه‌با یک دستورحدود ۸۵ درصدکارکنان را بدلیل ترک آبادان اخراج ومعلق میگرداند .آنها به‌این بخشنامه اعتراض کرده‌وپس ازمدتی موفق به‌لغوآن میشوند .ازآن تاریخ تاکنون بغیر از دریافت مبلغی ناچیزبعنوان علی الحساب درموردسایرخواسته‌های خودفقط وعده‌ووعید شنیده‌اندما وقتی مشاهده میکنیم‌که:

به‌تمام‌خانواده‌کارکنان جنگزده‌در ۴۵ روزاول جنگ فقط چهاربسته‌هزارتومان علی الحساب پرداخت میشودولی روسای پالایشگاه‌آبادان درهمین مدت‌حواله ۲۰ هزارتومانی برای خانواده‌خودرشیراز میفرستند .درتهران هم‌روسا وسرپرستان حقوق کامل خودراکه‌اغلب بالای ۲۰ هزار تومان‌است تمام‌وکامل دریافت میکنند .خانم یکی ازمدیران قبلی پالایشگاه (که‌درخانه‌اش براثراصابت خمپاره‌کشته‌شد)فقط حدود ۲۳۰ هزارتومان(باحقوق ۳۸ هزارتومان درماه) بابت خرج کفن ودفن میگیرددرصورتیکه‌به خانواده‌آن کارگرزیرپوششی که‌درآبادان شهیدمیشودحتی پنج هزارتومان هم‌نمیدهند و....

آیا ماکه‌این تضییقات رامی بینیم‌وبر ادعای مسئولین مبنی براینکه‌پول درمملکت وجودنداردشک میکنیم‌واعتراض میکنیم‌که‌چرا به‌ماکه‌تمام‌زندگی خودراازدست‌داده‌ایم‌و حتی مجبوریم‌ابتدائی ترین وسائل زندگی رادوباره‌تهیه‌کنیم‌حقوق کامل نمیدهندضد انقلاب هستیم؟مزدورصدام‌هستیم؟ویا آن روزنامه‌نگاری که‌بدون اطلاع ازجریانات (شایدهم‌مطلع)دردفترکارخودنشسته‌وقلم بدست‌گرفته‌وهرنوع برچسبی راکه‌بیشتر زیبنده‌خودش میباشدبه‌ما می چسباند؟

میگویندما جنگزدگان راآسکان داده‌ایم وبانشان دادن عکس وفیلم‌وگزارش هرروزاین مسئله‌را بزرگ میکنندولی شما رابخدابیائید وصادقانه‌بگوئیدکه‌شرکت نفت باآنهمه امکانات تابحال درموردآسکان هزاران خانواده‌شرکتی چه‌کرده‌است ؟؟ آیا زندگی برروی قبرهای خانوادگی درزیرنیمه‌اصفهان بنظرشما اسکان است ؟؟ آیا خوابیدن درکنار خیابانهای ماهشهراسکان است ؟؟ آیا زندگی دراردوگاه‌جیرفت که‌هلی کوپترریس جمهور وهمراهان براثرطوفان نتوانست فرودآید اسکان است ؟؟ آیا پسربچه‌فلجی که‌درشیراز زیراندازوروانداز‌ش روزنامه‌است اسکان پیداکرده‌است ؟؟ آیا آن خانواده‌شرکتی با ۱۷ سرعائله‌تحت تکفل که‌دریک دکان بی درو و پیکردرششمددستگاه‌شیرازندگی میکنند از نظرشما اسکان یافته‌اند؟چه‌کسی رامیخواهید فریب بدهیدبقیراز چندمحلی راکه‌خود کارکنان بعدازنامیدشدن ازوعده‌ووعید ـ های شما گرفته‌اندوبغیراز چندستگاه‌خانه دیگرکه‌مخصوص شهدا وگروگانهاست شما کارکنان رادرکجا اسکان داده‌اید؟؟ البته‌از حق نباید گذشت چون شما درهتلهای شراتون

ـ کمودورروسای جنگزده‌را اسکان داده‌اید...

...آقای روزنامه‌نگارتوکه‌حتی اسکان خانواده‌های کارکنانی راکه‌به‌آبادان فرا خوانده‌میشوندبا اسکان آنها درمناطق جنگی اشتباه‌گرفته‌ای چطوربخودت اجازه داده‌ای که‌خواسته‌های ما را تعبیروتفسیر نمائی ؟؟ آیا میدانیدکه‌فقط درچندهفته‌اخیر چندین نفرازهمکاران ما دربین راه‌ما هشهر

ـ آبادان دراثرتصادف لنج شهیدشده‌وعده زیادی مجروح گشته‌اند .آیا میدانیدکه در آبادان ازکارکنان تعهدگرفته‌وآنها را مجبورمیکنندکه‌پای ورقه‌ای راامضاء کنند که‌درآن قیدشده‌ودرآینده‌شرکت نفت مجاز است هرگونه‌تصمیمی رادرموردآنها اتخاذ کند.....

شورای سراسری کارکنان جنگزده‌صنعت نفت‌آبادان وخونین شهر (فریاد آوارگان شماره ۱۱).

طبقه‌کارگر از قیام می‌آموزد!

قیام‌خونین ۲۲ بهمن ۵۷،درسهای گرانبهائی بهمراه‌داشت .طبقه‌کارگربابداین درسها را فرابگیرد .وآنها را درمبارزه‌طبقاتی وانقلاب آینده‌بکاربندند .بدون جمعبندی ازمبارزات گذشته ،بدون ارتقاء دادن آن تاسطح تئوری راهنما وبدون بکاربست این تئوریها جنبش توده‌ای نمیتواندبه‌مرحله‌متکاملتری از حرکت خوددست یابد .درقیام‌بهمن کارگران و توده‌های بیشماری دست به‌فداکاری زدند .و جانبازانه‌به‌جنگ دشمن وماشین جنگی آن یعنی ارتش رفتند .آنها طالب آزادی دمکراسی واستقلال بودند .آنها میخواستندبرسرنوشت خویش حاکم‌بشوند .آنها میخواستندکثافات و انحطاط دنیای گذشته‌را ازجای کنده‌وزندگی نوینی برپادارند .اما آنها به‌اهداف خود نرسیدندرژیم‌ننگین سلطنتی درزیرگامهای پولادین کارگران وزحمتکشان منکوب ونابود شد .ارتش شاهنشاهی ضربات مهلکی دریافت کردواسیریا لیسم‌ناچاربه‌عقب نشینی های پس مهمی گردید .اما قدرت بدست کارگران و زحمتکشان نیافتاد ،بلکه‌قدرت بدست سرمایه ـ داران وسردمداران خرده‌بورژوازی مرفه ـ سنتی افتاد .واقعا مگراین کارگران و سایرتوده‌های ستمدیده‌نبودندکه‌بارشادتها وقهرمانی های خوددرراه‌آزادی خون‌ریختند؟ پس چرانتوانستندپیروزی رابه‌چنگ آورند ؟ واقعا مگراین زحمتکشان نبودندکه‌رژیم سلطنتی رابا تمام‌قدرت نمائی هایش مچاله کردندوبزباله‌دانی افکندند؟پس چرا نتوانستندقدرت خویش را مستقرسازند؟برای اینکه‌به‌پاسخ این پرسش‌ها دست‌یابیم‌باید درسهای قیام‌را مرورکنیم:

اولین درس- لنین میگوید:"دردوران انقلاب میلیونها ودهها میلیون تن ازمردم درهرهفته‌بیش ازیکسال زندگی عادی وخواب ـ آلودچیزمیاموزند .زیرا هنگامیکه‌تحول ناگهانی وشدیددرزندگی یک ملت روی می ـ دهدبا وضوح خاصی معلوم‌میگرددکه‌هریک از طبقات این ملت چه‌هدفی راتعقیب میکندچه نیروئی دارودبا چه‌وسائلی عمل می نماید".

(درسهای قیام-تاکیدازماست)

درهرانقلابی بایداحزاب ونیروها را شناخت ،بایددیدآنها ازمنافع چه‌طبقه‌ای دفاع می نمایندومناسبات میان آنها کدامند؟درزمان قیام‌نیروهائی که‌درمخالفت با رژیم‌شاه‌قراردادشتندبه‌دودسته‌بزرگ‌تقسیم میشدندریکسواحزاب لیبرال مانندنهضت آزادی به‌رهبری بازرگان،جبهه‌ملی دوم‌به رهبری سنجابی وجبهه‌ملی سوم‌به‌رهبری بنی صدروجریانات مذهبی مانندجریانی که بهشتی درراس‌آن بودوبا جریان شریعتمداری قراردادشتند .این احزاب وجریانات علیرغم اختلافات وتفاوتهائی که‌بایکدیگرداشتند دراین مسائل اساسی دارای اشتراک نظر بودند :مخالفت بادیکتاتوری خشن شاه و موافقت باحفظ سیستم‌سرمایه‌داری وابسته

بقیه‌درصفحه۶

علیرغم‌آنکه‌با مخالفت شدیدواعتراض کارگران مواجه‌میگردد ،ولی با اخراج چندتن ازکارگران مبارزتوسط شورا ،سرمایه‌داران و عمالشان میتوانندموقتاخواست خودرابر کارگران تحمیل کنند .اما مبارزات کارگران برای کم‌کردن ساعات کارکماکان ادامه‌دارد.

اصفهان:

باردیگرنظام‌سرمایه‌داری ازکارگران قربانی گرفت اما اینبار نه‌درمحیط کار، بلکه‌۶ تن ازکارگران زحمتکش کارخانه پلی اکریل اصفهان گوشت دم‌توپ جنگ سرمایه‌داران وقربانی منافع ضدخلقی آنان شدند .رژیم‌برای پیشبردا هداف خویش درجنگ ناعادلانه‌ای که‌دامن زده‌است منقضیان خدمت سال ۵۶ رابه‌جبهه‌فرستادکه قربانیان کارخانه‌پلی اکریل جزواین گروه‌بودند .ضمن تسلیت به‌خانواده‌های این قربانیان وتمامی کارگران ایران باردیگر اعلام‌میداریم‌که‌قاتلین واقعی این کارگران رژیمهای ارتجاعی ایران وعراق می باشند که‌چنین جنگ ناعادلانه‌ای رابه‌خلقهای دو کشورتحمیل کرده‌اند.

اخبار کوتاه

ورامین: رژیم‌کارگران کارخانه‌مهمات سازی "پارچین "راوادارکرده‌است تابا شدت هرچه‌بیشتربه‌تولیدمهمات بیشتربرای کشتارزحمتکشان عراقی وسرکوب توده‌های انقلابی ایران بپردازد .رژیم‌درپیشبرداین هدف‌ضدخلقی خود ،حتی برای جان کارگران وزحمتکشان ارزشی قائل نیست .اوا خردیماه هنگامیکاریک گلوله‌آر.پی . جی ۷ منفجر میشودکه‌موجب قطع شدن سریک کارگروقطع دست کارگردیگری میشود.

تهران: چندی قبل کارگران شرکت"پلاستیران" برای کم‌شدن ساعات کارشان از۱۲ ساعت به ۸ ساعت درروز ،اعتصاب میکنندوموفق میشوندکه‌برای مدتی بخواست خودبرسند . اما باردیگرمدیریت کارخانه‌وشورای ضد کارگری اسلامی کارخانه‌مسئله ۱۰ ساعت و۱۲ ساعت کاردرروزرا مطرح میکند .این مسئله

پیش بسوی ایجاد حزب طبقهٔ کارگر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

اعلام حکومت نظامی به بهانه جنگ در شهرک طالقانی

حکومت نظامی سلاح کهنه‌ای است که رژیمهای ارتجاعی به‌هنگام وجگیری مبارزات توده‌ها وناتوانی خوددرسرکوب آن بدان متوسل میشوند. اکنون نیزافزایش شدیدناراضایتی درمیان توده‌ها بطورعموم و آوارگان جنگ علی الخصوص، فعالیت پیگیرانه‌کمونیستهای راستین برای افشاء حکومت وبالا بودن سطح آگاهی توده‌ها و... رژیم جمهوری اسلامی را مجبورساخته‌که‌با این سلاح زنگ زده‌دست ببردتا به‌خیال خام‌خودبا سرکوب مبارزات توده‌ها به‌زندگی ننگین خویش چندصباحی ادامه‌دهد.

درشهرک طالقانی (کوره‌ها) از ساعت ۸ شب ببعدعبورومرورممنوع گردیده‌است، به دنبال این اعلامیه‌های افشاگرانه‌سازمان دررابطه‌با سیاستهای ارتجاعی رژیم، بهادار ـ ان حامی حکومت به‌تکاپوافتاده‌وپس از ساعت ۸ شب (با تاریک شدن هوا) هرکسی راکه درکوچه‌ها دررفت وآمدببینندمورد باز ـ خواست وپرس وجوقرارمیدهندودرصورت مشکوک بودن اورا به‌سپاه‌برده‌وپس از تحقیقات لازم "آزاد میکنند.

براستی که‌تاریخ سندگویا وزننده‌ای است اگررژیم‌پوسیده‌پهلوی با اعلام حکومت نظامی درچندین شهربزرگ توانست خود را نجات دهد، رژیم‌جمهوری اسلامی هم‌قادر خواهدبودارگزندطوفانهایی که‌درراه‌است درامان باشد.

ملاقات بنی صدربا آوارگان یادآوربازدیدهای شاه‌خائن

بازدیدهای عوامفریبانه‌شاه‌خائن را زحمتکشان مابخوبی بیاددارندکه‌چگونه‌با قیافه‌ای "پدرانه‌سعی درپوشاندن ماهیت ضدکارگری وضدخلقی خوددداشت. با زدیدبنی‌صدرازاردوگاه‌آوارگان درخوابگاه‌دانشگاه صنعتی اصفهان هم‌برای آوارگان یادآورباز ـ دیدهای شاه‌جلادبود. بنی صدربا هلیکوپتر واردخوابگاه‌میشودوقبل ازاویک کامیون سربازوتعدادی ماشینهای لوکس واردخوابگاه‌شده‌بودند. اطراف خوابگاه‌وداخل ساختمانها را سربازان پرکرده‌بودند. بنی ـ صدروهمراهانش پس ازبازدیدازساختمان ۵ به‌میان آوارگان آمده‌وپس ازچندکلمه صحبت، با هلیکوپترخوابگاه‌را ترک میگوید پس ازرفتن بنی صدرآوارگان درگوشه‌وکنار ازشباهت این بازدیدبابازدیدهای شاه‌خائن صحبت میکردند. مردم‌ازخودمیپرسیدندکه‌بنی ـ صدرآمدا ینجا چکارکند؟! این چه‌بازدیدی بود؟! زکدامیک ازما درموردمشکلاتمان سئوال کرد؟ به‌کدام‌خواست ما حتی گوش داد؟ زحمتکش آواره میگفت: "اینها نمیخواهندبرای آوارگان کاری بکنند" زحمتکشان ما به ماهیت پرازفریب ونیرنگ لیبرالها پی میبرندوبا مبارزه علیه‌لیبرالها ونیزحزب جمهوری اسلامی درتداوم انقلاب خونین ایران میکوشند.

اشغال دبیرستان خوارزمی:
آغازگرشیوه‌ای فاشیستی درسرکوب مبارزات دانش‌آموزان

روزدوشنبه ۱۳ بهمن دبیرستان دخترانه‌خوارزمی شماره ۲ توسط عوامل حزب جمهوری اسلامی وبرطبق یک برنامه‌ازپیش تعیین شده‌به‌اشغال درمیاید. دانش‌آموزان هنگام‌مراجعه به‌دبیرستان با بسته‌بودن درب آن ونصب شدن پلاکارد ـ هائی حاکی ازاشغال دبیرستان تحت عنوان "بستن "این پایگاه‌توطئه وفساد"! ؟مواجه‌گردیدند. اشغالگران که‌خود را دانش‌آموزان مسلمان پیروخط امام‌مینامیدند، اجازه‌ورودبه‌هیچکس را نداده‌وبه‌فحاشی برعلیه دانش‌آموزان میپرداختند

یک دختر فالانژ اشغال‌کننده
درحال نگهبانی ازدرب بسته دبیرستان

دربیرون دبیرستان نیزاوباشان حرفه‌ای وچماقداران "مکتبی"با فحاشی سعی درایجاد محیط رعب ووحشت داشتند.

این وقایع درشرایطی رخ میدهدکه‌ما شاهدوجگیری جنبش دانش‌آموزی بطورکلی ووجودجوانقلابی دانش‌آموزان این دبیرستان بطورمشخص، میباشیم. رژیم‌فعلا نیزبرای سرکوب‌نمودن مبارزات پرشور دانش‌آموزان این مدرسه‌اقدامات متعددی انجام‌داده‌است. ازجمله‌تاکنون به‌اخراج ۲۰ تن ازدانش‌آموزان انقلابی پرداخته‌اندکه بیشترین رقم‌اخراج درمیان مدارس است. اما دانش‌آموزان مبارزبا ادامه‌فعالیتهای انقلابی خویش مشت محکمی برپوزه‌رژیم زده وتلاشهای مذبوحانه‌آن را خنثی کرده‌اند. بدین ترتیب می بینیم‌که‌توسل ارتجاع به آخرین حربه‌خودیعنی سرکوب مستقیم‌با توسل به‌شیوه‌های فاشیستی وانجام‌آن دراین مدرسه‌نه‌اتفاقی بلکه‌کاملا حساب شده‌میباشد

حزب جمهوری اسلامی که‌درنزدتوده‌ها مفتضح گشته، اینک درصددنان خوردن ازدکان پوسیده "....پیروخط امام"است، حزب با کوک کردن عوامل‌ش نظیرا شغالگران سیاهپوش دبیرستان خوارزمی درصددا ست تا به‌تکرار اعمال فاشیستها دربراه‌انداختن دسته‌های سرکوبگر "پیراهن قهوه‌ایها "و"پیراهن سیاهها "بپردازد. حزب حاکم‌درصددا ست تا در صورت موفقیتش دراین شیوه‌به‌تکرارآن در تمامی مدارس وعرصه‌های مبارزاتی توده‌ها بپردازد. اما دانش‌آموزان انقلابی همان ـ گونه‌که‌توطئه‌های سرکوبگرانه‌رژیم‌راتاکنون خنثی کرده‌ومبارزات خودرا بشکل روزافزونی گسترش داده‌اند، این شیوه‌جدیدارتجاع را نیزبا مبارزات انقلابی خودخنثی خواهند کرد. تقلیدهای حزب جمهوری ازشیوه‌های فاشیستی سرکوب نیز، چیزی جزکاریکاتور ـ هایی رسوا نبوده‌واعتلاء انقلابی جامعه واوجگیری مبارزات دانش‌آموزان انقلابی بردهان رژیم‌مشت محکمی خواهدزد.

به‌افشای توطئه‌های سرکوبگرانه‌رژیم درمدارس پرداخته‌وبا اتحاد خودآنها را خنثی کنیم!

به‌بهای خانه‌خرابی زحمتکشان،
میلیونهاتومان صرف ساختن فیضیه می‌شود

روزی نیست که‌رژیم‌جمهوری اسلامی در بوق وکرنای تبلیغاتی اش،بدروغ خبرکمک به‌آوارگان جنگزده‌را ندهد. دراین میان باباز کردن حسابهای مختلف کوشیدتا آخرین رمق زحمتکشان را به‌بهانه‌کمک به‌جنگزدگان بگیرد. اما جرم وولع رژیم‌جمهوری اسلامی بسیارفراتراست تا آنجاکه‌زحمتکشان را به بخشیدن ما یحتاج زندگی خودترغیب کرده و حتی ازچندتخم‌مرغ زن زحمتکشی که‌دچارتوهم نسبت به‌حکومت است نیزنمی گذرد. اما زحمتکشان ما بایدبدانندکه‌این مبالغ صرف‌چه‌اهدافی میشود؟

درست درشرایطی که‌آوارگان جنگ از فقدان بهداشت، مسکن و... بجان آمده‌اند ودرست درزمانیکه‌اعتراض‌حق طلبانه آوارگان جنگ نسبت به‌اوضاع نابسامانشان با سرکوب مزدوران سرمایه‌پاسخ داده‌میشود دست اندرکاران حکومت بودجه‌های کلانی را به‌تامین نیازهای خود، نیازهایی که‌بایستی درجهت حفظ نظام‌پوسیده‌سرمایه‌داری وتعمیق توده‌ها وگسترش جهل برآورده‌شود، اختصاص داده‌اند. احداث فیضیه‌جدیدتبریزکه‌هزینه آن ازعرق جبین زحمتکشان تامین میشود، ازآنجمله‌است. حدودچهارماه‌است که‌شب و ـ روزبرای احداث فیضیه‌تبریزکارمیکنند. این ساختمان دربهترین نقطه‌تبریزقرار داردودارای بیش‌از ۱۲۰ اطاق میباشدوتا کنون بیش‌ازمیلیونهاتومان صرف آن کرده‌اندرا ینجا بایدروحانیون مرتجعی پرورش یابندکه‌با "موعظه‌های خودبه‌تحمیق توده‌ها پرداخته‌وآنها را به‌قناعت نسبت به آنچه‌که‌دارند (یعنی هیچ چیز) وادارند. تا سرمایه‌داران ومفتخوران با استثمارزحمت ـ کشان جیبهای خودرا آسوده‌خاطرپرکنند و فربه‌ترشوند.

آری اینست آن نیازی که‌حکومت را به ساختن مکانهای آنچنانی ازدسترنج زحمت ـ کشان وامیدارد. اما زحمتکشان به‌بهبود زندگی رفاه‌اجتماعی، کسب‌آزادی واستقلال نیازدارندوهنگامیکه‌این نیازبا آگاهی طبقاتی همراه‌باشدوتحت رهبری باکفایت طبقه‌کارگرقرارگیرداین ساختمانها وامثال آن دراختیارکارگران وزحمتکشان قرار خواهدگرفت وبصورت سنگری برای درهم کوبیدن سرمایه‌داری وابسته‌وهمه‌مرتجعین درخواهدآمد.

زحمتکشان: مصادره انقلابی
رژیم جمهوری اسلامی: بازهم سرکوب

مصادره‌انقلابی آپارتمانهای سرمایه‌ـ داران توسط زحمتکشان بارها توسط رژیم جمهوری اسلامی سرکوب شده‌ومیشود. نمونه زیرگوشه‌ای ازاین سرکوب رانشان میدهد:

حدودیکسال ونیم‌پیش عده‌ای از خانواده‌های زحمتکش که‌قبلا درتازی آباد وکشتارگاه‌زندگی میکردند، ساختمان "لاله" رادرخیابان کارگرشمالی مصادره‌انقلابی کرده‌ودرآن سکنی میگزینند. صاحب این ساختمان مردثروتمندی است که‌ماهیانه فقط ۶۰ هزارتومان کرایه‌ساختمانهایش را میگیرد. زن زحمتکشی که‌ساکن آپارتمان بود میگفت: "ازیکسال ونیم‌پیش که‌اینجا آمده‌ـ ایم‌پاسداران وکلانتری ماهی یکبارباینجا حمله‌کرده‌وتن مارا میلرزانندوتهدیدمیکنند که‌بایداینجا را تخلیه‌نمائید." این زن زحمتکش بوسیله‌یکی ازپاسداران چندی قبل با قنداق ژ ـ ۳ مضروب شده‌بود. زن زحمتکش ادامه‌میدادکه: "این ساختمان مال یک سرمایه‌دارا ست اما ما نمیتوانیم‌حرفهایمان رابگوش مردم‌برسانیم‌چون رادیووتلویزیون دردست دولت است "پاسداران سرمایه‌به همراه‌کلانتری ۸ اواخردی ماه‌بازهم‌به ساختمان یورش آورده‌ومردم‌را تهدیدبه تخلیه‌ساختمان مینمایند. رژیم‌به‌تهدید وارعاب وسرکوب زحمتکشان ادامه‌میدهد، در حالیکه‌زحمتکشان بی مسکن باتمام‌نیرو در مقابل تهاجمات رژیم‌مقاومت میکنند.

مصادره‌انقلابی آپارتمانهای سرمایه‌ـ داران توسط زحمتکشان بی مسکن اقدامی است انقلابی وبرعلیه‌امپریالیسم‌وارتجاع!

مبارزه علیه جنگ رابه‌اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

اسفند ۱۳۵۷ : سقوط پادگان مهاباد، سرآغاز جنبش انقلابی خلق کرد

خلق رزمنده کردپا بپای خلقهای زحمتکش ایران درماههای قبل ازقیام ۵۷ با تظاهرات وراهپیمایی ها ومبارزات انقلابی خودبرعلیه رژیم ضدخلقی شاه قهرمانانه در جنبش انقلابی خلقهای ایران شرکت کرده و شهدای بسیاری را تقدیم راه انقلاب ایران نموده تظاهرات با شکوه اهالی زحمتکش شهرهای سنندج ،سقز ،بانه ،مهاباد ودوده‌ها شهردیگر کردستان درماههای قبل ازقیام هریک با به همراه داشتن دهها شهید زحمتکش کرد ،بدرستی پیوند خلق کردبا خلقهای زحمتکش سراسر ایران درجنبش دمکراتیک ـ ضدامپریالیستی توده‌های زحمتکش را نشان میداد .آری علیرغم تبلیغات وتوطئه وتحریکات رژیم جمهوری اسلامی درجهت تخطئه نقش انقلابی خلق کرددرمبارزات زحمتکشان ایران بر علیه رژیم شاه ،خلق کردبا تمام قوا برعلیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه جنگیدبا این امیدکه درچهارچوب ایرانی آزاد ودمکراتیک با رسالتهای ستم ملی ـ طبقاتی واستثمار فئودالها ومالکین وسرمایه‌داران برگرده خویش را ازبین ببرد .قیام ۲۲ بهمن ۵۷ فرا رسیدوخلق زحمتکش کرد ،همچون خلقهای سراسرایران ،کردستان را به عرصه نبرد مسلحانه خودبا ارتش ضدخلق شاه تبدیل کرد ، مراکزشکنجه سازمان جهنمی ساواک را به آتش کشید ،مزدوران ضدخلقی ساواک را دستگیروبسزای اعمال خودرساندوضمن محکوم‌کردن تمایلات تجزیه طلبانه عناصر مرتجع ووابسته درکردستان با صدایی رسا همبستگی هرچه بیشتر ومحکمتر خودوخلقهای ایران را اعلام‌نمود .اما بیش ازیکماه ازقیام شکوهمند بهمن ۵۷ نگذشته بودکه بخاطرتلاش برای کسب خودمختاری ،این حقوق حقه خود، موردحمله وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت .رژیمی که بروبرانه‌های نظام آریا ـ مهری لانه کرده وباهمان ابزاری خلق زحمتکش کردرا قتل عام نمودکه شاه خائن با آن توده‌های زحمتکش ایران را کشتار کرده بود .

بدنبال سقوط پادگانها بدست توانای خلقهای ایران درشهرها ،ارتش ضدخلقی آریامهری درسراسرایران ازجمله درمهاباد کردستان به تبعیت ازسیاست سازش رهبران با امپریالیسم به اصطلاح اعلام همبستگی با انقلاب نمود .اعلام همبستگی ارتش با انقلاب درحقیقت فریبی بیش نبودتا بدین وسیله سازشکاران بقدرت خزیده دستگاههای سرکوب ـ کررژیم شاه وارگانهای ضدخلقی وابسته به امپریالیسم را برای سرکوب مجددخلقهای زحمتکش ازآسیب انقلاب وسیل بنیان کن حرکت توده‌های مسلح محفوظ نگهدارند .اما خلق زحمتکش وآگاه کردفریب این همبستگی قلابی ارتش که تنها وتنها درخدمت حفظ سیستم سرمایه‌داری وابسته قرارداشت ،نخورده و هشیارانه به مقابله انقلابی با توطئه‌های ضدانقلابی عوامفریبان سوارشده برامواج انقلاب برخاست ،چه خلق قهرمان کرد ،بدرستی می دانسته ومیداندکه تحقق خواستهای خلق‌های زحمتکش ایران درپرتوپیروزی انقلاب خلقهای ایران بوده واین عملی نیست مگر اینکه ارتش ضدخلق شاه ودستگاههای سرکوب ـ کرآمریکائی ازبنیان نابودگردد .برپایه همین آگاهی انقلابی روزجمعه ۲ اسفند ۵۷ مردم زحمتکش وقهرمان مهاباد ،جهت تداوم قیام شکوهمند بهمن ودستیابی به پیروزی نهایی به پادگان مهاباد حمله کردند .این حرکت انقلابی مردم مهاباد دمورد حمایت پرسنل انقلابی درون پادگان قرارگرفت وآنها بهمراه زحمتکشان مسلح مهاباد ،ضد انقلابیون ارتش آریامهری راکه ازبرکت سازش رهبران با امپریالیسم برمناصب خودایفاده بودند خلع سلاح ودستگیرنمودند. پادگان مهاباد کلیه تجهیزات وسلاحهای نظامی اش بدست رزمندگان دلیرخلق کرد افتاد روشن است که چنین حرکتی نمیتوانست به مذاق جمهوری اسلامی که سودای وراثت نظام سرمایه‌داری وابسته را درسرمی پروراند خوش بیاید .بهمین خاطرفاشیتهای ارتش مهاباد به پروازدرآمدندوخلق زحمتکش کردموردانواع توهینها واتهامات ضد انقلابی قرارگرفت .اما خلق زحمتکش کرداز حرکت بازناپستادوبه مبارزه جهت تداوم انقلاب وکسب خودمختاری بعنوان حقوق حقه خودادامه دادودرتوروزخونین ۵۸ ،۲۸ مرداد ۵۸ ،اوایل اردیبهشت ۵۹ وازآغازگسترش جنگ ارتجاعی ایران وعراق بارها مورد وحشیانه‌ترین یورشها وقتل عامها ازطرف رژیم جمهوری اسلامی قرارگرفت .اکنون خلق قهرمان کرد ،پابه‌پای خلقهای زحمتکش ایران برای حفظ دستاوردهای قیام شکوهمند ودرجهت کسب خودمختاری درپرتوراهپیمایی خلقهای سراسرایران ،به پیکارمسلحانه خودادامه میدهدوپیشمرگان جنبش مقاومت خلق ،این جوشیدگان انقلابی ازدل خلق کرد ،رژیم جمهوری اسلامی رابارهابارها زیرضربات بی امان خودقرارداده‌اند . آری تسخیرپادگان مهاباد ،سرآغازجنبش انقلابی خلق کردبرعلیه رژیم جمهوری اسلامی بشمار می آید ،رژیمی که چیزی جزمحصول سازش نا ـ رهبران با امپریالیسم نیست .اگرچه رژیم مزدورشاه سقوط کردامارژیم جمهوری اسلامی درقبال خلق کردهمان راهی رادرپیش روی خودگذاشت که رژیم شاه گذاشته بودوبه همین خاطرخلق دلیرکردنیزهمان راهی رادرقبال رژیم جمهوری درپیش گرفت که درمقابل رژیم شاه درپیش روی خودگذاشته بود .

(این طرح ،درسرکداشت سالروزشهادت قاضی محمدبنیانگذارجمهوری خودمختار کردستان تهیه شده بود)

بقیه از صفحه ۲۱ **حزب توده ...**

آری بنی صدرانین لیبرال مرتجع ،زمانی نه تنها نابودکننده امپریالیسم ،بلکه خواهان سوسیالیسم قلمداد میشود !وحزب توده درصدد برقراری "راه رشدغیرسرمایه‌داری" اش بااین لیبرال مرتجع برمیاید .وزمانی دیگرخاطر حمایت توده‌ای ها ازجناح حزب ،بنی صدر تقریبا درصف لیبرالها قرارداده میشودوفردا بعیدنیست دژبان راه انقلابی شود !

- بدین ترتیب حزب توده بهیچوجه ضدلیبرالها نیست ،بلکه درارتباط با این مسئله منحصرکه دژهرزمان منافع بورژوال امپریالیسم اقتضا کند ،بدفاع ازجریانات موجودجامعه برخاسته وبه مخالفت با مخالفان آن جریان اقدام میکنندتا شایدجای پاشی برای سوسیال امپریالیسم بنمایند .

۸ـ ما دراینجا ازحمایتهای بی شائبه خائنین توده‌ای ،ازلیبرالها پس ازقیام نمی پردازیم وآن را به وقت دیگری موکول میکنیم اما تنهااشاره میکنیم که حزب توده بارها اعلام کردکه حامی دولت موقت بازرگان است وحزب توده حاضراست بی قیدوشرط درخدمت دولت بازرگان قرارگیرد ،حزب توده درمردم شماره یک بشدت ازحسن نزیه خائن دفاع کرد ومدتی جلادرا ماههاموردپشتیبانی خودقرار داد ،دراانتخابات ریاست جمهوری حمیدی لیبرال کاندیدحزب توده بودودرانتخابات خبرگان ومجلس اسلامی نیزعزت الله سحابی لیبرال کاندیدحزب توده بود .آری تاسک "ضد لیبرالی" کنونی دروغی بیش نیست تا حزب توده بتواند ،درحزب جمهوری اسلامی ،رهروان "راه رشدغیرسرمایه‌داری" خویش بمنی تبدیل ایران به "شکارگاه خصوصی" سوسیال امپریالیسم روس را بیابد .آری ملوس کوچولوی ما زمانی دربغل شاه خائن است ،دیگربار درآغوش لیبرالها واینک دربغل حزب جمهوری وفردا ؟ ....

مرتجعین توده‌ای رابیش ازپیش افشاو طردنمائیم .ماسک ضد لیبرالها را ازچهره کریه حزب توده بدریم !

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۳ طبقه کارگر...

وضدیت با طبقه کارگر و انقلاب توده‌ها، این نیروها مدافع طبقه سرمایه‌دار بوده و مخالفت آنان با شاه از موضع بورژوائی وضد انقلابی بوده است. در سوی دیگر نیروهای کمونیست، نیروهای دمکرات و جریانات شدیدا تا پیگیر مانند آیت الله خمینی قرار داشتند. هر کدام از این نیروها مدافع یک طبقه معین بوده و دارای درکهای متفاوتی از آزادی بودند. کمونیستها اگرچه بسیار ضعیف بودند، اما مدافع منافع پرولتاریا بوده و هدفی را که از سرنگونی رژیم وابسته شاه تعقیب مینمودند تا بودی رژیم سلطنتی و ماشین دولتی، سرنگونی سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار و استقرار حاکمیت توده‌ها به رهبری طبقه کارگر بود. نیروهای دمکرات خواهان سرنگونی رژیم شاه و استقرار دمکراسی خرده بورژوائی بودند و بالاخره جریاناتی مانند خمینی طرفدار خرده بورژوازی مرفه سنتی بوده، متمایل به سازش با بورژوازی متوسط و در مبارزه علیه رژیم سرمایه‌داری وابسته شد. شدیدا تا پیگیر بود. مخالفت این نیرو بخصوص در ضدیت با شاه، سلطنت تبارز مییافت. این نیرو خط مماشات با ارتش را تبلیغ میکرد و مخالف قهر مسلحانه توده‌ها بود. این نیرو در مقطع قیام به سازش با نمایندگان بورژوازی متوسط و امپریالیسم دست زده و به اردوگاه ضد انقلاب می پیوندد.

بدین ترتیب در هر انقلابی باید دید کدام حزب یا نیرو از کدام طبقه اجتماعی حمایت میکند و علیرغم تبلیغات آنها باید توجه کرد که آنها عملا پاسدار کدام طبقه و خواهان کدام دمکراسی میباشند. مثلا لیبرالها در گفتار طرفدار آزادی مردم میباشند، اما در کردار طرفدار آزادی سرمایه‌داران هستند. بعد از قیام ما دیدیم که چگونه آنها سلطنت طلبان را پناه داده، مورد پشتیبانی قرار دادند و چگونه به سرمایه‌داران و امپرداختند تا کارخانه‌های آنها به گردش خود ادامه دهند. چگونه کارگران را سرکوب کردند و حکم اعدام کمونیستها را صادر نمودند. و چگونه با امپریالیستها مناسبات را حفظ کرده به بستن قراردادهای اسارت بار سری و محرمانه دست زدند و یا آیت الله خمینی در گفتار طرفدار همه "مستضعفان" بوده ولی در کردار طرفدار اقشار مرفه جامعه بود و دیدیم که در قیام چگونه به سازش با سرمایه‌داران پرداخت و کشتار کارگران، کمونیستها و انقلابیون را آشکارا مورد حمایت خود قرار داد. و یا لاخره کمونیستها چه در گفتار و چه در کردار، طرفدار طبقه کارگر بوده و از تمامی زحمتکشان ایران حمایت کرده‌اند. کمونیستها که پیگیرترین مبارزین راه آزادی و استقلال میباشند، بعد از قیام نیز با تمام قوا برای رهائی طبقه کارگر به مبارزه خود ادامه داده‌اند. بنابراین طبقه کارگر باید بداند که فقط کمونیستها طرفدار پرولتاریا میباشند. و از منافع آنی و آتی کارگران حمایت میکنند. تنها کمونیستها هستند که میتوانند انقلاب را به سرانجام پیروزمند خود راهنمائی کنند. طبقه کارگر باید بداند که نیروهای ناپیگیر هرگز نمی‌توانند جنبش را به پیروزی برسانند و خائنین به سوسیالیسم یعنی رویزیونیستهای مرتد نیز دشمنان طبقاتی پرولتاریا میباشند.

دومین درس- در دوران قیام زمانی که سقوط قدرت حاکم حتمی بنظر میرسد سرمایه‌داران میکوشند تا با ائتلافهای جدید طبقاتی نظام مسلط را از مرگ قطعی نجات بخشند. در واقع آنان به عقب نشینی دست زده و امتیازاتی میدهند تا نیروی گسترده‌تری جمع نموده و از طریق آن به مقابله با انقلاب قریب الوقوع بپردازند. در زمان شاه خائن زمانی که جنبش به قیام نزدیک میشد امپریالیستهای آمریکائی و کمپرادورها عقب نشینی نموده و در صدد بودند تا با سهیم کردن لیبرالها در قدرت جنبش را بخوابانند. اما قدرت جنبش بحدی بالا بود که این طرح توطئه‌گرانه خنثی گردید بدنبال آن زمانی که فدا کردن شاه و سلطنت لازم گردید باینان فدا شدند و ائتلافهای جدید طبقاتی مطرح شد. این بار خرده بورژوازی مرفه سنتی در ائتلاف با سرمایه‌داران متوسط، کمپرادورها و امپریالیسم قرار گرفت. این ائتلاف بود که توانست قیام را در نیمه راه متوقف سازد و ماشین دولتی را از نابودی نجات دهد و از سقوط سیستم سرمایه‌داری وابسته و سرنگونی طبقه سرمایه‌دار جلوگیری نماید. بنابراین طبقه کارگر باید بداند که عقب نشینی‌های اینچنینی فقط بخاطر حفظ سلطه سرمایه و دستگاه حکومتی است و بهیچوجه نمیتواند حتی گامی در راه رهائی طبقه کارگر و زحمتکشان باشد. بعنوان نمونه هیچ بعید نخواهد بود که در آینده زمانی که جنبش توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی به اوج خود برسد، رژیم خاکم به چنین ائتلافاتی دست نزند. شرکت دادن رویزیونیستهای خائنی مانند حزب توده و یا فدائیان اکثریت و یا شرکت دادن نیروهای ناپیگیری مانند مجاهدین احتمالاتی است که باید بدانها توجه نمود. طبقه کارگر با اتکاء به نیروی خود و با وحدت مبارزاتی با دیگر اقشار زحمتکش باید بسوی تصرف قدرت به پیش رود. اما و باید در راه ساقط نمودن سلطه سرمایه و حاکمیت کارگران و دیگر توده‌های متحد بنده حرکت کند.

سومین درس- طی انقلاب باید دستگاه دولتی را با اتکاء به قهر توده‌ای نابود ساخت. دولت بورژوائی با تمام ابزارهای سرکوبگرش مدافع طبقه سرمایه‌دار بوده و او هم سرکوب انقلاب توده‌هاست. در هنگام انقلاب توده‌های مسلح باید با تمام قوا این ماشین جهنمی را نابود سازند. اگر این ماشین باقی بماند، بطور حتم ستمگران با توسل به آن در لحظه مناسب خواهند کوشید تا به جنبش و انقلاب تهاجم برند. در زمان قیام "رهبران" سازشکار بطور مستمر و مداوم با سازش با ارتش دست پرورده امپریالیسم را در میان توده‌ها تبلیغ می‌نمودند و با لاخره توانستند با توقف قیام این ماشین ضربت خورده را نجات بخشند و امروز می بینیم که چگونه همین ارتش در کردستان قتل عام میکند. بر واضح است که در زمان اوج - گیری جنبش توده‌ها در پایه‌های ارتش یعنی سربازان بشدت تزلزل بوجود آمده و چه بسا سربازان بسیاری متمایل به جنبش میشوند. کمونیستها باید این سربازان را به سمت انقلاب کشیده و صفوف دشمن را شدیدا متزلزل نمایند. رویزیونیستها برای سازش طبقاتی خود تمایل سربازان را بها نه قرار داده و میگویند نباید علیه ارتش به قهر مسلحانه دست زد. آنها عملا ماهیت طبقاتی ماشین سرکوب را پوشانده و میکوشند تا آنرا از زیر ضربات انقلاب محفوظ نگاهدارند. حال آنکه کمونیستها خواهان نابودی ارتش بوده و به همین خاطر حملات نظامی توده‌ها را علیه ماشین دولتی متمرکز میسازند. اما روشن است که این امر بمعنای نفی کار مداوم در درون ارتش و جلب سربازان به انقلاب نخواهد بود و باز روشن است که فقط زمانی که انقلاب به تصرف خود علیه ارتش دست میزند و فرماندهان مزدور دشمن خود را به نمایش عریان گذاشته و نه تنها دستور کشتار توده‌ها را میدهند بلکه خفقان را در درون ارتش نیز تشدید مینمایند آری در چنین شرایطی است که تزلزل در صفوف ارتش گسترش مییابد. در همین رابطه است که لنین سازش طلبان و اپورتونیستهائی که به نفی لزوم قهر انقلابی علیه ارتش میپرداختند را افشا کرده و میگفت: "ما با بدبا طبل و شیپور لزوم تعرض متهورانه و حمله سلاح بدست را که ضمن آن باید زمامداران را نابود ساخت و برای جلب افراد متزلزل ارتش دست به مبارزه‌ای کاملا جدی زد، اعلام داریم". (درسهای قیام مسکو).

آری باید دستگاه دولتی را در زیر ضربات مسلحانه جنبش توده‌ای نابود ساخت و قدرت نوین کارگران و زحمتکشان را برپا داشت. آری انقلاب از نابودی دستگاه دولتی کهنه و واژگونی طبقه سرمایه‌دار میگذرد و پیروز واضح است که این نابودی فقط به اتکاء قهر مسلحانه توده‌ای قابل تحقق است.

چهارمین درس- انقلاب وقیام را باید تدارک دید. قیام بهمن بدون تدارک قبلی بناگهان منفجر شد. البته این قیام نتیجه اوج گیری مبارزات بود. لیکن لحظه انفجار را کسی نمیدانست. اعتصابات و تظاهرات بشکل مقاومت ناپذیری تکامل مییافت و بسوی قیام می شتافت اما در همین دوره طبقه کارگر و توده‌ها از آمادگی متشکل و لازم برخوردار نبودند. وقتی که انفجار بوقوع پیوست عمل انقلابی و مستقیم توده‌ها فرسنگها از تئوری انقلابی جلوتر بود و زمانده‌ی متناسب وجود نداشت. کارگران و توده‌ها که طی مبارزه طبقاتی و در بستر بحران انقلابی پیدا شده بودند و از خود عملیات متهورانه‌ای نشان میدادند از جان گذشتگی تمام به مقابله با دشمن میرفتند. نیروی تاریخ و خارق العاده کارگران و توده‌ها به حرکت درآمده بود و آنها بزرگترین و جدیدترین ابتکارات انقلابی را بکار می‌بستند. اما علیرغم تمام قهرمانی‌های عظیم، کارگران و زحمتکشان فاقد دورنمای روشن، فاقد تشکیلات متناسب و فاقد زمانده‌ی نظامی خود بودند. آنها در مبارزه انقلابی خود نشان میدادند که توده‌ها واقعا تا ریخا زحمتکش و قهرمان‌اند اما چریک علیرغم تمام جانفشانی‌ها هرگز نمیتوانند قدرت لایزالی بنیا فریبند که حکومت را شکست دهد. اما در زمان قیام این قدرت عظیم توده‌ای طبقاتی را بوجود آورده بود که در بستر هدایت شده‌ای به پیش نمیرفت. بنابراین باید از قبل بطور همه جانبه‌ای انقلاب را تدارک دید بدون کار تدارکاتی ترویجی، تبلیغاتی، تشکیلاتی و نظامی انقلاب و قیام نمیتواند به پیروزی برسد.

پنجمین درس- قیام فاقد رهبری طبقه کارگر بود. کمونیستها به سبب انحرافات خود (مشی چریکی و اکونومیسم) و ضعف خود نتوانسته بودند رابطه محکمی با طبقه کارگر برقرار نموده و آن را بر اساس یک برنامه و خط مشی پرولتری و با اتکاء به یک تشکل قدرتمند به رهبر جنبش توده‌ها تبدیل نمایند. به همین خاطر طبقه کارگر در زمان قیام نتوانست بر راس جنبش قرار گرفته و پیروزمندانه آنرا هدایت نماید. طبقه کارگر فاقد ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی بود و عملا علیرغم تمام قهرمانی‌های خود به دنباله رو خرده بورژوازی و بورژوازی تبدیل گردید فقدان رهبری پرولتاریائی اساسی‌ترین عاملی بود که مانع از آن شد تا قیام به پیروزی خود دست یابد. کمونیستها باید صفوف طبقاتی را متمایز نموده و اشتراک منافع طبقات دمکرات با پرولتاریا را مشخص ساخته و نقش تاریخی پرولتاریا را برجسته سازند و نشان دهند که طبقه کارگر پیگیرترین طبقه اجتماعی بوده و از آنجا که برای پیروزی سوسیالیسم و برقراری کمونیسم میجنگند و زیر بار مالکیت خصوصی بر دست و پای آن سنگینی نمیکند، مدافع راسخ - ترین دمکراسی میباشد.

آری طبقه کارگر اقیام میباید موزد و خود را برای انقلاب پرشکوه فردا آماده میکند، انقلابی که برای رسیدن به سوسیالیسم امری ضروری است.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پیروزباد مبارزات دهقانان ممسنی

شهرستان ممسنی منطقه‌ای دهقانی است منطقه "جاوید ماموری" از جمله مناطق چهار ـ گانه ممسنی است که بخش اعظم زمینهای حاصلخیز آن در دست چهار ربرا درفشودال به اسامی فریدون خان، شاپورخان، سیف الله خان و امیرحسین خان جاویدی میباشد. فئودالهای مذکور بین خود توافق کرده‌اند که زمینهای منطقه شامل دهات "مورکی" "پهلو" به فریدون خان، زمینهای "پارسیجان" به شاپور، "تل سیاه" به سیف الله و زمینهای ده "بیشه" به امیرحسین خان تعلق داشته باشد. اهالی "تل سیاه" و "بیشه" بعلت نداشتن امکانات رفاهی دهات خود را ترک و در "مورکی" ساکن شده‌اند.

بعد از قیام زحمتکشان دهات "مورکی" "پهلو"، "تل سیاه" و "بیشه" مبارزه خود برای تصاحب زمینهای خوانین را تشدید کردند. آنها تراکتورهای خوانین را سنگبارانکرده و اجازه ندادند که خوانین زمینها را کشت کنند. خوانین نیز در این مبارزه بیکار ننشسته و در پناه حمایت رژیم جمهوری اسلامی به توطئه بر علیه دهقانان مبارز دست زدند. از جمله سیف الله خان جاویدی "حکمی از آیت الله ربانی شیرازی گرفت که برطبق آن کسی حق تصاحب زمینهای خان مذکور را ندارد" تا اینکه کشاورزان بعد از بارها مراجعه بی نتیجه به مقامات و ادارات دولتی نتیجه گرفتند که تنها با اتکاء به نیروی خود و با اتحاد با همدیگر میتوانند به حق خود برسند و بهمین خاطر روز سوم و چهارم بهمن ۵۹ کشاورزان "مورکی" و "پهلو" پس از تشکیل شوراهای دهقانی، خود شروع به تقسیم زمینهای فریدون خان جاویدی نمودند. اکنون اهالی "مورکی" و "پهلو" که پیش از تشکیل شورا بعلت تحریک خانها با هم مخالف بودند، کاملا متحد بوده و از همدیگر پشتیبانی میکنند. اقدامات انقلابی روستائیان با توطئه‌ها و تحریکات جهاد و هیئت هفت نفره با سلاح واگذاری زمین مواجه شد، بدانگونه که هیئت هفت نفره حامی فئودالها در مقابل اقدامات روستائیان میگفتند: "کشت زمین بوسیله مردم غیر قانونی است و زمینها باید بوسیله جهاد به زیر کشت بروند" دهقانان مبارز متحدانه با این توطئه شد بدا مخالفت کردند و جهاد بیها و هیئت کذائی نیز ضمن تهدید به سرکوب روستائیان منطقه را ترک کردند.

اهالی روستاهای "تل سیاه" و "بیشه" نیز از کشت زمینهای امیرحسین خان و سیف ـ الله جاویدی بوسیله آنها جلوگیری کرده و بدون اعتنا به حکم آیت الله ربانی تراکتور سیف الله را از زمینها بیرون انداختند.

دهقانان مبارز و روستای اخیر در پاسخ جهاد که گفته بود زمینها باید توسط جهاد کشت شود گفته‌اند: "جهاد باید از روی جسد ما بگذرد تا زمینها را بکارد." اکنون اهالی "مورکی" و "تل سیاه" با همدیگر ارتباط بوده و قرار است که همزمان تقسیم زمینهای مصادره شده را شروع کنند.

در همین رابطه رفقای هواداران سازمان در ممسنی اعلامیه‌ای منتشر کرده‌اند که ما قسمتی از آن را در اینجا میاوریم:

"زحمتکشان مورکی، پهلو، تل سیاه و بیشه!

صدها سال است که نیاکان شما زیر بار ظلم و ستم خوانین بوده‌اند و شما خودتان نیز این ظلم و ستم را با پوست و گوشت خود حس کرده‌اید. کمتر کسی در ممسنی هست که دهها خاطره از جنایات خوانین نداشته باشد. با سرنگونی رژیم شاه جلادکشاورزان امید داشتند که این وضع تغییر کرده و زمینهای خوانین را به آنها واگذار کنند. اکنون دو سال میگذرد، ولی می بینیم حکومت جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در این جهت برنداشته بلکه هر موقع که دهقانان برای تصرف زمین‌های مالکین بزرگ اقدام نموده‌اند، دولت در مقابل آنها ایستاده است.

زحمتکشان منطقه جاویدماموری! زمینهای خوانین مال خود شماست. سالهاست روی آن کار کرده‌اید و خوانین دبیر تجتان را به غارت برده‌اند. اکنون نیز با بدروی زمینها کار کنید ولی نباید اجازه دهید خوانین حتی یکدانه محصول شما را ببرند. شما باید با صبر و حوصله به همه مردم منطقه توضیح دهید که خان دشمن همه شماها نیست و باید برای مبارزه با خان با هم متحد شوید. دولت سعی میکند از راههای گوناگون از جمله دادن وعده یا تهدید به سرکوب شما را از رسیدن به خواسته‌هایتان باز دارد. نه فریب وعده‌ها را بخورید و نه از تهدید هراس بدل راه دهید. اگر شما متحد باشید هیچ نیروئی نمیتواند شما را از رسیدن به خواسته‌هایتان باز دارد.

خوانین نابودند، زحمتکشان پیروزند
هواداران سازمان پیکار در راه آزادی
طبقه کارگر ـ ممسنی
۱۳۵۹/۱۱/۱۱

جنایت تازه مالکین در روستای گلبرد

با رد یگر در گوشه‌ای دیگر از روستاهای این منطقه جنایت تازه‌ای توسط مالکین صورت میگیرد و یک زن زحمتکش روستائی قربانی این جنایت وحشیانه میگردد.

روز دوشنبه ۵۹/۱۰/۲۹ داداشی زمیندار بزرگ روستای گلبرد که مرد بسیار منفوری است (صاحب دهها میلیون تومان ثروتی است که حاصل دسترنج و شیره جان دهقانان زحمتکش این منطقه است) با بسیج دهها چماقدار به دهقانان مبارز این روستا یورش برده و شروع به زد و خورد میکنند که در حین درگیری فرزند یکی از دهقانان مرفه این روستا بنام شعبان ـ کوچکی که به حمایت از داداشی در این درگیری شرکت کرده بود یکی از شیرزنان روستائی را با دستهای خود خفه میکند و به این ترتیب صفحه‌ای دیگر بر پرونده داداشی منفور گشوده میشود.

روستای گلبرد از قبل تا کنون عرصه مبارزه دهقانان کم زمین و بی زمین علیه داداشی و اربابی مزدور او بوده است که در این گیرودار دهقانان مرفه نیز به حمایت از داداشی علیه دهقانان کم زمین و بی زمین دست به توطئه و سرکوب میزدند. در چند هفته اخیر که مبارزات دهقانی در روستاهای منطقه اوج نوینی به خود گرفته است دهقانان کم زمین و بی زمین نیز که هنوز چشم امیدی به رژیم ارتجاعی و ضدخلقی جمهوری اسلامی دارند به دادستانی انقلاب آمل و تهران و پاسگاه ژاندارمری شکایت میبرند و از آنها حق خود را میخواهند اما تجربه مجدد آنها چیزی جز قوت قلب گرفتن مجدد برای مالکین در پی نداشته است. که بدنبال خود منجر به بسیج چماقداران توسط داداشی و به شهادت رسیدن یکی از زنان زحمتکش روستا گردید. دهقانان مبارز گلبرد و سایر روستاها میبایست از این تجربه‌ها پی به ماهیت ارتجاعی این رژیم ببرند و دیگر چشم به بالا نداشته و به نیروی خود تکاء داشته باشند. آنها میبایست با اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر شوراهای واقعی خودشان را تشکیل دهند. و در جهت مصادره زمینهای مالکین برآیند. کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی در این راه فعالانه از آنها پشتیبانی خواهند کرد.

زندان مخفی در کارخانه چوکا (گیلان)

کارخانه چوکا دارای ۹۰ پاسدار مسلح است که ظاهرا وظیفه "حفاظت" از جنگل را دارند. این پاسداران که با مخارج زیاد از حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان نگهداری میشوند جز آزار کارگران، دهقانان زحمتکش و سرکوب نیروهای انقلابی کار دیگری انجام نداده‌اند. اخیرا جنایت تازه این پاسداران چهل و سه نفر که توسط زحمتکشان چوکا آفشا شده وجود یک زندان مخفی در چوکا است که انقلابیون مبارز را دستگیر و در این زندان شکنجه میکنند. در شرایط کنونی ۱۱ نفر از مبارزین منطقه در این شکنجه‌گاه اسیر پاسداران مزدور هستند. اما زندانیان این سیاهچال نیز بسان دیگر مبارزین انقلابی در بند، بدستان پرتوان توده‌های انقلابی آزاد خواهند گشت. با اوجگیری روز افزون جنبش توده‌ها، آن روز نزدیکتر میگردد.

بقیه از صفحه ۲ **پاسداران...**

جلوگیری کنند. چکمه پوشان رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهند توانست! رژیم جمهوری با این جنایات فقط ماهیت ددمنشانه خود را به توده‌های وسیعتری میشناساند و توده‌های بیشتری را به مبارزه علیه خود متمایل میسازد. رژیم حاکم با این پستی‌ها و جنایات گور خود را میکنند. این تظاهرات یکبار دیگر نشان داد که همه بخش‌های ارتجاع حاکم از حزب جمهوری گرفته تا لیبرالها در سرکوب جنبش متحد با ور یکدیگرند. و در این اتحاد دنا مقدس خویش از حمایت مزدوران سوسیال امپریالیسم یعنی حزب توده و از پشتیبانی فداشیان اکثریت خائن این نوکران چیره‌خوار بورژوازی نیز برخوردارند. اکثریتی‌های خائن طی اعلامیه ـ ای این تظاهرات را "هرج و مرج" قلمداد کرده و سازمان چریکهای فدائی (اقلیت) را "آلت دست سرمایه‌داران لیبرال" خوانده است.

باید پرسید واقعا چه کسی نوکر سرمایه‌داران میباشد؟ آیا این خود رویزیونیستهای اکثریتی و توده‌ای نیستند که مناظره‌گران جلاد جمهوری اسلامی هستند؟ آری کسانی آلت دست سرمایه‌داران هستند که برای دولت سرمایه‌داران هورا میکشند و دشمنی خود را با کمونیستها و انقلابیون و جنبش توده‌ای بارها به نمایش گذاشته‌اند. کسانی آلت دست سرمایه‌داران میباشند که محل اختفای تظاهرکنندگانی را که پراکنده شده بودند به پاسداران جائی نشان میدهند و این کسان جز رویزیونیستها کس دیگری نیست.

در اینجا لازم به یادآوری است اگر چه ما از این راهپیمائی حمایت میکنیم و به همین لحاظ پیام همبستگی خود را برای رفقا رسال داشتیم. اما به اقدام رفقا در برگزاری جشن ۲۲ بهمن بطور جداگانه انتقاد داشته و این اقدام را یک حرکت سکتاریستی قلمداد می‌کنیم.

امروز بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد تا قطب کمونیستی در سطح جامعه مطرح گردد و در مناسبت‌هائی چون سالگرد ۲۲ بهمن خونین می‌بایست همبستگی کمونیستی را به نمایش گذاشته و به ارتجاع و رویزیونیستها نشان داد که کمونیستها علیرغم اختلافات سیاسی ـ ایدئولوژیکشان مشت محکمی در برابر آنها هستند. اما رفقای فدائی به اقدامی سکتاریستی دست زده و عملا همکاری با سرکوبگران را در این مورد نفی کردند البته به نظر ما این اقدام جدا از انحرافات سیاسی ایدئولوژیک این رفقا بخصوص در برخورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم و مشی چریکی نیست. انحرافاتی که به طرزی عریان در شعارهای راهپیمائی خود را نشان میداد. ما تحلیل خود از این انحرافات را به فرصت دیگری موکول میکنیم.

توضیح:

در این شماره، به دلیل کثرت مطالب ویژه قیام بهمن ماه، نتوانستیم برخی از ستونهای ثابت و مقالات دنباله دار را بیاوریم. زوال عادی و ادامه مقالات از شماره ۹۴ دنبال خواهد شد.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

قیام

ضامن سازش کشیده شد
وانگشتهای خشم
ماشه منتظر قیام را فشرد

آه بنگر بدشان
بنگر بدشان
با هلهله های آشتی ناپذیرشان
درگرد بادها
با صفوف خونین شان
آمیخته به زیباترین فریادها
بنگر بدشان
این خلق مسلح منست
این خلق مسلح منست
که مثل جمعوبی طاقت
غریو قهر خویش را
شلیک می کند
این خلق منست
که میجوشد از رفتنای روزهای مشقت
میجوشد از محله های بیاخاسته زحمت
میجوشد از لابه های پنهان "گودها"
میجوشد از لابلای زنجیر کارخانه ها
میجوشد از عمق تشنه کشتزارها
و می جوشد
می جوشد
می جوشد
و پیش می آید
در امتداد لحظه های قیام
تا غرق کند
در تلاطم خون خویش
پادگانهای عاجز دشمن را
آری در انتظار پایان این سرود
برگذرگاه موجهای ملتهب می ایستیم
فانوس فریادهای روشن خود را
در سواحل تیره می افروزیم
و با صدای متحد آبهای سراسری می آمیزیم
در انتظار پایان این سرود هر دم
در انتظار پایان این سرود هر بار زدم
ما تکرار میکنیم
لحظه های تیر در را
(اسفند ۵۷)

بقیه از صفحه ۲۲ **گرامی باد...**

سازمان درمیان معلمین و دانش آموزان و... بی نهایت کوشا بود.

از ۵ ماه پیش بعنوان عضو سازمان پیکار مسئولیتهای جدیدی را پذیرا شد و یکماه پس از جنگ و با آواره شدن کارگران و زحمتکشان برای ادامه انجام وظایفش و فعالیت در میان آوارگان به ماهشهر عزام گردید و همچنان با قلبی آکنده از عشق به زحمتکشان و سرشار از کینه و نفرت به دشمنان خلق به مبارزه ادامه داد. رفیق محمود به عنوان یک کمونیست، سیاسی و پیگیر و منظم بود.

پس از دستگیری در ۵۹/۱۰/۶، در زندان نیز لحظه ای از مبارزه با زنان بیحیا و دشمن جلاد نیز دشمن سرسخت خود را شناخت و او را کینه ـ توزانه به جوخه اعدام سپرد. یادش گرامی و راهش پیروز باد! (۱)

در پایان شعری را که یکی از رفقا سروده است میاوریم:

بیاد رفیق محمود صمدی

انقلاب در راه است، رفقا!
چگونه بگویم،
که از ارتجاع کودن تر، هموست،
که بزدلانه و حقیر
با خشمی دیوانه وار از هراس مرگ
و با کینه ای پک سرما به دار تمام عیار
رفیقانمان را میدزدد!!
و آنان را در میان دین
و محاری دور از چشم
سوراخ، سوراخ میکند
ارتجاع رفیقانمان را از ما میگیرد
آری!
اما قادر به خلع عشق به فردایمان
نخواهد بود
او نمی تواند انقلاب را بدکند،
پس بگذار هر چه میخواهد،
چون گرگ گله
رفیقانمان را با کینه پست سرمایه داریش
پنهان از چشمها
بربایید
زیرا که رفیقانمان محصول آشتی ناپذیری طبقاتند
و آنست که آنان دوباره میروند
از میان خشم توده ها به بورژوازی
و آنان مدام در راه و در کارند
سیر انقلاب

(۱)ـ متاسفانه عکسی از رفیق فعلا در دست نداشتیم.

نقش طبقات مختلف در قیام بهمن ماه

بمنظور بررسی هرچه دقیقتر روند شکل گیری قیام با شکوه خلق، و بمنظور پی بردن به علل روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، نظر افکندن به چگونگی حرکت طبقات مختلف در متن اعتلای انقلابی آغاز شده از سال ۵۶، و بخصوص بررسی این حرکت در دوره شهریور تا بهمن ۵۷ که موقعیت انقلابی برجامعه حاکم بود، حائز اهمیت بسیار میباشد. از اینرو در این مختصر سعی میکنیم نقش هر یک از طبقات جامعه را در این دوره و بخصوص در قیام بهمن ماه بازگو کنیم.

۱ـ بورژوازی بزرگ (کمپرادور)

رژیم جنایتکار شاه، نماینده سیاسی این بخش از بورژوازی ایران و کارگزار امپریالیسم آمریکا بود. این بورژوازی بعلت ضعف و زبونیش در سرکوب جنبش توفنده توده ها موجب بروز اختلاف نظر در میان جناحهای مختلف درون خود و امپریالیستها، در مورد چگونگی سرکوب انقلاب، گردیده بود. این امر بخصوص بعد از واگیری غیرقابل مقاومت جنبش توده ای و حرکت خودبخودی توده ها بسمت تسلیح خود، کار را به آنجا کشاند که بخشی از بورژوازی بزرگ و جناحی از امپریالیستها خواهان عقب نشینی تاکتیکی و حتی کنارگیری شاه شدند، و بخش دیگر کماکان روی سرکوب شدیدتر و حفظ شاه اصرار داشت، تا اینکه فشار جنبش توده ای اراده خود را بر امپریالیسم و دلالانش در داخل تحمیل نمود، چرا که حفظ منافع حیاتی آنها در گرو چشم پوشی از این دارو دسته افشا شده در نزد توده های انقلابی و روی کار آوردن عوامفریبانی چون بختیار، قرار داشت. دولت بختیار هم برنامه خود را از یکسو سرکوب جنبش انقلابی توام با عوامفریبیهای لیبرالی قرار داد و از سوی دیگر کنار آمدن با "رهبران" سازشکار جنبش را در دستور کار خود گذاشت.

در جریان قیام بیشترین ضربات بر پیکر پوسیده این بخش از بورژوازی ایران وارد گردید، بطوریکه نماینده سیاسی خود یعنی رژیم شاه را از دست دادند.

۲ـ بورژوازی متوسط (لیبرال)

این بخش از بورژوازی ایران اگرچه بعلت تمرکز قدرت در دست بورژوازی کمپرادور و در وقت فشار سیاسی و اقتصادی قرار داشت، ولی از آنجا ـ شیکه سودآوریش تنها در چهارچوب سرمایه داری امکان پذیر است، مدافع سرسخت سیستم سرمایه داری وابسته بوده، وتنها خواهان شریک شدن در قدرت سیاسی و چپاول هرچه بیشتر توده ها بود. بورژوازی لیبرال که از انقلاب توده ها به وحشت افتاده بود، بفکر سوار شدن بر جنبش و متوقف کردن آن افتاد و سخنرانیهای بازرگان، سنجابی، فروهر و... که در آنها توده ها را از دست بردن به سلاح و اعمال قهر انقلابی باز میداشتند، نشانگر این واقعیت بود. همچنین آنها اقدام به ایفای رل واسطه مابین خمینی از یکسو و امپریالیسم و بورژوازی کمپرادور از سوی دیگر، نمودند که تماسهای بازرگان و سنجابی با سران ارتش و حتی شاه، بیانگر این امر است.

ولی جلو و بازسازش و خیانت بورژوازی لیبرال را باید در چهره کثیف بختیار جستجو نمود. او که از لیبرالهای "بنام" جبهه ملی بود با احراز پست نخست وزیری رژیم شاه اوج گندیدگی و عوامفریبی لیبرالها را بنمایش گذاشت. او نشان داد که بدرستی هیچ تفاوت ماهوی مابین بورژوازی کمپرادور و کارگزار امپریالیسم با بورژوازی متوسط و لیبرال وجود ندارد. علاوه بر این تشکیل جمهوری اسلامی پس از قیام که حاصل سازش تا ـ رهبرانی چون بهشتی ها و بازرگانها با امپریالیسم بود، ماهیت ارتجاعی و گندیده بورژوازی لیبرال را کاملا آشکار نمود.

۳ـ خرده بورژوازی مرفه سنتی:

نقش این قشر عمدتا بوسیله نماینده سیاسی آن یعنی آیت الله خمینی برجسته میشود. خمینی که بنا بر شرایط ویژه جامعه از یکسو و تبود قطب نیرومند انقلابی از سوی دیگر، بعنوان "رهبری" جنبش از سوی توده ها پذیرفته شده بود، بنا بر ماهیت طبقاتی خود در دوران قبل از قیام نقشی متزلزل ایفا نمود. او که از عمیق شدن جنبش وحشت داشت، بدنبال توده ها (و نه پیشاپیش آنها) لنگ لنگان روان بود و حتی زمانیکه خلق شعار "رهبران ما را مسلح کنید" را فریاد میکرد، خمینی صحبت از "زمان جهاد نرسیده است" میکرد. زمانیکه توده ها در کوچه و خیابان توسط ارتش آمریکایی شاه کشتار میشدند، خمینی شعار "ارتش برادر ماست" سر ـ میداد. او زمانیکه بورژوازی لیبرال در مذاکرات با امپریالیسم بود، با تائید عملی این مذاکرات و شرکت خود در یکسوی آن، سازش را تائید کرد. و سرانجام زمانیکه خلق انقلابی با بکار بردن قهر خویش حماسه خونین بهمن ماه را می آفرید، نماینده سیاسی خرده ـ بورژوازی مرفه سنتی فرمان خلع سلاح توده ها و توقف عملیات انقلابی توده ها را صادر کرد.

آری، اینچنین بود که خرده بورژوازی مرفه ـ سنتی در مقطع قیام، تزلزلش به نفع ضد انقلاب از بین رفت و تبدیل به نیروی ضد ـ انقلابی گردید.

۴ـ دهقانان:

عقب ماندگی عظیم جنبش دهقانی و ضعف نیروهای آگاه موجل گردید که در شرایطی که جنبش توده های شهری در حال اوجگیری مداوم بود و جنگهای خیابانی بین توده ها از یکطرف و ارتش رژیم شاه از سوی دیگر با شدت روز افزون درگیر بود، دهقانان ایران علیرغم کشیرا لغده بودن در جنبش نقش فعالی نداشته یا شدت و تازه بعد از قیام و سرنگونی رژیم شاه بود که امواج انقلاب به روستاها نیز رسید و مبارزات دهقانان با فئودالها و رژیم جمهوری اسلامی را دامن زد.

۵ـ خرده بورژوازی شهری (فقیر، متوسط)

از آنجائیکه سیستم سرمایه داری وابسته و دیکتاتوری رژیم شاه فشار زیادی را بر این بخش از توده ها وارد میساخت و از آنجائیکه این بخش از توده ها بیشتر در معرض افشاگری های آگاهگرانه نسبت به رژیم شاه بودند و در ضمن از تمرکز نیز برخوردار بودند، و با لاخره از آنجائیکه طبقه کارگر ایران نتوانسته بود نقش پیشتازی و رهبری خود را در جنبش توده ها ایفا نماید، بنابراین خرده بورژوازی شهری بیشترین و مؤثرترین نقش را در جریان جنبش توده ای و نهایتا قیام، بعهده داشت. اعتصابات و راهپیمائیهای میلیونی در شهرهای بزرگ و شرکت فعال و همه جانبه توده ـ های شهری در این مبارزات گواه بارز این واقعیت میباشد.

۶ـ طبقه کارگر (پرولتاریا)

فقدان آگاهی کمونیستی و خودبخودی بودن جنبش طبقه کارگر علیرغم وجود مبارزات قهرمانانه ای چون اعتصاب صنعت نفت، از یکسو جوانی و ضعف شدید جنبش آگاه این طبقه (جنبش کمونیستی)، از سوی دیگر موجب گردید تا طبقه کارگر در مقطع قیام نتواند نقش تاریخی خود را در رهبری مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ایفا نماید.

زمانیکه توده های شهری در خیابانها حول شعارهای سیاسی به مبارزه قهرآمیز با رژیم دست زده بودند، کارگران زیادی تازه مشغول انجام مبارزات اقتصادی خویش بودند و جنبش کمونیستی که وظیفه اش پیوند دادن مبارزات کارگری به جنبش سیاسی توده ها و شرکت دادن این طبقه در قیام و آگاه کردن طبقه کارگر به وظایف تاریخی اش بود، خود هنوز پا رها نشده از زحمتهای تنگ مشی خرده بورژوایی چریکی، در کمند اکونومیسم گرفتار شده بود و با کماکان در اندیشه های مشی چریکی در بند بود. بدین لحاظ در زمان قیام تاریخی بهمن ماه طبقه کارگر فاقد مستقل بود و اگرچه جا تبارزهای بسیاری انجام داد و با شرکت خود در مبارزات آنرا تعمیق بخشید، اما به سبب فقدان سازمانده ی و فقدان آگاهی کمونیستی نتوانست مهر خود را بر جنبش توده ای بکوبد و بنا گزیر بدنبال خرده بورژوازی و بورژوازی روان گردید.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

قیام خونین ۲۲ بهمن آتشفشان خشم یک خلق بپا خاسته!

بقیه از صفحه ۱

اوجگیری جنبش توده مردم در سال ۵۷ ـ ۵۶ نشان دهنده حدت یابی تضادهای طبقاتی و ملی جامعه تا حد انفجار بود. تضادهائی که در نتیجه سالیان دراز وطن فروشیهای رژیم شاه طاغوت و تسلط کامل امپریالیسم و استثمار و بهره کشی بی حد و حصر زحمتکشان بر روی هم انباشت شده و وضعیت اقتصادی جامعه ما را در قهقرای یک بحران، همه جانبه فرو برده بود. بحران مسکن تنها یکی از جلوه های این بحران همه جانبه و فزاینده بود، اما یکی از بارزترین و ملموسترین جلوه های آن، در حقیقت بحران مسکن را به یکی از ابتدائی ترین نیازهای مردم تبدیل کرده بود.

این چنین بود که در اواخر تابستان ۵۶ حاشیه نشینان "خارج از محدوده" بر سر مسئله مسکن بحرکت در آمده و سرآغاز جنبش عظیمی شدند که قریب یکسال و نیم بعد از آن بساط ننگین رژیم و سلطنت را به زباله دان تاریخ فرستاد.

در پی آمد همین مبارزات دلیرانه مردم خارج از محدوده بود که آتش قیامهای توده ای در قم و سپس در تبریز و متعاقب آن در ۱۳ شهریور بزرگ ایران برافروخته شد.

شهریور ۱۳۵۷ فرا میرسد، جنبش دیگر سرتاسری شده است. وضعیت انقلابی سریعا در حال تکوین میباشد. در بالا در صف ارتجاع حاکم کابینه ها در حال تغییر هستند، مهره های ارتجاع در مجلسین و خارج آن سخت در هم آشفته و در مقابل هم قرار میگیرند. ارتش شاهنشاهی، این گرزدست امپریالیسم نیز به اقتضای پوسیدگی درونیش در حال شکاف برداشتن است. توده های مردم دیگر حاضر نیستند رژیم سلطنت را تحمل کنند و به تدریج مصمم میگردند که سلطه جابرانه حاکم را برانداخته و بنای زندگی نوین را پی ریزند.

نیمی از شهریور ماه گذشته بود، خون در رگ خلق میجوشید. در روز شانزدهم توده های خلق تظاهرات عظیمی در تهران برگزار نمودند. در این روز هزاران هزار نفر از خلق زحمتکش در خیابانهای تهران اراده آهنین خود را برای تغییر سیستم موجود، به معرض نمایش گذاشتند. تظاهرات ۱۶ شهریور آنچنان پر هیبت و صلابت بود، آن چنان نمایشگر اراده پولادین خلق بود که تا اعماق استخوان لرزه بر اندام رژیم افتاد و تمام دستگاههای سرکوبگر خویش را ارتش و پلیس و ساواک گرفته تا بوروکراسی عریض و طویل را بشدیدترین و فعالترین وجهی بکار انداخت.

مردم در عصر ۱۶ شهریور با این شعار خیابانها را ترک کردند:

فردا صبح، ۸ صبح، میدان ژاله (شهدا)

در ۱۷ شهریور، پس از گذشت یکسال مبارزه و مقاومت لاینقطع جنبش در نخستین مرحله خویش به نقطه اوج رسید. از صبح زود، حتی ساعتها قبل از ساعت ۸ توده های مردم فوج فوج به میدان شهدا سرازیر میشدند.

در آن روز خلقی عظیم، با عزمی پولادین، گامی بزرگ در جهت نبردهائی برمیدارد، زیرا که میداند:

روز قطعی جدال است
آخرین رزم ما
.....

در مقابل صف خلق، ارتش ضدخلقی، این عمده ترین تکیه گاه نظامی، این گرزدست امپریالیسم که "بفرموده خمینی برادر ماست"، آن روز در ۱۷ شهریور بفرموده شاه جلاد هزاران نفر را زفرزندان این خلق غیور را بگلوله بست و خون سرخشان بر سنگفرش کوچه و خیابانها جاری شد.

۱۷ شهریور ۵۷ تنها از این جهت که خلق زحمتکش در این روز قهرمانیها کرد و بعرش اعلی یورش برد و دشمن نیز مطابق با منطق ارتجاعی خود وحشیگری و جنایت را بحد اعلی رسانید، در تاریخ مبارزات طبقاتی میهن ما ثبت نشده است، بلکه اهمیت این روز تاریخی بیشتر به لحاظ درسهای آموزنده آن میباشد. اهمیت این درسها از آن جهت گرانقدر است که حاصل تجربه مستقیم خلقی است که در حساسترین لحظات حیاتش فاقد یک رهبری مجرب و انقلابی بوده و تنها معلم و راهبر و افق انقلابی وی عمل مستقیم خودش بود.

آزمون عظیم ۱۷ شهریور عملا به خلق آموخت که آزادی و پیروزی را کسی به کسی هدیه نمی دهد و آن را نمی توان ملتمسانه تکدی کرد.

سرنوشت آزادی و پیروزی فقط و فقط در میدان نبرد خونین تعیین میشود.

رژیم شاه مزدورد ۱۷ شهریور توده ها را به خون کشید، اما خون آنها قیام ۲۲ بهمن را شکوفا ساخت

آزمون ۱۷ شهریور به خلق آموخت که قهر مسلحانه قانون عام و خدشه ناپذیر مبارزه طبقاتی است. خلق ما صحت این گفته مارکس را با ردیگر به ثبوت رسانید که:

"اسلحه انتقاد، البته نمی تواند جایگزین انتقاد بیسلاح اسلحه گردد."

آزمون ۱۷ شهریور به خلق آموخت که برای رسیدن به آزادی و پیروزی، از سختیها نباید هراسید، مرگ را باید آنقدر حقیر شمرد که بزرگترین وحشیگریهای ارتجاع تنها خودوی را به وحشت اندازد.

اینها همه درسهائی بود که خلق بدون آموختن و تجربه کردن آن در ۱۷ شهریور نمی توانست در ۲۲ بهمن آنها را بکار ببندد. درسها و آموزشهای ۱۷ شهریور و تاثیرات مستقیم آن بر جنبش توده ها آنقدر با اهمیت بود که از آن پس جنبش عملا وارد به مرحله جدیدی از سیر تکاملی خود گردید. مرحله ای که موقعیت انقلابی برای قیام مسلحانه، برای انقلاب توده ای فرا رسیده بود. از آن پس اوضاع شدیدا به نفع انقلاب تکامل یافت.

پیگیری طبقه کارگر و خیانت بورژوازی لیبرال

طبقه کارگر ایران این آشتی ناپذیرترین دشمن امپریالیسم و ارتجاع داخلی از این پس صورت آشکارتر و با هویت روشنتری وارد عرصه نبرد طبقاتی میشود. در این شرایط اگرچه کارگران دلاور ما فعالانه در جنبش حضور دارند اما آنان هنوز به سوسیالیسم علمی یعنی تنها ایدئولوژی رهائی بخش مسلح نشده اند و به همین خاطر مبارزات آنها اساسا در چارچوب جنبش عام دمکراتیک مستحیل گردیده است. از بعد از ۱۷ شهریور اعتصابات کارگری همواره نقش بارزتری در تکامل جنبش پیدا میکنند. این مبارزات نشان میدادکه طبقه کارگر نیروی اصلی تعمیق کننده مبارزات خلق است اعتصاب قهرمانانه و عظیم نفت گران جنوب خون تازه ای بود در پیکر جنبش. کارگران نفت جنوب نشان دادند که:

"تمامی چرخها می ایستند"

"اگر بازوان تو بخواهد"

البته اینها هنوز هیچ کدام به مفهوم صف مستقل کارگری محسوب نمی گردید. اما طبقه کارگر نشان میداد که در راه انقلاب پیروزمند تا چقدر حاضر به جانبازی میباشد. طبقه کارگر با قاطعیت و پیگیری خود به حرکت مجموعه خلق توان و صلابت بیشتری میبخشید. در این دوره است که جنبش بیش از پیش رادیکال میشود. سرنگونی رژیم سلطنتی در دستور کار توده ها قرار میگیرد. شعار "مرگ بر این حکومت پهلوی" به رایج ترین شعار تبدیل میشود. این شعار در واقع بیان تمامی خواستهای یک خلق بود. توده های ستمدیده با بیان این شعار نابودی سیستمی را مدنظر داشتند که امپریالیستها و سرمایه داران خون ـ خوار آنان را به اسارت در آورده بودند. اگرچه به سبب ضعف عنصر آگاه توده ها نسبت به اهداف انقلاب دیدگاه روشنی نداشتند اما این شعار برای توده ها سمبول استقلال و آزادی واقعی بود.

از بعد از ۱۷ شهریور رادیکالیسم و انقلابی ـ گری بیش از پیش در بین کارگران و توده ـ های زحمتکش تقویت میشود. اما به همان اندازه سازشکاری و خیانت در میان دوستان دروغین خلق یعنی بورژوازی لیبرال بیشتر جنبه عملی بخود میگیرد.

رژیم فاشیستی شاه به فرمان اربابانش در پنتاگون یک قدم در مقابل جنبش عظیم خلق عقب نشسته بود و در اوائل شهریور کابینه شریف امامی را تحت عنوان دروغین "آشتی ملی" بر سر کار آورد. ترکیب این کابینه

←

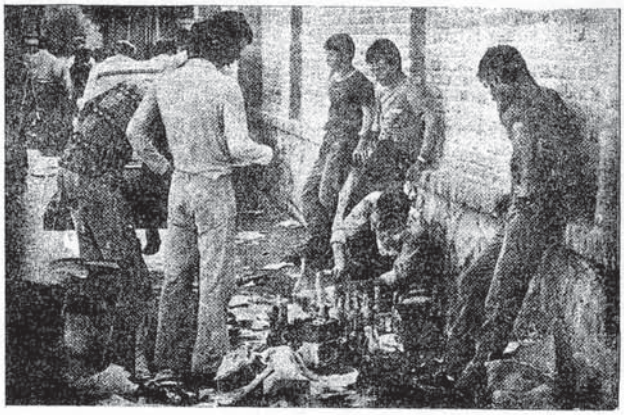

توده های انقلابی خود را برای ۱۷ شهریور مجهز می کنند

تجربه قیام ۲۲ بهمن، نشانگر ضرورت رهبری طبقه کارگر در مبارزات دمکراتیک ـ ضد امپریالیستی خلقهاست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مبارزات توده ها شاه جنایتکار را پس از سالها خیانت فراری داد

میبایست بورژوازی لیبرال وروحانیون وابسته ما نند شریعتمداری ونمایندگان کمتر آبروباخته بورژوازی کمپرادور را حول محور سلطنت محدود شده ،متحد ساخته وخرده بورژوازی سنتی را به سکوت شاهد میزبکشاند

زنده باد طبقه کارگر ایران : کارگران صنعت نفت ،

درجریان اعتصابات تاریخی خود ،اعتصاباتی که رژیم شاه را فلج کرد .

بورژوازی لیبرال به اعتبار سرشت ارتجاعی اش بلافاصله در مقابل این سازش خفت بار به عشوه گری پرداخت ودکتر کریم سنجابی در مقابل دولت شریف امامی اعلام نمود :

"عجالتا از اظهار عقیده معذورم زیرا تا برنامه دولت جدید اعلام نشود نمیتوانم اظهار خوش بینی کنم یا اظهار بدبینی.. اگر دولت بخواهد مذاکره کند ما حاضریم. درباره دولت گذشته نیز نمی توانم فعلا نظری بدهم" (کیهان پنج شهریور ۵۷)

نمایندگان مذهبی بورژوازی مانند شریعتمداری نیز همین موضع را اتخاذ کرده و وعده مهلت سه ماهه به رژیم میدهند .

اما قبل از آنکه اصولا کابینه شریف ـ امامی بتواند شکل قانونی بخود بگیرد (رای اعتماد مجلس) وبورژوازی فرصت جانه زدن برای کنار آمدن با آن را یابد ،خلق دلاور ما در ۱۷ شهریور به اعتبار خون هزاران شهید جواب رد به تمامی این توطئه ها داد .بدین ترتیب هم توطئه "آشتی ملی" نقش بر آب گردید وهم به عمل درآمدن خیانت بورژوازی لیبرال موقتا به عقب رانده شد .

زیرا که دیگر سرنوشت سیاست نه توسط سیاست بازان مکار در پشت درهای بسته ، بلکه توسط خود توده ها در عرصه نبرد سهمگین خیابانی تعیین میگردید .

از اوائل محرم جنبش توده ای با زهم دامنه وسیعتری بخود گرفت شرایط قیام ، شرایط فروپاشی کامل بساط سلطنت بیش از هر زمان فراهم میشد .دولت نظامی ازهاری جانشین کابینه "آشتی ملی" میشد ورژیم سراسیمه وعاجزانه به دنبال راه حل مصالحه میگشت .بورژوازی لیبرال خائن که از ترس خشم توده های انقلابی جرات سازش آشکار را نداشت وبه دنبال سازش "آبرومندانه" میگشت ،خرده بورژوازی مرفه سنتی بیش از پیش ،زلزل ودوگانگی تاریخی خود را به منصه ظهور میگذاشت .خمینی در حالیکه توده ها را از تاختن به پیش منع کرده ورابطه خود را با بورژوازی لیبرال محکمتر میکرد ، اما همچنان بر سرنگونی سلطنت اصرار داشت. درعین حال جنبش توده ها آن چنان عمیق و وسیع بود که تنها جامه پریالیسم ورژیم وابسته ـ اش مفهومی بغیر از به استقبال شکست رفتن نداشت .زیرا که تنها جام ،ارتجاع را وارد یک جنگ بی بازگشت می نمود ،که نه از نظر اقتصادی ونه از نظر سیاسی نمیتوانست منافع امپریالیسم را تامین نماید .لذا تنها راه ،عقب نشینی فعال بود تا اینکه مگر مفری برای سازشی بازشود .

ابتدا طرحی پیشنهاد میشود مبنی بر تشکیل دولتی به صدارت صادق بیعنی کسی که در کابینه مصدق نیز شرکت داشت وشما بنده به اصطلاح بورژوازی ملی به حساب می آمد . اما چنین طرحها وعقب نشینیهائی قبل از آنکه اصولا وعملا جدی گرفته شود ،از جانب خلق مهر ابطال دریافت می نمود .زیرا که بعد جنبش آن چنان بود که عرصه نبرد توده ها صحنه تعیین سیاست بشمار می آمد .

شعار "به همت توده ها ،به قدرت مسلسل شاه ترا میکشیم" آنچنان جنبه واقعی بخود گرفته بود که برای امپریالیسم وارتجاع حاکم وبورژوازی لیبرال خائن هیچ راهی جز فدا کردن شاه وسلطنت باقی نمانده بود .

سازش امپریالیسم و لیبرالهای خائن

امپریالیسم امریکا از مدتها پیش برای تصمیم گیری نهائی هیات بررسی "جرج بال" را به ایران فرستاده بود ،تمام بررسیها و تحقیقات گروه جرج بال وابسته به جناح بنه اصطلاح لیبرال امریکا وارزیابی ژنرال هویزر از ارتش ایران که طی اقامتش در ایران صورت گرفت ،تنا ظر بر آن بود که حفظ سیستم و یک پارچگی ارتش با توجه به حادبودن شرایط جز با کنار گذاشتن شاه وسپردن وظایف مربوطه به شورای سلطنت ،امکان پذیر نیست .

در کنفرانس گوادولوپ که به منظور بررسی وضعیت ایران وتصمیم گیری نهائی با شرکت چهار کشور امریکا ،انگلیس ،آلمان وفرانسه تشکیل گردید ،طرح جرج بال یعنی کنار گذاشتن شاه وحمایت از شورای سلطنت و دولت بختیار پذیرفته شد .

در ۲۶ دیماه ،شاه این ننگین ترین عنصر سلطنت ،این جلادی که ۳۷ سال دستش تا مفرق به خون هزاران شهید قهرمان ما غشته بود ،به برکت قهرمانیها ومبارزات غرور آفرین مردم زحمتکش میهنمان از ایران فرار کرد .

روزنامه ها در درشتترین تیترنوشتند : "شاه رفت" ومردم پایکوبان در همه جا فریاد برآوردند : "جلاد در رفت" مردم بزرگترین دست آوردبیش از یکسال مبارزه خونبار شان را با تمام وجود حس میکردند وبه یکدیگر تبریک میگفتند .با فرار شاه عملا عمارة نکبت بار دو هزار وپانصد ساله یعنی سلطنت بدور انداخته شد ، وازگونی تخت شاهی قبل از هرچیز نتیجه آگاهی وعمل توده ها میباشد وهمانطور که مارکس گفت :

"قدرت مادی باید به همان صورت توسط قدرت مادی درهم شکسته شود .ولی تئوری هم به محض اینکه از ظرف توده ها درک شد ، به نیروی مادی تبدیل میشود."

پس این قدرت واراده کارگران وتوده های خلق بود که شاه را فراری داد وبساط سلطنتش را برچید ونه قدرتی آسمانی !

اگرچه توده های مردم در این دوران علی ـ العموم ،مبارزات ،ودلاوریهای خود را در تحت لوای مذهب انجام میدهند ،اما درست بر ـ خلاف عوامفریبیهای بورژوازی وخرده ـ بورژوازی مذهب وانگیزه های مذهبی محرک این مبارزات نمی باشد .اصولا این مذهب نیست که چیزی برای عرضه کردن دارد ،بلکه این کارگران وتوده ها هستند که به علت فقدان آگاهی طبقاتی ودور افتادن از ایده ـ ئولوژی سوسیالیستی وافکار انقلابی از پوشش ایدئولوژیک ـ فکری مذهب برای پیش برد مبارزات خود استفاده میکنند وهرچه مبارزه توده ها به لحظات آخرین جدال نزدیکتر میشود ،این پوشش ایدئولوژیک ـ فکری مذهب خود به سد وماتمی در راه پیشرفت انقلاب تبدیل میشود ،مثلا خمینی در حالیکه براساس گرایش طبقاتیش وتحت تاثیر قاطبه مبارزاتی توده ها از یک سو مجبور است خطاب به شاه بگوید : "توبه تو در پیش مردم پذیرفته نیست ... ،ما نمی توانیم توبه تو را بپذیریم توبه گرگ مرگ است ." ،اما از سوی دیگر تزلزل روبه افزایش وابسته ایدئولوژیک مذهبی به وی حکم میکند که بگوید ، "البته اگر توبه حقیقی بکنی ومال مردم را به دستشان برگردانی و همه جنایات را جبران نمائی ،ممکن است خداوند بزرگ توبه تو را بپذیرد ،اما ملت نمی پذیرد" (نطق خمینی در ۵۷/۲/۱۳)

آنچه روحانیت خوانده میشود طیف نا ـ همگونی است که افرادآن از نظر شیوه زندگی ،سطح درآمد ،طرز تفکر وخواستهای اجتماعی انعکاسی از اقشار وطبقات مختلف جامعه میباشند .باشن ترین بخش روحانیت با توده خرده بورژوازی فقیر قابل قیاس بوده ونیز منافع سایر اقشار اجتماعی از قبیل خرده بورژوازی مرفه ،بورژوازی متوسط و بورژوازی بزرگ کمپرادور در طیف روحانیت منعکس است .رهبری روحانیت همان مراجع تقلید میباشند که به برکت دریافت سهم امام کلان بیشتر با اقشار مرفه وبالائی جامعه نزدیکی دارند .جنین طیف نا همگونی ،با توجه به زمینه فکری ـ مذهبی در میان مردم ، خود را به مثابه تشکیلات اصلی جنبش بر توده ـ ها تحمیل نموده بود .

هم فقدان یک رهبری کمونیستی وهم ریشه های هزار وچهارصد ساله مذهب در اعتقاد توده ها موجب آن گردید که جنبش توده ها به رنگ مذهب درآید ،عموما آنجا که طبقه کارگر و توده ها از آگاهی طبقاتی وایدئولوژی سوسیالیستی وانقلابی بدور باشند ،مبارزات حق طلبانه خود را در پوشش مذهب انجام می ـ دهند ،بنابراین نیروی محرکه جنبش توده ها نه مذهب بلکه تضادهای طبقاتی است .

روحانیت قبل از قیام نقش پیشرو نداشت ، روحانیت در تمام طول جنبش به اعتبار نقش مغشوی خود از اینکه مضمون حرکت توده ـ ها در جهت انهدام سیستم حاکم عمق یابد جلو ـ گیری کرد وکوشید با خلاصه کردن مبارزات خلق در مسئله شخصی شاه وسلطنت مبارزات توده ها را در حد رفرم ودست به دست شدن قدرت محدود نماید ...

آنجا که توده ها فریاد مسلحانه وجنگ مسلحانه میزدند خمینی میگفت وقت جهاد نرسیده ومترقی ترین چهره روحانیت ،آیت الله طالقانی "سلاح مظلومیت" را برای توده ها تجویز میکرد .آنجا که با لافره در ۲۲ بهمن توده ها اسلحه بزرگ گرفته با زهمین آیت الله طالقانی آن را "حادثه ای که از سوی برخی مسئولان جزء برای ایجاد اختلاف وبرادرکشی در میان ارتش طرح ریزی شده است "خواند وفرمان داد که "طرفین درگیری دست از ستیزه بردارند وبه سربازخانه ها برگردند ،(اعلامیه آیت ... طالقانی ۲۲ بهمن) گارد جاویدان شاهنشاهی توده های مردم و همافران دلیر را قتل عام میکند ،آیت الله طالقانی آن را برادرکشی واختلاف می ـ نامد ومقصر هم مسئولان جزء ـ یعنی همافران میشوند ونه خروشا دوبدره ای وامثالهم .

در بحبوحه قیام که خلق تنها چمش را مدتها است آغاز کرده وپایگاههای دشمن را یکی پس از دیگری تسخیر میکند ،آیت الله خمینی در ۲۱ بهمن اعلامیه ما در میکند که :

"هنوز دستورجهاد مقدس نداده ام ونیز مایلم تا مسالمت حفظ وقتا با موافق آرای ملت (در واقع موافق رد وبندهای بهشتی وبازرگان وهویزر) وموازین قانونی حل شود ...

اخطار میکنم که اگر دست از این برادرکشی برندارند ولشکرگاردبه محل خودش برنگردد واز طرف مقامات ارتش از این تعدیات جلوگیری نشود تصمیم آخرم را با میدخدا میگیرم"

خلق مسلح بی اعتنا به این آشتی طلبی ـ ها وسازشکاریها ،حلقه محاصره گارد را شکسته ودرپی انهدام کامل آنست ،اما خمینی میگوید هنوز دستورجهاد نداده ام وملت مسلمانه از سران لشکر گارد می خواهد که به محل خودش بازگردد .

احتیاج به توضیح نیست ،خمینی مدافع رادیکالیسم جنبش توده ها نیست ،بلکه با تزلزلات شدید خود به سازش بورژوازی لیبرال وامپریالیسم فتوا داده وتوده ها را تنبیه مبتا بعت از آن فرا میخواند .

سمت گیری اصلی خمینی درست انجا معلوم میگردد که با فرمان نخست وزیری بازرگان رهبری قدرت سیاسی را به دست بورژوازی میسپارد .

آری اینهاست مبارزه رفاقوت .درجنبشی که طبقه کارگر نقش رهبری توده ها را ندارد ، درجنبشی که کمونیستها حضور فعال وهدایت کننده ندارند ورهبری وسازماندهی بدست لیبرالهائی مثل سنجابی وبازرگان افتاده است ،درجنبشی که مارکسیست ـ لنینیستها به سبب ضعف خود نتوانسته اند سکان هدایت آنرا به عهده بگیرند وافراد شدیدا متزلزلی چون آیت الله خمینی دارای نفوذ گسترده ای میباشند ،آری درچنین شرایطی ،جنبش نمی ـ تواند به سرانجام پیروزمندش نائل آید .

■ ■ ■

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

توده‌ها فریاد میزدند: "رهبران ما را مسلح کنید!" اما...

از ۲۶ دیماه تا ۲۲ بهمن ماه در تاریخ کمتر از یکماه است. اما سیر حوادث ایران در این مدت کوتاه بقدری بزرگ بود که شاید سیر تغییرات طی ده سال قابل قیاس باشد. در این مدت یعنی از فرار شاه تا سرنگونی تخت شاهی هم در صف خلق و هم در صف ارتجاع وقایع بر اهمیتی رخ داد.

کارگران، زحمتکشان و سایر اقشار خلقی پس از بیرون راندن شاه بیش از پیش بقدرت مبارزاتی خویش پی بردند و تا بودی کامل سلطنت را طلب می نمودند توده‌های مردم بویژه کارگران و سایر زحمتکشان بطور عینی در راه بردن سلطنت، نابودی سرمایه‌داری و البته و سلسله امپریالیسم را جستجو میکردند. شعار "پیروزی نهائی - اخراج آمریکائی" بیش از پیش به شعار رایج تبدیل میشود. اگرچه که این شعار از نظر مضمون هنوز کامل نیست و خواستهای مشترک حداقل کارگران و سایر زحمتکشان و اقشار خلقی را منعکس نمیکند، اما نشاندهنده آنست که خلق ما به اخراج شاه به تنهائی رضا نخواهد داد. طبقه کارگر و توده‌ها درست برخلاف "رهبران" بهیچ روی خواهان توقف در نیمه راه نبودند. طبقه کارگر و توده‌ها نان میخواستند، مسکن میخواستند آزادی و دمکراسی و استقلال میخواستند، طبقه کارگر و توده‌ها بهداشت، تحصیل و آموزش، وضعیت زندگی بهتر، تأمین کار و بالاخره توده‌ها یک زندگی بدون بیم و هراس، یک زندگی امید بخش و یک زندگی نوین میخواستند و برای این همه توده‌ها احتیاج به حاکمیت بر سرنوشت خویش داشتند. توده‌ها در این راه آماده هر نوع جانفشانی و قهرمانی و فداکاری بودند. توده‌ها بیش از پیش و تا حدی بصورت انعکاسی در مقابل سرکوب مسلحانه رژیم به ضرورت جنگ مسلحانه بمثابه عالیترین شکل مبارزه پی میبردند. شعار "تنها راه رهائی - جنگ مسلحانه" به رایجترین شعار ها تبدیل شده بود. جنبش عظیم کارگران و سایر توده‌ها، محروم از ستاد رهبری کننده انقلابی یعنی حزب راستین طبقه کارگر، همچنان با گامهائی استوار به پیش میرفت.

از اول بهمن ماه جنبش با زهم اوج فزون - تری گرفت. توده‌ها دیگر کاملا در حال تعارض بودند. در مقابل دولت بختیار دست به سرکوب وحشیانه زد. در ۷ بهمن ماه تظاهرات شکل مارش بخود گرفت. در ۸ بهمن ماه در حالی - که تا رهبران در گوش خلق موعظه میکردند: "ارتش برادر ماست" و فتوا میدادند: "انتظار از عموم مردم مسلمان ایران آنست که نسبت به عموم کسانی که در ارتش خدمت میکنند کمال مهربانی و محبت و برادری روا دارند..." آنان را حقی بر گردن ملت است" (آیت الله روحانی) ارتش بدستور بختیار بر روی تظاهرات کننده - گان آتش گشود و تنها در جلو دانشگاه بنا بر نوشته اطلاعات ۵۷/۱۱/۹: "اقدامات خشونت - بار نظامیان مستقر در ستاد ژاندارمری ۷۰ کشته و ۵۰۰ مجروح برجای نهاد."

توده‌ها دیگر کاملا آماده قیام شده بودند و در همه جا فریاد میزدند: "رهبران، رهبران ما را مسلح کنید".

اما رهبران تا رهبر بیش از آنکه بفکر مسلح کردن توده باشند، در فکر انجام هر چه سریعتر سازش تاریخی خود با امپریالیسم بودند. حتی رهبری خرده بورژوازی مرفه - سنتی هم که بر سر برخی مواضع مثل مسئله سلطنت تا حد معینی قاطعیت از خود نشان داده بود، اینک با تهدیدهای توخالی از قبیل "حرف آخر را خواهیم زد" و "هنوز فرمان جهاد نداده‌ایم" عملا بصورت سد و مانعی در مقابل اوجگیری جنبش توده‌ها قرار گرفته بود و به جاده صاف کن قدرت یابی بورژوازی لیبرال ارتجاعی تبدیل شده بود.

ببینید چگونه ارتش مزد ورشاهنشاهی بسوی خلق ما شلیک میکند! اما در همین زمان آیت الله خمینی می گفت: "ارتش برادر ماست"!

بعد از فرار شاه در ۲۶ دیماه در اردوگاه دشمن اصلی شکاف با زهم عمیقتر میگردد. سکان مملکت داری بدست لیبرال خائنی بنام شاپور بختیار می افتد. ارتش این تکیه‌گاه اصلی حکومت آشکارا به دو جناح تقسیم میگردد. جناح سرسخت طرفدار حفظ سلطنت که از یکسال سربستک کوبیدن ارتجاع هنوز عبرت نگرفته بود و جناحی که ادامه حیات را در گروسازش و امتیاز دادن و قربانی کردن سلطنت میدید. فاشیستهای منفوری چون خسرودادوتشاط و بدره‌ای و جعفریان عربده میکشیدند که "وظیفه ما فقط حفظ تاج و تخت است" در مقابل، قره - باغی این سگ دیروزی شاه که در کابینه شریف امامی وازهاری نقش بسیار مهمی در کشتار خلق داشت، اینک در مقام ریاست ستاد قرار گرفته و موظف است که بعنوان خرمهره انتقال مسالمت آمیز قدرت ادای وظیفه نماید. قره باغی به جناح دیگر نهیب میزند که "کودتا در ارتش با قدرت سرکوب خواهد شد".

در همین زمان است که ژنرال هویزر برای جلوگیری از تشنج و درگیری بین این جناحها اعمالی از قبیل کودتا که امپریالیسم آمریکا را وارد در جنگی بنماید که موجب تشدید مبارزه طبقاتی گردد به ایران میآید. دولت بختیار ژنرال هویزر، قره باغی ها، شریعتمداری ها سنجابی ها، بازرگانها، بهشتی ها، رفسنجانی - ها و سپس پس از ورود خمینی، بنی صدر و دیگر همراهان با تمام نیرو و تلاش دارند که هر چه سریعتر جنبش عظیم توده‌های محروم و پا برهنه را در مسلخ سازش و تقسیم غنائم قربانی کنند.

"سران" جنبش و سران ضد جنبش مرتب در حال مذاکره و چاره جوئی هستند. بختیار خائن با رهاها اعلام نمود که با مهندس بازرگان در حال مذاکره و مشاوره بوده و در اکثر موارد نیز اتفاق نظر بوده است. بازرگان هم هیچ گاه این اظهارات بختیار را تکذیب نکرد. با توافق خمینی بهشتی، این سرکرده باندتبهکاران حزب جمهوری و رئیس کنونی دیوان عالی کشور نیز با ژنرال هویزر این کارچاق کن پنتاگون بر سر مصالح جنبش و منافع خلق به زد و بند پرداخته و طبق اسنادی که اینک از جاسوسخانه آمریکا بدست آمده بهشتی نه تنها در آن زمان برای متوقف کردن جنبش با هویزر زد و بند ی نمود و نه تنها ارکان دیدبرای "شورای سلطنت" بود، بلکه بعد از قیام هم با کاردار سفارت آمریکا مداوما نشست و برخاست داشته است.

بالاخره ژنرال هویزر در اسرع وقت هم سران ارتش و هم سران بورژوا لیبرال جنبش را بر روی یک خط انتقال مسالمت آمیز قدرت متحد مینماید. ۱۷۰ بهمن ماه خمینی فتوای نخست وزیری با زرگان را میدهد. ۱۸۰ بهمن ژنرال هویزر از ایران میرود و این در حالی است که سران بورژوا و خرده بورژوای جنبش هر - یک بنحوی حراست از منافع آمریکا را طی نطقها و بیانیه‌های خود تضمین نموده‌اند.

ولت موقت که محصول بازرگانها، بهشتی ها و هویزر امریکائی بود تشکیل میشود

خمینی در بیانیه ۱۷ دیماه خود میگوید: "مردم ایران به ارتش احتیاج دارند و به آن احترام میگذارند... ما به ارتش و به آن امرائی که درست عمل کرده اند احترام میگذاریم."

آیت الله طالقانی نیز به تبعیت از جریان حاکم که انعکاسی از تاپیگیری طبقاتی - اش بود میگوید: "تا بحال جلو مردم را گرفته - ایم و به آنها گفته ایم با سلاح مظلومیت صدایشان را بگوش دنیا برسانند. مردم کشته دادند ولی یک گلوله بسوی ارتشی ها خالی نکردند."

لیبرالهای خائنی چون سنجابی گفته بود: "ارتش عنصر ملی ایران است و به این عنوان باید مورد احترام ملت ایران باشد." و بالاخره با زرگان خائن نیز در پشتیبانی از ارتش آمریکائی مطرح ساخته بود: "پس از رفتن شاه و قولهائی که امرای ارتش بویژه ارتشبد قره باغی داده اند میتوان گفت که ارتش قصد کودتا ندارد و فرماندهان آن "جزئی از ملت" میباشند.

ژنرال هویزر قبلا گفته بود: "وقتی که واشنگتن از حمایت شاه و بختیار دست بردارد همه عداوتها نسبت به آمریکا از میان خواهد رفت" او براساس این طرح سازش با لیبرالها را تحقق می بخشد و وعده آشتی از خمینی می - گیرد و سپس راهی پنتاگون میگردد. بدین - ترتیب بود که توطئه علیه جنبش دلیرانه خلق - های ایران طرح ریزی میشود و در شرایط فقدان حزب کمونیست ایران قیام در نیمه راه متوقف میگردد.

آری جنبش که استوار به پیش آمده بود و هزاران هزار رهبد قهرمان در راه پیروزی آن فداکاری و جانبازی نمودند تا پرچم سرخ آنرا پیروزمندانه برافرازند، با خیانت های بیشمار لیبرالها و سازش خرده بورژوازی مرفه سنتی نتوانست قیام را بسرانجام برساند.

البته علیرغم توطئه‌ها، خیانتها و سازشها جنبش به پیش روی خود ادامه داد. امپریالیسم لیبرالها و آیت الله خمینی نمی خواستند توده‌ها مسلح شوند و به تعرض انقلابی و مسلحانه دست بزنند، آنان نمی خواستند به ارتش شاهنشاهی و دیگر نهادهای سرکوب ضربه‌ای وارد آید، آنان میخواستند انتقال قدرت بطور مسالمت آمیز به پیش رود. اما جنبش توفنده خلقهای ایران این محاسبه ضد انقلابی را برهم زد و بسوی قیام ۲۲ بهمن سمتگیری نمود

روزهای قیام بهمن و سقوط رژیم سلطنتی شاه خائن

۱۹ بهمن ۵۷ فرا میرسد. موج تظاهرات تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ را فراگرفته است. روحیه عصیان و شورش تمامی خلق را در خود فرو برده است. همه چیز بسرعت در حال تغییر است. مردم در همه جا سقوط دولت بختیار، این توطئه جدید آمریکا را طلب میکنند. مردم تصمیم نهائی را گرفته اند. ترس از مرگ تمام سا جای خود را به استقبال از مرگ داده است. مرگ بیش از هر چیز در ذهن توده‌ها حقیر شده است. توده‌ها خود را در یک قدمی پیروزی حس میکنند و برای رسیدن به آن اسلحه میخواهند.

"رهبران، رهبران، ما را مسلح کنید" در ذهن مردم جا باز میکند. بدست آوردن اسلحه سئوالی که برلبان همگان نقش بسته بود، با

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

فکر این سئوال مردم پنجشنبه عصر (۱۹ بهمن ۵۷) خیابانها را ترک میگویند.

خلق ماکشته داد تا به پیروزی برسد، اما نارهبران با خیانت خود قیام را در نیمه‌راه متوقف ساختند.

جمعه بیستم بهمن: دیگر طغیان، عصیان و روحیه قیام سراسر وجود توده‌ها را فرا گرفته است. دیگر هیچ چیزی نمیتواند آنها را از حرکت بجلو باز دارد. آنان برای کسب آزادی و پیروزی مصمم‌اند:

پیام قیام بهمن: تنها به زور اسلحه می‌توان دشمن را شکست

"برخیز ای داغ لعنت خورده
دنیای فقر و بندگی
.....
برما نبخشد فتح و شادی
خدا، نه شه، نه قهرمان
با دست خود گیریم آزادی
در پیکارهای بی امان
.....
روز قطعی جدال است
آخرین رزم ما"

توده‌های خلق و همدوش آنان کمونیستها و انقلابیون دیگر کاملا برای "روز قطعی جدال" آماده شده‌اند.

در مقابل، نارهبران جنبش هنوز مکارانه سعی دارند توده‌های عاصی را مهار کنند و این "آخرین رزم ما" را با زهم بعقب بیندازند. زیرا که آنان قول انتقال مسالمت آمیز قدرت را به هویزر آمریکائی داده‌اند. اما خلق همچون انبار باروتی است که تنها یک جرقه برای افروخته شدن آن کافی است.

بورژوازی و خرده‌بورژوازی مرفه، اینک بزرگترین سد راه قیام شده‌اند و لذا توده‌های مردم در عین حمایت آنها در حرف، در عمل دیگر از پذیرش آنها تمرد نموده‌اند.

غروب جمعه ۲۰ بهمن، هماهنگ با فرمان مبارز نیروی هوائی در مرکز آموزش "فرح آباد" با دست زدن به تظاهرات در پادگان به جنبش مردمی پیوستند. گاردیهای مزدور بدستور سرسخت‌ترین جناح ارتش یعنی خمودادها و بدره‌ایها آماده کودتا شده‌اند و مرکز آموزش نیروی هوائی را محاصره کرده و حتی آغاز میشود. جرقه روشن شده است و غرش رگبار مسلسلها اینک فرمان قیام مسلحانه را صادر میکند.

صبح شنبه ۲۱ بهمن توده‌های جان بر کف و انقلابیون مسلح بسوی محل درگیری هماهنگ مبارزه با گاردیها سرازیر میشوند. قیام آغاز شده است. مردم در اطراف فرح آباد نفربرها و تانکهای گاردیها را به آتش کشیدند. قیام مسلحانه که در ۲۱ بهمن نخست در شرق تهران شروع شده بود، سلاحها علیه تمام تهران را فرا گرفت و گاردیها با دادن تلفات سنگینی شکست خوردند. خیابانها یکی پس از دیگری سنگربندی میشود. دشمن شکست خورده، ولی مایوسانه از تلاش باز نایستاده، نتوانند دست به کودتا بزند. دشمن که انتظار چنین شکستی را نداشت، در واپسین لحظات در ساعت ۲ بعد از ظهر شنبه ۲۱ بهمن اعلام منع عبور و مرور از ساعت ۴/۵ بعد از ظهر را مینماید. اما خلق بی اعتنا به حکومت نظامی در مقابل هر گونه احتمال کودتا در این حساسترین لحظات کاملا هوشیار است و با سنگربندی و ایجاد راهبندان در خیابانها هرگونه ابتکار عمل را از دست آنها خارج میکند. توده‌ها تمام شب را بیدار هستند و به مراکز دشمن حمله میکنند. سپیده‌دم یکشنبه ۲۲ بهمن آزادی در حیات خلق میشکفد. تمامی پادگانها به محاصره خلق مسلح در می آید، پادگان عشرت آباد بدست پرتوان خلق فتح میشود، پادگان سلطنت آباد، دانشکده پلیس، زندان قصر، کلانتریها مراکز ساواک و کمیته‌های مشترک، زندان اوین، رادیو تلویزیون و... یکی پس از دیگری بدست پرتوان خلق فتح میشود. پیروزی قیام دیگر کاملا مسجل بود و سقوط رژیم ننگین سلطنتی واقعیت پیدا کرده بود.

در ساعت ۹ صبح شورایعالی ارتش تشکیل جلسه داده و در ساعت ۱۰/۵ اعلام "بیطرفی" می‌کند.

نارهبران جنبش که کنترل اوضاع کاملا از دستشان خارج شده بود، از ترس دخالت، از این همه جسارت و شهامت توده‌ها بیشتر می‌ترسیدند تا از تانکهای لشگر گارد شاه و قزوین که بدستور خمودادوبدره‌ای آماده کودتا بودند.

بازرگان در اولین نطق تلویزیونی خود قبل از آنکه بخواهد کوچکترین سخنی از این همه دلاوری خلق بر زبان آورد، در فکر نجات سران ارتش بوده و میگوید:

"امرای ارتش با کمال قدرت اعلام بیطرفی در امور سیاسی و بیشتیبانی از تمام خواستهای ملت کردند و بنمایندگی ریاست ستاد ارتش (قره‌باغی) در ملاقات حضوری همکاری خود را با دولت موقت اینجانب اظهار نمود. جا دارد از کلیه آقایان افسران و سربازان نیز تشکر کنم... از طرف دیگر به کلیه هموطنان عزیز و جوانان پرشور توصیه مینمایم بهمان نحو که امام خمینی ارتشیان را از ملت و ملت را از آنان دانسته‌اند، برادروار با افسران و سربازان رفتار نمایند و نه تنها از هرگونه حمله، خرابکاری، آتش‌سوزی، آزار، دخالت، تصرف نسبت به موسسات ارتش و نیروهای نظامی خود ـ داری نمایند و از ساختمان ستاد رفع محاصره کنند... نگذارند اخلالگران و بدخواهان با بیخردانه خسارت و مزاحمتی فراهم آورند."

بازرگان این لیبرال خاشن قیام مسلحانه خلق را "خرابکاری"، "آتش‌سوزی" و غیره میخواند و مردم مسلح و نیروهای انقلابی را "اخلالگر و بدخواه" و بی خرد" معرفی می‌نماید. آری آقای بازرگان با این سخنان رذیلانه خود ثابت میکند که وی با امرای ارتش آمریکائی بمراتب نزدیکتر است تا به توده مردمی که برای کسب آزادی، دمکراسی و استقلال سلاح برکف گرفته!

حجت الاسلام قدوسی که اینک بر تخت "دادستانی کل انقلاب" لمیده است، در همان ساعات اولیه قیام رذیلانه میکوشید تا مردم را از پیش‌روی و مسلح شدن باز دارد و خطاب به مردم می‌گفت:

"با توجه به نزدیک شدن ساعت منع عبور ـ و مرور، بهتر است جمعیت متفرق شوند

(اطلاعات ۲۱ بهمن)

آری در همان زمان که آتش قیام مسلحانه زبانه میکشید تا رهبران جنبش با تمام قوا میکوشیدند تا آنرا خاموش سازند. آنان میکوشیدند تا مردم مسلح را خلع سلاح نموده و پادگانها را از شعرض خلق در امان نگه دارند با توافق نارهبران، افراد مزدوری چون سرهنگ توکلی خائنانه و رذیلانه با تشکیل "ستاد عملیاتی انقلاب" جلوی درهای پادگانها مردم را خلع سلاح میکرد و دکتر یزدی در حساسترین لحظات مولیوان و دیگر کارگزاران سفارت آمریکا را از چنگ انقلابیون نجات میبخشید. همین مختصر خویش نشان میدهد که چگونه مردم و نیروهای کمونیست و انقلابی برای این قیام جانفشانی کردند و چگونه نارهبران با خیانت خود با تمام قوا در برابر انقلاب ایستادگی نمودند. در چنین مقطع تاریخی این نارهبران نشان دادند که در برابر انقلاب با دشمنان دیرین خلق ما هم‌سرنوشت می‌باشند.

قیام بهمن ماه آتشفشان خشم یک خلق بپا خاسته بود. قیام بهمن ماه با سرود مسلسلها و تفنگ‌هایش بیان اراده خلقی بود که در راه آزادی و استقلال بپا خاسته است. لیکن این قیام به سرانجام پیروزمندش نرسید. چرا که

بقیه در صفحه ۱۸

در روزهای قیام گروههای مسلح مردم به جاسوس خانه امریکا هجوم می‌برند و "سولیوان" جنایتکار را دستگیر میکنند، اما رژیم جمهوری اسلامی آوارانجات می‌دهد.

پیکار دمکراتیک و ضدامپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطهٔ امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی

ادامه دارد...

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

انقلابیون اسیر در زندان شیراز، به خلق گزارش میدهند :

در آستانه دومین سالگرد قیام خونین بهمن ماه

در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی چه میگذرد؟

زندانیان سیاسی انقلابی زندان عادل آباد شیراز از روز ۹ بهمن دست به اعتصاب غذا زده اند

من جوانی هستم،
از تبار خونین
ناخنی نیست اگر بر دستم
ناخنی نیست اگر بر پایم
همه را خم کشیده است به قهر
پشتم از داغ و کتک
گشته مدیار ره ولی
نکنم خم، گردن
ارتجاع کوبیده است
مهر ننگینش را
بر همه پیکر من
و تصور دارد
که تواند شکند عزم مرا
چه خیال خامی
من و تسلیم؟
میاد! هرگز!

خلقهای قهرمان ایران!

رژیم جمهوری اسلامی ایران پس از قیام دارها را برافراشت، زندانها را آب و جارو کرد با لگدمال نمودن خون هفتاد هزار شهید به سبعانه ترین اقدامات علیه انقلابیون دست زد. بسیاری از آنها را به جوخه های آتش سپرد و بسیاری از آنها را به سیاهچالها افکند که بحق هر یک از آنها را باید "آشوویتس" ■ جمهوری اسلامی نامید زیرا بیشتر به زندانهای نازیها شباهت دارند. زندانیان سیاسی انقلابی از ابتدائی ترین حقوق خویش نیز محرومند. اما رفتار رهبران رژیم با جاسوسان آمریکایی (این دشمنان خلقهای ایران) بنا به اعتراف خودشان، همواره انسانی بوده است تا جائیکه آقای بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرایی و سخنگوی دولت در مصاحبه مطبوعاتیش که در کیهان سه شنبه ۳۰ دیماه مندرج میباشد گفته است: "ما می توانستیم گروگانها را طی این مدت چهارده ماه در زندان نگه داریم، اما رفتار اسلامی به ما چنین اجازه ای را نمیداد." آری! "رفتار اسلامی" اجازه نمیدهد که دشمنان خلقهای ایران در زندان باشند! زیرا ممکن است تن نازکتر از برگ گلشان آزار ببینند، به همین خاطر در بهترین هتلها نگهداشته میشوند. اما همین "رفتار اسلامی" اجازه میدهد فرزندان این آب و خاک در بازداشتگاههای مخوف اسیر شوند.

شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی پیدا میکند. گذشته از زدن کابل و مشت و لگد و کشیدن موی سر دختران که بصورت امری عادی درآمده، در مورد بسیاری از انقلابیون نمایش اعدام مصنوعی را اجرا میکنند. در اثر ضربات لگد یکی از رفقا را در مسجد سلیمان دچار پارگی فتق می نمایند. به یکی از رفقا در بندرعباس بطری استعمال مینمایند. شش نفر از انقلابیون را در شیراز به مدت ۸ شبانه روز در گرمای ۶۰ درجه نگه میدارند در مسجد سلیمان رفقا را در سلولی که مارها در آن جولان میدهند به شکل انفرادی حبس میکنند. و هزاران نمونه دیگر. آنگاه در برخی وکرنامی دمند که در زندانها شکنجه وجود ندارد و بخاطر لوث کردن مطلب، "هیئت" علم میکنند و نامش را "هیئت بررسی شایعه شکنجه" میگذارند. این رویه مفتضح شکنجه انقلابیون را که یک واقعیت است شایعه مینامند. آیا شهادت "کاظمپاوی" از واره خوزستانی در زندان عادل آباد شیراز شایعه است؟ آیا جز این است که

> **شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی پیدا میکند. گذشته از زدن کابل و مشت و لگد و کشیدن موی سر دختران که به صورت امری عادی درآمده، در مورد بسیاری از انقلابیون نمایش اعدام مصنوعی را اجرا میکنند. در اثر ضربات لگد یکی از رفقا را در مسجد سلیمان دچار پارگی فتق مینمایند. به یکی از رفقا در بندرعباس بطری استعمال مینمایند. شش نفر از انقلابیون را در شیراز به مدت ۸ شبانه روز در گرمای ۶۰ درجه نگه میدارند در مسجد سلیمان رفقا را در سلولی که مارها در آن جولان میدهند به شکل انفرادی حبس میکنند.**

آن هموطن جنگ زده با مارها به شدیدترین شکل شکنجه شد؟ آیا جز این است که از عزام وی به بیمارستان بخاطر معالجه بیماریش (برقان) خودداری شد؟ آیا علت مرگش کتک و نرسانیدن به بیمارستان نبود؟! گر در زندان شکنجه وجود ندارد پس "غضنفر آزادی" "زندانی عادی" به چه مناسبت دست به خودکشی زد؟ مگر فشارهای روحی وارده از سوی گاردزندان عامل خودکشی او نبود؟ با وجود نمونه های فوق که قطره ای از دریا هستند، با زهم رژیم جمهوری اسلامی شکنجه را فقط یک شایعه مینامد. رژیم جمهوری اسلامی با تکیه زدن بر اریکه شاهنشاهی و با استفاده از ارتش آمریکائی به ارث رسیده از رژیم پهلوی و به همراه سپاه پاسداران سرمایه، کردستان قهرمان را از هوا و زمین مورد تهاجم قرار داده و آنرا به خون میکشد. اما کردستان قهرمان، این دژ مستحکم مبارزه خلقها، همچنان پرچم سرخ انقلاب را برافراشته نگهداشته است. و در این راه قهرمان غیوری را به خلقهای تحت ستم هدیه نموده است. از کوه و کمر ایران زمین فریاد آزادیخواهی برخاسته است. سرودی کارگران و زحمتکشان در حوالی صدا یافت که هیئت حاکمه ضدخلقی، این حامیان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، نه میخواهند و نه میتوانند با حکوی نیازهای آنها باشند. علیرغم تمام عملکردهای ضدخلقی رژیم جمهوری اسلامی ارابه بر طلایت انقلاب به پیش میبرد و حادثه خونین انقلاب را هموارتر میسازد. مبارزه ی امان طلبانی، مرتجعان را هراسان و روبزیونیستهای خائن (اکثریت توده ای و سه جهانی) را بیش از پیش رسوا و رسواتر میسازد. و سرانجام پرچم جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر در سراسر ایران به اهتزاز درخواهد آمد.

خلقهای قهرمان ایران!

بازندانیان سیاسی شیراز:

۱) ـ در اعتراض به آزادی جاسوسان آمریکائی آنهم در حالیکه فرزندان شما، دسته دسته دستگیر شده و به حبسهای طولانی مدت محکوم میشوند و در حالیکه انقلابیون به سبعانه ترین شیوه های شکنجه و حتی به جوخه های اعدام سپرده میشوند.

۲) ـ در اعتراض به عدم توجه رژیم به غذا، مسکن، بهداشت هموطنان جنگ زده با توجه به اینکه جاسوسان آمریکائی در بهترین اماکن و با بهترین غذا و پوشاک و بهداشت مورد پذیرایی قرار میگرفتند و از طرف دیگر در اعتراض به اینکه همواره این هم میهنان آواره مورد اهانت و ضرب و شتم قرار میگیرند.

۳) ـ در اعتراض به بستن دانشگاه، این سنگر آزادی که خون بسیاری از عزیزترین فرزندان این مرز و بوم به دیوارهایش نقش بسته و همچنین در اعتراض به تعطیل برخی مدارس و اخراج و دستگیری دانش آموزان و معلمان انقلابی

۴) ـ در اعتراض به کشتار خلق قهرمان کرد به بهانه جنگ ایران و عراق.

۵) ـ در اعتراض به شکل و عملکرد هیئت بررسی مسئله شکنجه که هدفش لوث کردن واقعیت شکنجه انقلابیون است و بهمین خاطر نام خود را "هیئت بررسی شایعه شکنجه" گذاشته است (لازم به تذکر است که ما در عین حال با جناح بندی مدرمرزبندی داشته و موضع ضدخلقی آنها را در برخورد به مسئله شکنجه محکوم میکنیم.)

۶) ـ در اعتراض به راهپیمایی های فرمایشی از قبیل راهپیمایی روز ۱۵ دیماه که توسط حزب جمهوری اسلامی انجام شد و در آن عده ای از زندانیهای عادی که عمدتا مزدوران گارد زندان بودند، را با عنوان زندانی سیاسی انقلابی به شهر برده و با دادن شعارهایی از قبیل "شایعه شکنجه در زندانها توطئه آمریکاست" و "زندانی و زندانیان با هم برادرهستند" که هدفشان فریب خلقهای ایران بوده است. و با داشتن خواستهای زیر که از حقوق طبیعی و اولیه هر زندانی سیاسی انقلابی میباشد از تاریخ پنجشنبه ۵۹/۱۱/۹ دست به اعتصاب غذا میزنیم، تا بدست آوردن خواستهای خویش به اعتصاب خود ادامه خواهیم داد.

۱) ـ ملاقات حضوری بمدت حداقل ۳۰ دقیقه (لازم به تذکر است که در حال حاضر ملاقات بمدت ۵ دقیقه و آنهم به بدترین شکل ممکن صورت میگیرد. بدین ترتیب که فرد ملاقات کننده را در فضایی بسیار کم نور قرار داده و زندانی را در فضای باز قرار میدهند و ما بین ملاقات کننده و زندانی پنجره ای با میله های آهنین نزدیک یکدیگر روی آنها سیم خاردار بسیار ریز کشیده شده، قرار دارد. بطوریکه زندانی چهره ملاقات کننده اش را نمیتواند بخوبی ببیند)

۲) ـ در دسترس قرار دادن مطبوعات و رسانه های گروهی (روزنامه های قانونی ـ کتب مورد نیاز زندانیان ـ رادیو و تلویزیون)

۳) ـ با توجه به اینکه اسارتگاه ما به لحاظ پوشیده بودن پنجره ها بوسیله کرکره های فلزی از نور کافی برخوردار نمیباشد و نیز مرطوب بودن سالنها، نیاز میبرم به هواخوری آنهم هر روز دو نوبت هر نوبت ۳ ساعت داریم، لازم به تذکر است که ما تاکنون مطلقا از هواخوری محروم بوده ایم.

۴) ـ داشتن حق انتقال به سایر زندانهای کشور برای زندانیانیکه از شهرستان محل اقامت خانواده شان دور افتاده اند.

۵) ـ به عمل آوردن تعمیرات لازم از قبیل تعویض لامپهای سوخته و شیشه های شکسته.

جنگ زدگان آواره اند، انقلابیون همچنان اسیرند، اما جاسوسان آمریکائی آزادند. پیروز باد مبارزات دلاورانه خلق قهرمان کرد. زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده ها، از زندان ارتجاع آزاد باید گردد. در فضای هرچه بیشتر شکنجه در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بکوشیم عده ای از زندانیان سیاسی زندان عادل آباد شیراز.

تکثیر از سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
لیسانس کارگر ۵۹۱۱/۱۵

■ ـ بازداشتگاه آشوویتس، یکی از بازداشتگاههای مخوف آلمان نازی در جنگ جهانی دوم میباشد که در آن حتی کوره آدم سوزی دایر بود.

پیام زندانیان سیاسی اوین بمناسبت دومین سالگرد قیام بهمن

مردم مبارز و انقلابی

در آستانه دومین سالگرد قیام شکوهمند بهمن ماه، سالروز تبلور قهر انقلابی خلق و سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه جنایتکار و در حالیکه تنها دو سال از برگزاری شما میگذرد زندانهای سیاسی بدست توانای شما میگذرد زندانیان سیاسی درودهای آتشین و تبریک انقلابی خود را بمناسبت دومین سالگرد قیام نثار شما خلق ستمدیده می نمایند. در پی مبارزات پیگیر توده های مردم که از ستم طبقاتی، اختناق پلیسی و فشار اقتصادی سیستم سرمایه داری وابسته سرچشمه میگرفت، رژیم منفور پهلوی مجبور به انجام رفرمهائی در جهت مهار کردن جنبش انقلابی مردم شده که با حرکت قهرآمیز توده های انقلابی روبرو گردید و در نهایت، امپریالیسم در قبال این موج توفنده مجبور به عقب نشینی شده رژیم شاه سرنگون گردید.

جنبش توده ای که بخاطر رسیدن به آرمان ـ های خود، آزادی و برابری و استقلال خون ـ های بسیاری نثار کرده بود با غاصبین قدرتی روبرو گشت که بر روی موج خروشان خونهای پاکترین فرزندان خلق سوار شده بودند و علیرغم خواست مردم تمام هم خود را در جهت نگهداری و بازسازی کامل نظام ستمگرانه سرمایه داری بکار بردند. مردم محروم ما نه تنها به برابری اجتماعی نرسیدند بلکه حاکمیت با سیاستهای منحط اقتصادی و شیوه ـ های غدکارگری خود به فقر و بی خانمانی

بقیه در صفحه ۱۴

زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده آزاد باید گردد

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

رزمندگان: حرکتی مارکسیستی وضرورت ادامه آن

جنبش انقلابی خلق ما ،درمتن اعتلای فزاینده خویش پیش میرود .اوجگیری مبارزه طبقاتی انعکاس خودرا دردرون جنبش کمونیستی منعکس کرده وصفوف آن را بیش از بیش از یکدیگر متمایز کرده ومیکند .حاصل این تمایز ،چیزی جزفشرده شدن صف کمونیستهای پیگیروجدا شدن اپورتونیستها از آنان نیست پروسه تکاملی جنبش کمونیستی ایران شاهد این مدعاست .ازیکسوجریانات همچون "فدائیان اکثریت" و "اتحادیه کمونیستها" (بخوان اتحادیه رویزیونیستها)به صف فدا انقلاب پیوسته ونه تنها ازجرگه جنبش کمونیستی ،بلکه ازجرگه جنبش انقلابی خلق نیزخارج گردیده اند، وازسوی دیگرکمونیستهای پیگیربا زدودن انحرافات راستروانه خویش ،صفوف خودرا فشرده ترمینمایند ،درگیرودارنبرد بین مارکسیسم ورویزیونیسم ،اگرچه رویزیونیستها ازپشتوانه مادی ومعنوی وسیعی برخوردارند لیکن به حکم تاریخ (بطورا عم)وبنا بررادیکالیسم جنبش خلق (بطورا خص)محکوم به انزوا هستند .

گرایش حاکم بر "رزمندگان "که ازمدتها پیش درپس الفاظ چپ ،جوهرنگرش وتفکر راست خویش را پنهان نموده بود ،با آغازجنگ بسرعت وآشکارا به تعمیق اپورتونیسم خویش پرداخت .تزلزلات ایدئولوژیک درقبال رویزیونیسم وسوسیال امپریالیسم ،"قطبهای ایدئولوژیک ـ تشکیلاتی "،اعتقاد به سرمایه ـ داری "خودپو"،اعتقاد به تئوری ضدخلق ـ ضدامپریالیست ،اعتقاد به هژمونی خرده ـ بورژوازی دردولت ،عمده کردن خطر ضدانقلاب مغلوب ،عادلانه خواندن جنگ وسایر انحرافات رزمندگان که درحدلازم خود ازجانب جنبش کمونیستی موردتعرض قرارنگرفته بود ، توانست درشرایط خلاء مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی وبربستر گرایش طبقاتی خویش ،دست به فرموله نمودن خودزده وبه اصطلاح دربرابر "خطرعمده ضدانقلاب مغلوب و امپریالیسم" ،ضرورت دفاع از "استقلال سیاسی حکومت "را مطرح نماید .

بدین ترتیب آرایش قوای طبقاتی ای تصویرگشت که خطرعمده ودشمن عمده نه ارتجاع حاکم ،بلکه امپریالیسم وضدانقلاب مغلوب بود .بربستر چنین انحرافاتی ،جنگ ، عادلانه شمرده شد واپورتونیسم راست حاکم بر رزمندگان ،توده ها را به زیرپرچم بورژوازی خودی (باصف مستقل !)دعوت نمود .

چهره کریه اپورتونیسم راست نه تنها در دفاع ازاستقلال سیاسی حکومت ،نه تنها در شرکت درجنگ ارتجاعی متجلی گشت ،بلکه با چشمک زدن به اپورتونیستهائی نظیر "راه ـ کارگر" ودنبال نمودن خط سیرفکری "اکثریت" درخصومت با بخش پیگیرجنبش کمونیستی ،ودر دعوت ازخلق کردبرای تعطیل مبارزه ملی ـ طبقاتی وآتش بس ... تبارزیافت .

خوشبختانه درمبارزه ایدئولوژیکی که از سوی نیروهای جنبش کمونیستی ودر درون سازمان رزمندگان صورت گرفت وبربستر پتانسیل رادیکالیسم بسیاری ازرفقای رزمندگان ،اپورتونیسم راست تاب مقاومت نیاورده ودرمقابل مبارزه انقلابی مجبوربه عقب نشینی گردید ،بدون تردیدحرکتی راکه رفقای رزمندگان درمبارزه با اپورتونیسم راست آغازوتا به امروزبه پیش برده اند ، حرکتی است که باید ازسوی تمامی نیروهای پیگیرجنبش کمونیستی موردتائیدوحمایت قرارگیرد ومانیزبنوبه خود این حرکت وایـن مبارزه اصولی را به رفقا وبه کل جنبش کمونیستی تبریک می گوئیم ،متقابلا تاکید میکنیم که مبارزه این رفقا علیه جریان اپورتونیستی ،همانطورکه خودآنها نیزبدان اشاره کرده اند ،بمثابه آغازیک نبرد ایدئولوژیک علیه اپورتونیسم راست بوده وبنظرما

ما معتقدیم که حرکتی راکه رفقای رزمندگان علیه جریان اپورتونیستی آغازکرده اند میبایست همچنان بطوروقفه ناپذیربا قاطعیت وصداقت کمونیستی تاطردکامل اپورتونیسم درتمامی جلوه‌های آن ودرابعاد مختلف آن به پیش رود .

تئوری رویزیونیستی ـ تروتسکیستی "ضدخلق ـ ضدامپریالیست "،عمده کردن خطر امپریالیسم وکودتا ،قائل شدن به سیاست مترقیانه برای خروری ،مترقی خواندن واقعه سفارت و... ،مسائلی نبودند که ازرزمندگان "۳۴" به اینطرف مطرح شده باشند ،اینها مواضعی بودند که ریشه درمشی سازمان رزمندگان ومدتها پیش ازرزمندگان "۳۴" داشتند .

حتی تصفیه تشکیلاتی این جریان نیزبمعنی آن نیست که اولا این جریان ایدئولوژیک ـ فکری مقهورگردیده وسازمان رزمندگان از سمومات خطرناک آن کاملا واکسینه شده باشد وثانیا درهمین رابطه جریان مارکسیستی حاکم ،بدوراز برخی انحرافات وتزلزلاتی که جریان اپورتونیستی بنحوبارزومتجمعی آنها را نمایندگی میکردباشد ،ازهمین روما معتقدیم که حرکتی راکه رفقای رزمندگان علیه جریان اپورتونیستی آغازکرده اند میبایست همچنان بطوروقفه ناپذیروبا قاطعیت وصداقت کمونیستی تاطردکامل اپورتونیسم درتمامی جلوه‌های آن ودرابعاد مختلف آن به پیش رود .آنچه که میتواند سازمان رزمندگان را درمقابل سمومات رویزیونیستی جریان اپورتونیستی وبقایای آن آسیب ناپذیرکند ،همانا ادامه وپیشبرد این مبارزه ایدئولوژیک انقلابی است .

رفقای رزمندگان ضمن آنکه مواضعشان را دربرخوردبه بسیاری ازمسایل وازجمله دربرخوردبه مسئله جنگ ایران وعراق وماهیت آن ،تئوری رویزیونیستی ـ تروتسکیستی ضدخلق ـ ضدامپریالیست ، تئوری رویزیونیستی جدائی سیاست ازطبقه، رویزیونیسم وسوسیال امپریالیسم ،تاحدود قابل توجهی به تصحیح مواضع خودپرداخته اند ،ولی این رفقا هنوزدربرخوردبا مسایلی چون رویزیونیسم وسوسیال امپریالیسم ،قدرت سیاسی ،استقلال سیاسی نسبی رژیم ،تز "قطبهای ایدئولوژیک ـ تشکیلاتی" و... ،دچار انحراف ،التقاط ،سکوت وبا عدم صراحت بوده ومهمتراز آن ازپذیرش این واقعیت که موضعگیریهای حاکم بر "رزمندگان "۳۴ تا ۴۱ نه تنها گسست ازمواضع گذشته آنان نبوده ، بلکه تداوم وتعمیق انحرافات آن بوده است بشکل غیراصولی طفره رفته اند .تئوری رویزیونیستی ـ تروتسکیستی "ضدخلق ـ ضد امپریالیست "عمده کردن خطرامپریالیسم و کودتا ،قائل شدن به سیاست مترقیانه برای شوروی ،مترقی خواندن واقعه سفارت و... مسائلی نبودندکه ازرزمندگان "۳۴" به این طرف شده باشند ،اینها مواضعی بودندکه ریشه درمشی سازمان رزمندگان ومدتها پیش ازرزمندگان "۳۴" داشتند .بنظرما نحوه برخورد رفقای رزمندگان درقبال این مساله درعین حال که خودبیانگرعدم مرزبندی همه جانبه این رفقا با انحرافات گذشته است ،همچنین نشاندهنده آنست که این رفقا خاصیه یک انتقادازخودمادقانه مارکسیستی نشده اند وکوشش دارندبا این نحوه برخورد ،برروی انحرافات گذشته خودسرپوش گذاشته وآنرا نادیده بگیرند .این نحوه برخورد ،وقتی با سکوت رفقای رزمندگان نسبت به برخی از تغییرمواضع اساسی که بدون توضیح واتقاد ازخودصورت گرفته است (نظیربرخوردبه رویزیونیسم وسوسیال امپریالیسم)همراه میشودوهمچنین تلاش این رفقا برای نادیده گرفتن نقش مبارزه ایدئولوژیک سایرنیروهای کمونیست درجهت گیری جدیدخودوایـن تلقی که گویا تغییرمواضع رزمندگان صرفادر رابطه با "انتقادات مادقانه ورفیقانه اعضا وخواداران خود" (رزمندگان ۴۱ وضعیفه تئوریک)بوده است ،واقعا ما را دچارتاسف ودرعین حال نگرانی میکند .

رفقا !آنچه ما دربالا بدان اشاره کردیم تنها بیان واقعیت بودوتوضیح وتحلیل آنرا به وقت دیگری موکول میکنیم .آنچه که می ـ خواهیم دربیان گفته خودبرآن تکیه کنیم اینست که اگرچه ما دارای مرزبندی ضربحی علیه اپورتونیستهای راست اخراجی از سازمان شما داریم وراه آنان را بسوی فدائیان رویزیونیست اکثریت ارزیابی میکنیم اما براین امرتبرئه ای میفشریم که سازمان شما باید حرکت اصولی راکه درمبارزه علیه اپورتونیسم راست آغازکرده است با ادامه مبارزه ایدئولوژیک وبا برخوردارای ازصراحت وقاطعیت کمونیستی تاطردکامل اپورتونیسم دردرون سازمان درهمه جلوه‌ها وابعادآن ادامه دهد .

رفقا!! ازنظرما مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی تاتبرئه ای درتصحیح مواضع انحرافی همه نیروها (وازجمله خودما)داشته است ،پس بکوشیم با دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک ازتصحیح خط مشی خودبسود پرولتاریا ودرجهت زدودن انحرافات و پیرایه‌های غیرپرولتری ،امروحدت جنبش کمونیستی راتسریع نمائیم ومتحدا بسوی ایجادحزب طبقه کارگرپیش رویم!

بقیه ازصفحه ۱۳ **پیام...**

محرومین دامن زده تاجائی که اکنون گرسنگی وبیکاری ،کاردرا به استخوان زحمتکشان رسانده است .هیات حاکمه بنا به ماهیت خود بجای ادامه راه توده‌ها درمبارزه با بزرگترین دشمن خلق ما ،امپریالیسم خونخوار آمریکا وسیستم سرمایه داری وابسته به سرکوب خلق ـ هائی که حاکمیت برسرنوشت خویش را می ـ طلبید پرداخته وچه بسیارگلهای سرخی از گلستان خلق که بدست نیروهای سرکوبگر هیات حاکمه پرپرنشد ،نهادهای مردمی منحل گردیدوآزادیهای اجتماعی به بهانه‌های مختلف سرکوب وحمله به اجتماعات مردمی سازمان دادند .

کتاب سوزیها برافتاد وداشگاه این سنگرآزادی که درطول سالیان دراز ،حماسه ـ های مبارزه ومقاومت را آفریده بودبدست زعمای بقدرت خزیده تحت عنوان باصطلاح انقلاب فرهنگی ازخون دانشجویان رزمنده گلگون گشت .زندانهای انقلاب (!)درورود سرکوب هرچه بیشترنیروهای انقلابی ،انباشته ازفرزندان خلق خلق که آرمانی جزتحقق خواسته‌های زحمتکشان ندارند میگرددوشکنجه درا بعاد بگسترده درکمیته‌ها ،خانه‌های تیمی وزندانها اعمال میشود .هنوزخون کفنهای گلگون شهدانخشکیده ،ما زندانیان سیاسی آنچنان درزیرفشارهای غیرانسانی قرار میگیرندکه بناچاردست به اعتصاب غذامی ـ زنند ،بگذارزندانیان به خیال خودعوام ـ فریبی کنندوبگویندکه زندانیان ما رانکنجه میکنند (!)براستی شکنجه گرکیست ؟فرزند خلق یا آنها که خون خلق را وشیفته حاکمیت ارتجاعی خودکرده اند .

هیات حاکمه با براه انداختن جاروجنجال وگرفتن رشتهای فدامپریالیستی تسخیر سفارت را بعنوان عالیترین شکل مبارزه ضد امپریالیستی به رخ مردم میکشدبا آزادکردن گروگانهای جاسوس بدنبال مذاکرات پشت درهای بسته وبدوراز چشم خلق ماهیت دعاوی بی محتوا وغامض پیانه خودرا افشا نمود .

جنگ ایران وعراق که ثمره‌ای جزبدبختی وفقروفلاکت برای خلقهای هردوکشورنداشته چماقی به دست هیات حاکمه داده تا بتواند درپشت مساله جنگ ناتوانیهای خودرا درپاسخ ـ گوئی به نیازهای برحق مردم لاپوشانی کرده وسرکوب نیروهای انقلابی را تحت عنوان موقعیت جنگی افزایش داده ولباس قانونی به آن بپوشاند .

<u>مردم مبارزه ایران!</u>

درحالی که دومین سالگردقیام خونین بهمن را جشن میگیریم شاهدآن هستیم که دست ـ آوردهای آن پایمال شده وفرزندان شما بناحق به جرم بیان خواستهای بحق توده‌ها درزندان بسرمیبرندیا تنها بشما متکی هستیم وبرای ادامه مبارزه ازشما استمداد می طلبیم .درپ زندانها دوباره بدست توانای شما گشوده خواهدشدوشما هرگزنخواهیدگذاشت که درروندسازش با امپریالیسم برسرخون شهدا معامله شود .ما ازتمام نیروهای انقلابی میخواهیم که نسبت به سرکوب آزادیهای دمکراتیک وبه بندکشیدن وشکنجه انقلابیون اعتراض وآزادی زندانیان سیاسی همراه با توده‌های مبارزفریاد کشند .

پیروزباد مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ایران

زندانیان سیاسی اوین (ضدامپریالیست ـ ضدارتجاع)

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته ترسازیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

حزب توده، در هنگامهٔ قیام متحد لیبرالها بود!

حزب توده همه سران لیبرالها را انقلابی، ضد امپریالیست و ملی جا میزده است

"...استروو به قهرمان قصه چخوف به اسم ملوس، شباهت زیادی دارد. ملوس در آغاز وقتی با یک مدیر سرمایش زندگی میکرد، میگفت: واتیای کوچک و من. شما پشتیبانهای مهمی را بازی میکنیم، بعدها که با یک هیزم‌فروش زندگی میکرد، میگفت: واتیای کوچک و من، مستحق پرداخت مالیاتهای گزاف هیزم نیستیم.

خلاصه وقتی او با یک دامیزنک زندگی میکرد، میگفت: کولیای کوچک و من به درمان اسبهای بیمار میپردازیم. کارفیق استروو هم همینطور هست. لنین و من به ما رتینف حمله کردیم ما رتینف و من به لنین حمله کردیم.

ملوس کوچولوی عزیز "سوسیال دمکرات" فردا توی سل چه کسی خواهد بود؟" (لنین)

اکنون حزب توده تبلیغات وسیعی براه انداخته و خود را پرچمدار مبارزه با لیبرالیسم جا میزند. ما نقاب کریه حزب توده را اینک پس میزنیم تا توده‌ها دریابند آنچه لنین در مورد استروو میگوید، با ابعادی وسیعتر در مورد حزب توده صادق است به یقین کمتر نیروئی را در ایران میتوان یافت که حزب توده به ایفای نقش سوسیال امپریالیسم روس به آن چنگ نیانداخته باشد. آنها مارمولکهائی هستند که در هر شرایطی خود را به رنگ مقتضیات روز درمیآورند روزی سیاستهای شاه را مثبت میخوانند و از اصلاحات ارضی او دفاع میکنند (۱) روز دیگر در مدافع اتحاد با جناح واقع بین تر هیئت حاکمه (دار و دسته هوشنگ نهاوندی و فرح خاشن و ...) برای تشکیل جبهه واحد دیکتاتوری برمیابند. (۲) روز دیگر مدیحه سرای لیبرالها میشوند و گرمترین درودها را نثار آنها میکنند ولی امروز به لیبرالها دشنام میدهند و برای حزب جمهوری بقه میدرانند. راستی فردا حزب توده در بغل چه کسی خواهد بود؟

حزب توده همصدا با لیبرالها، طرفدار قانون اساسی و سلطنت طلب

حزب توده بعنوان یک نیروی ارتجاعی بهیچوجه خواهان انقلاب نیست و به همین خاطر به مبارزه انقلابی نیز اعتقاد نداشته است. در زمان شاه خاشن نیز پیش از قیام بهمن، منتهای کوشش حزب توده بدست آوردن قانونیت در رژیم شاهنشاهی و وادار ساختن شاه به اجرای قانون اساسی قدیمی اش بود. حزب توده در این سیاست با لیبرالهای خواهان قانون اساسی کاملا همصدائی میکرد.

برای مثال احسان طبری رویزیونیست در نشریه مرکزی خود اعلام میکند که هدف مبارزه شان:

"اجرای آن مقرراتی است که در قانون اساسی ما تاکنون پنج شاه به اجراء و حفظ آن سوگند یاد کرده اند (۳) و این دفاع از قانون اساسی ارتجاعی که سلطنت را موهبتی الهی

۱ـ دنیا، دوره دوم، سال هفتم، شماره ۳ و نیز پیام برج اسکندری بعنوان دبیر کل حزب به کنگره دهم حزب رویزیونیست بلغارستان و نیز مصاحبه داود نوروزی عضو کمیته مرکزی "حزب توده" با نشریه فاشیست وابسته به حزب رویزیونیست آلمان غربی، آوریل ۱۹۷۲

۲ـ بسوی حزب، تیرماه ۵۷

۳ـ دنیا، شماره ۲، ۱۳۵۰

میداند است و ارتجاعی ترین قوانین بود امپریالیسم و بر علیه زحمتکشان در آن یافت میشد تا کمتر از ۲ ماه مانده به قیام ادامه میابد روزیونیستها در آذر ۵۷ میگویند:

"در این کشور قوانینی مانند قانون اساسی و متمم آن و یک سلسله قوانین دیگر وجود دارد که اگر با مراعات روح واقعی آنها، اجرا میشد و بشود، اگر کوچکترین احترام و رعایتی برای آنها وجود داشت و داشته باشد، سازمان خودسر و قانون شکن وجا برآنه و قدیمی ساواک حتی لحظه‌ای نیز نمیتواند تحمل گردد. "اگر قوانین موجود مراعات گردد، دست خودسر و استبدادی تا حدودی بسته است. ولی همین قوانین موجود با گستاخی و بی پروائی عجیبی پایمال چکمه پوشان شاه و چاکرانش میشود" (۴) (تاکید از ماست).

می بینیم که حزب خاشن توده در مشروطه ـ خواهی و تبلیغ قانون اساسی مشروطه با لیبرالها مسابقه گذاشته است و در جائیکه امروز لیبرالها را به باد دشنام میگیرد که چرا موافق قانون اساسی بودند؟! ما خلق ما ماهیت لیبرالها و حزب توده را که در زمان شاه مجیزگوی سلطنت بودند، هرگز از یاد نمیبرد و دروغها و ریاکاریهایشان را با سند افشا میکند. برای اینکه اوج ابتذال سلطنت طلبی خاشنین توده‌ای را دریابید به جملات زیر توجه کنید:

"آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه حتما باید با برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ بنظر ما نه. حتی از بین رفتن حکومت مطلقه و رژیم تزار و اختناق موجود میتواند هنوز به معنی از بین رفتن سلطنت و استقرار جمهوری که خود از خواستهای مردم و حزب ما ست نباشد (۵) (تاکید از ماست.)

سلطنت آری، حکومت نه. آیا این همان شعار لیبرالها (شاه باید سلطنت کند نه حکومت) نبود که خاشنین توده‌ای با تمام وجود برای حفظ سلطنت و جلوگیری از قیام توده‌ها فریاد میکردند اما تنها در محتوای شعارها حزب توده و لیبرالها همدست نبودند بلکه حزب توده عملا و علنا به پشتیبانی از لیبرالهای خاشنی چون آیت الله شریعتمداری، متین دفتری، بازرگان، حاج سید جوادی، بنی صدر و ... برخاسته و حتی از نوکران امپریالیسم چون احمد بنی احمد نیز دفاع کرده است.

۲ـ دنیا، شماره ۹، آذر ۱۳۵۷

۵ ـ دنیا، مهر ۱۳۵۳ و نیز بسوی حزب شماره ۱۰، ۱۳۵۷

۶ـ بسوی حزب، شماره ۱۱، تابستان ۵۷

آیا حزب توده ضد لیبرالها بوده است؟

اکنون حزب توده بوق و کرنا برداشته و خود را مدعی مبارزه علیه لیبرالها جا میزند. اما واقعیت این است که حزب توده هرگز نمیتواند از یک موضع انقلابی با لیبرالها مرزبندی کند. چرا که در مجموع با لیبرالها نیز در مقابل انقلاب زحمتکشان وحدت دارد و مخالفت حزب توده با لیبرالها در شرایط کنونی از را و به حمایت از جناح دیگر حاکمیت بعنی حزب جمهوری است و در واقع مخالفت ایندو را قرار نمایش دعوای تقسیم غنائم دزدها است.

حزب توده حتی تا اوائل قیام بشدت به حمایت از لیبرالها میپرداخت. میزان صفحاتی که در "نوید" هایش بدفاع از لیبرالها اختصاص داده است، به مراتب بیشتر از مثلا دفاع از خرده ـ بورژوازی مرفه سنتی است. حزب توده در این دوران بهیچوجه جبهه ملی و بازرگان را لیبرال نمیداند بلکه آنها را "ملی" (کوشندگان راه آزادی و استقلال میخواند. "وقتی به بخش منتخب از مجاهدین خلق دشنام میدهد که چرا بورژوازی ملی را لیبرال میخواند و بهمین خاطر بخش منتخب از مجاهدین را "چپ رو"، "مائوئیست و ...، مینامد (۶).

ما در اینجا تنها به چند سند برای نشان دادن چاپلوسی حزب توده نسبت به لیبرالها و دریدن نقاب دورغین ضد "لیبرال" از چهره پلیدشان در ارتباط با میزان صفحات معدودی که داریم تنها به چند شماره نوید رجوع میکنیم.

۱ـ در نوید شماره ۲۵، (۲۶ فروردین ۵۷) در مقاله ترور پسر دولتی محکوم به شکست است "خاشنین توده‌ای"، "مهندس مهدی بازرگان"، "کریم سنجابی" و "رحمت الله مقدم مراغه‌ای" را "مبارزان راه آزادی"، "کوشندگان راه آزادی و استقلال"، "شخصیتهای معروف ملی و مخالف استبداد" میخواند.

۲ـ حزب توده در خارج از کشور نامه علی اصغر ـ حاج سید جوادی به "اعلیحضرت همایونی" را از "رادیو پیک ایران" پخش میکند و پس از انتشار نوید نیز هموار و به انعکاس اعلامیه‌های کمیته‌ـ هائی چون دفاع از حقوق بشر و ... که توسط لیبرالها ایجاد شده بود در نشریات خود دست میزند.

۳ـ حزب توده در نوید شماره ۲۸، (۲۱ اردیبهشت ۵۷) آیت الله شریعتمداری، آیت الله گلپایگانی و آیت الله روحانی را علمای آزادیخواه و ضد استبدادی مینامد و به مداحی لیبرال خاشنی چون شریعتمداری می پردازد. حزب توده وقاحت را تا آنجا میکشاند که نامه احمد بنی احمد، ثناگوی شاه خاشن و نماینده "سیا"ئی مجلس شاهنشاهی را با طول و تفصیل و تائید چاپ میکند. "ما برای نشان دادن پوسیدگی حزب خاشن توده و همدستی سوسیال امپریالیسم روس و امپریالیسم آمریکا بر علیه انقلاب، عین حملات نوید، شماره ۲۹، (۳۰ اردیبهشت ۵۷) را میآوریم. این نامه تحت ـ عنوان جنایات رژیم در خانه آیت الله شریعتمداری چاپ شده است.

"نامه‌ای در شهریور تیر بزبه امضای احمد بنی ـ احمد نماینده تیر بز در مجلس شورا بملی دست به دست میگردد که بر اساس مشاهدات این نماینده از شهر قم نوشته شده است. گفته میشود قسمتهائی از نامه مورد بحث حتی در مجلس شورا بملی خوانده شده است اما مطبوعات گوسفندی و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم در باره آن مهر سکوت بر لب زده اند. ما (یعنی حزب خاشن توده) قسمتهائی از این نامه را که تنها گوشه‌ای از فجایع رژیم شاه و ساواک را در قم فاش میکند، چاپ میکنیم:

"...سخن بیرونی حریم مسکونی حضرت آیت ـ الله العظمی آقای سید کاظم شریعتمداری ما نند روزهای عادی مرکز رفت و آمد افراد روحانی و غیر روحانی و زنان برای رفع حوائج دینی بوده که ..... ناگاه مأمورین مسلح انتظامی با تهاجم غیر قانونی و با گشودن رگبار مسلسل وارد صحنه شده و ... فضای حریم رهبر شیعیان جهان از این حادثه دستخوش غرابت رفت آوری میگردد... تجاوز به حریم و کانون مرجع روحانیت ... موجب نگرانی شدید مردم و آزردگی عمیق خاطر حضرت آیت الله العظمی را فراهم کرده است، به جاست که از زبان آن مقام عالیقدر بگوئیم: ما بارها دیدیم این رفت ستم برما".

آری حزب توده، "پرچمدار علیه لیبرالیسم!" از زبان منحدش، جاسوس سیا، احمد بنی احمد به تطهیر آیت الله شریعتمداری خیانت پیشه میپردازد. اما وقاحت هم اندازه دارد، پس از اینهمه چکمه لیسی لیبرالها، خاشنین توده‌ای به کمونیستهای پیگیری چون ما که در همان هنگام نیز با قاطعیت به طرد لیبرالها میپرداختیم همدستان لیبرالها اطلاق میکند!

۴ـ حزب توده پس از فاش شدن روابط رحمت ـ الله مقدم مراغه‌ای با سفارت آمریکا، جاروـ جنجال زیادی بر علیه او راه انداخت. اما جالب اینجاست که نه تنها حزب توده بارها از وی در نویدهایش تعریف و تمجید کرده و اعلامیه‌های نهضت را دیکال را که رئیسش جناب مقدم مراغه‌ای بوده نه تنها در رادیو پیک و نوید منعکس کرده است بلکه این حضرت جاسوس با معرفی و ضمانت توده‌ایهای معروف و شناخته شده‌ای چون محمود ـ اعتمادزاده (به آذین) و فریدون تنکابنی به کانون نویسندگان ایران راه پیدا میکند. آری واقعا که حزب توده فامن مقدم مراغه‌ای بسیار رویسیار "ضد لیبرال" بوده است!

۵ـ حزب توده این مدعی مبارزه علیه لیبرالیسم، پس از آنکه مطمئن شد، جبهه ملی دارای قدرتی در حاکمیت نیست و رهبران جبهه

بقیه در صفحه ۲۱

● خاشنین توده ای "مهندس مهدی بازرگان"، "کریم سنجابی" و "رحمت الله مقدم مراغه ای" را "مبارزان راه آزادی"، "کوشندگان راه آزادی و استقلال"، "شخصیتهای معروف ملی و مخالف استبداد" میخوانند.

● آری چه سابقه درخشانی "حزب توده" در مبارزه علیه لیبرالیسم دارد! دکتر کریم سنجابی نه تنها ضد امپریالیست میشود، نه تنها از رهبران جنبش رهائی بخش ملی قلمداد میشود، بلکه آنقدر انقلابی و قاطع است که بایستی رهبری مبارزه مسلحانه خلق بر علیه امپریالیسم را نیز در دست بگیرد!!

● حزب توده در نوید شماره ۲۸، (۲۱ اردیبهشت ۵۷) آیت الله شریعتمداری، آیت الله گلپایگانی و آیت الله روحانی راهنمای آزادیخواه و ضد استبداد مینامد و به مداحی لیبرال خاشنی چون شریعتمداری میپردازد. حزب توده وقاحت را تا آنجا میکشاند که نامه احمد بنی احمد، ثناگوی شاه خاشن و نماینده "سیا"ئی مجلس شاهنشاهی را با طول و تفصیل و تائید چاپ می کند.

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

قیام بهمن و انحرافات کمونیستها

مارکس آموزگار کبیر کارگران، انقلاب را جشن تاریخ می نامد، چرا که از دیدگاه کمونیستها هیچ چیز پرشکوهتر از رهبری مبارزات توده‌ها در عالیترین شکلش یعنی قیام مسلحانه و مبارزه مسلحانه توده‌ای نیست.

قیام انفجار خشم توده‌ها بر علیه طبقات استثمارگر است. قیام توده‌ها با قهر انقلابیش تنها چاره درهم کوبیدن قهر ضد انقلاب (ماشین جنگی و اداری دشمن) است. قیام آتشفشان رنجهای تاریخ زحمتکشان است. آری قیام عالیترین شکل مبارزه طبقاتی است.

کمونیستها می بایستی توده‌ها را برای چنین دورانی با "دوران طوفانهای سهمگین" آماده کنند و سپس با رهبری قاطعانه‌شان، مهر طبقه کارگر را بر پیشانی انقلاب بکوبند، قیام عظیم کارگران و زحمتکشان در انقلاب کبیر اکتبر و مبارزه مسلحانه توده‌ای در چین و ویتنام، نمونه‌های درخشانی از نقش رهبری کننده کمونیستها در مبارزه مسلحانه را ارائه میدهد.

اما آیا کمونیستها در زمان قیام بهمن با درکی لنینی به قیام توده‌ها می نگریستند؟ واقعیت اینست که در اوج مبارزات توده‌ها بر علیه شاه خائن، کمونیستها دچار بحران بوده و به انحرافات غیرپرولتری بسیاری آلوده بودند. گذشته از تهاجم روبزیونیسم در عرصه جهانی بر علیه مارکسیسم و تشتت و بحران جنبش کمونیستی جهان، پس از خیانت‌های باند خروشچف - برژنف و تنگ - هوا جوانی طبقه کارگر ایران و حضور سالیان دراز اپورتونیسم گندیده و منحط روبزیونیستهای خائن توده‌ای در عرصه مبارزه طبقاتی و تاثیرات اپورتونیسم مشی چریکی، ضربات کاری بر جنبش کمونیستی ایران وارد آورده بود. جنبش نوین کمونیستی که تازه پس از سالهای ۴۲ با مرزبندی با خروشچفیسم، پا به میدان گذاشته بود، دارای انحرافات متعددی بود و از ضعف پیوند با پرولتاریا درد میکشید. مشی چریکی که از سالهای ۴۹، حاکمیت بی قید و شرط خود را بر جنبش کمونیستی اعمال کرده بود و برای مدتی کمیته‌ها، روشنفکران و دانشجویان انقلابی گردیده بود، با توجه به مبارزه خونین توده‌ها بشدت زیر سوال میرود. در چنین شرایطی نبرد خونین زحمتکشان از مرز اعتلا به موقعیت انقلابی گذر کرده و آرام آرام به قیام نزدیک میشود. کمونیستها نا - توان از پاسخگوئی به معضلات جنبش، نظاره‌گر اعمال سرکردگی نا پیگیرترین و متزلزل‌ترین قشر خرده بورژوازی (خرده بورژوازی مرفه سنتی) بر جنبش خونین خلق هستند.

در این زمان گذشته از انحراف براست در برخورد به رهبری خرده بورژوائی یعنی عدم مبارزه با جنبه‌های منفی آن و تنها تاکید همه جانبه رهبری خرده بورژوائی و همینطور لیبرالها، تا حد "ملی" یا حداقل "ملی لیبرال" دانستن آن دو انحراف اساسی نسبت به قیام توده‌ها قابل برخورد است.

جنبش کمونیستی در این زمان مرکب از دو جریان اساسی است، یکی مشی توده‌ای - انقلابی و دیگری مشی چریکی. هر دوی این جریانات نمی توانند از دیدگاه لنینی به استقبال قیام بروند. یکی عمدتا دنبال عقب مانده‌ترین توده‌ها روان است و دیگری خود به مبارزه مسلحانه جدا از توده دست میزند اما نتیجه یکی است: عدم پیوند با توده‌ها، منفرد شدن از خلق و واگذاری اعمال سرکردگی به نا رهبران سازشکار.

مشی توده‌ای - انقلابی و قیام

باردمشی چریکی از سوی بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق و پذیرفتن مشی توده‌ای - انقلابی، این مشی در سطح جامعه معرفی میگردد. پیش از آن محافل و گروههای هوادار این مشی، آنچنان در لاک خود فرو رفته بودند که انگار وجود ندارند، حتی برخی از آنها تنها پس از قیام صاحب نام و عنوان شدند. اما جریانات مشی توده‌ای - انقلابی در این زمان دارای انحرافات راست عمیقی هستند بدین ترتیب در حول و حوش قیام این جریانات بجای آماده کردن توده‌ها برای شرکت در مبارزه مسلحانه توده‌ای اساسا، به دنبال اعتصابات منفی - توده‌ها روانند. آنها درک نمی کنند که کمونیستها وظیفه دارند در هر شرایطی که مبارزات توده‌ها قرار دارد در آن شرکت کنند، آنرا رهبری نمایند و ارتقا بخشند. اگر مبارزات عموما اقتصادی است و سطح جنبش توده‌ها افت و رکود را نشان میدهد، می بایستی در مبارزات اقتصادی توده‌ها شرکت کرد، منتها آگاهی سیاسی را به میان آنان برد و کوشید با آگاه کردن طبقه و توده‌ها، مبارزات توده‌ها را غنا بخشید. همینطور اگر سطح مبارزات توده‌ها موقعیت انقلابی را نشان میدهد، وظیفه عاجل و حیاتی کمونیستها تدارک برای قیام، شرکت فعال در مبارزات خونین توده‌ها، برای رهبری این مبارزات است. اکونومیسم در این دوران به عنوان جلوه‌ای با ارزا از انحراف براست این جریان، بر اغلب گروههای هوادار مشی توده‌ای - انقلابی حاکم است. بدین ترتیب بجای شرکت فعال در تدارک قیام، این گروهها سرگرم سازمان دادن جنبش منفی در بسیاری از کارخانجات برای گرفتن حقوق عقب افتاده کارگران میباشند. در این میان یک حرکت مثبت از سوی سازمان پیکار را انجام میگیرد، که متاسفانه تحت فشار اکونومیسم عقب نشینی میکند.

این موضعگیری انقلابی همانا طرح شعار ایجاد "هسته‌های مسلح خلق" بود که در اعلامیه‌ای به همین نام در ۱۶ آذر ۵۷ منتشر میگردد. این اعلامیه دارای یک هسته انقلابی و سالم است و آن اینست که مبارزه مسلحانه توده‌ای را در دستور میگذارد. اما علیرغم این جنبه مثبت و بسیار اساسی از جنبه‌های دیگر دچار اشکالات نه چندان کم اهمیتی نیز بود، ولی متاسفانه بجای کوشش در حل نقاشی آن، این شعار آن هم در جنبه مثبت خود یعنی طرح شعار مسلح کردن توده‌ها با مخالفت اکثر گروههای موسوم به خط ۳ مواجه شد و متاسفانه سازمان نتوانست تدارک نبرد مسلحانه توده‌ای را سازماندهی کند. بطور خلاصه انحراف اساسی اغلب این جریانات عبارت است از عدم ایفای نقش عنصر آگاه در مبارزات توده‌ها، دچار بودن به نوعی "کارگرزدگی" و جدا کردن طبقه کارگر از دیگر اقشار دمکراتیک، نداشتن بینش صحیح برای ایجاد حزب، عقب ماندگی از مشی، تبعیت از عقب مانده‌ترین اقشار جامعه، عدم درک قانونمندیهای موقعیت انقلابی و لحظه قیام. این انحراف موجب میشود که جنبش خونین توده‌ها، بطور خودبه خودی صورت بگیرد و خرده بورژوازی مرفه سنتی بتواند بر این جنبش سوار شود و سپس با کمک بورژوازی متوسط آنرا مهار نماید.

مشی چریکی و قیام

اما اگر کمونیستهای طرفدار مشی توده‌ای - انقلابی فرسنگها از موقعیت انقلاب و تدارک ملزومات قیام دور بودند، پیروان مشی چریکی نیز فرسنگها از توده‌ها و ملزومات لحظه قیام فاصله داشتند. آنها از ده سال پیش تا آنهنگام، تنها یک تاکتیک را یگانه تاکتیک صحیح مبارزه طبقاتی میدانستند و آنهم تاکتیک نبرد مسلحانه روشنفکران جدا از توده بود. آنها در افت، اعتلاء و موقعیت انقلابی همواره از یک شیوه مبارزاتی سود می جستند. آنها درک نمی کردند که تاکتیک‌های مبارزاتی با توجه به سطح جنبش توده انتخاب میگردد و بخصوص آنها نمی فهمیدند که کمونیستها وظیفه دارند میخواهند با توده‌ها را دارند و انقلاب کارگروهی جدا از توده نیست. هواداران مشی چریکی (سازمان چریکهای فدائی خلق) میخواستند، نبرد مسلحانه را خود انجام دهند. آنها پیروزی انقلاب را در آتش مسلسلهای خود میدیدند، نه در رگبار طوفان خلق. بدین ترتیب آنها هیچ کوششی در جهت سازماندهی مبارزه مسلحانه توده‌ای انجام ندادند. آنها تروردو مزدور با انفجار یک ماشین پلیس را بجای متشکل کردن انبوه توده‌های آماده، رزم مسلحانه نام میگذاشتند. آنها گوشی برای خود مبارزه میکردند. اگرچه تاکتیک مارکسیستی نبرد مسلحانه در افت یا اعتلاء نادرست بوده، اما در دوران موقعیت انقلابی، تاکتیکی بحق است. لیکن بایستی گفت میان تاکتیک مارکسیستی نبرد مسلحانه با آنچه فدائیان انجام میداد، فاصله از زمین تا آسمان است. تاکتیک مارکسیستی نبرد مسلحانه، دلالت دارد بر متشکل کردن توده‌ها هدایت و رهبری نبرد مسلحانه خلق!

آنچه امروز در کردستان می بینیم نمونه خوبی است. پیشمرگان جون ماهی در دریای خلق می رزمند و پیشمرگ کسی نیست جز دهقانان و یا شهریان زحمتکش که در کردستان توسط روشنفکران کمونیست رهبری میشود.

مشی چریکی از نبرد مسلحانه، توده‌ها و سازماندهی آنها را حذف می کند و نیز دانشجویان را نه خود را بجای قیام خلق مینشاند. بدین ترتیب مشی چریکی نیز توده‌ها را وا - می نهد تا به دنبال اقشار غیرپرولتری روان شوند و به سوی برش خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی متوسط بدل گردند، تا دوباره حاکمان جدید سرمایه‌داری وابسته غارت و استثمارشان کنند. خلاصه کنیم مشی چریکی تاثیرات دورانها را بر تاکتیک مبارزاتی نمی دید، یعنی چه در افت یا اعتلاء یا موقعیت انقلابی. یعنی از نبرد مسلحانه میگفت (مانند اکونومیستها که در دوران مبارزه نظامی نیز مانند دوران افت، مبارزه صنفی را طلب میکنند) مشی چریکی این اصل کمونیستی را که انقلاب کار توده‌ها است نفی میکرد و بجای متشکل کردن توده‌ها و پرورش آنان برای مبارزه مسلحانه توده‌ای دست به اعمال جدا از توده می زد و از توده‌ها فاصله میگرفت.

هنگامی که قیام درگرفت یکسری از کمونیستهای طرفدار مشی توده‌ای - انقلابی و از جمله رفقای سازمان ما علیرغم فقدان سازماندهی لازم در قیام شرکت نمودند. بعلاوه چریکها نیز در قیام شرکت جستند. منتها چریکها بخاطر مادگی رزمی خود دارای کیفیت بالاتری در جنگیدن بودند و قدرت انطباق بیشتری داشتند و به همین خاطر چند واحد چریکی را به مرکز برخی از درگیریها فرستادند. این امر اگرچه امر بسیار مثبتی بود، ولی به هیچوجه معنای تدارک قیام از جانب چریکها نبود. آنها از زاویه ادامه همان تاکتیک دهها ساله به مبارزه مسلحانه دست زده بودند و نه از روی درک قانونمندیهای موقعیت انقلابی. لازمست بگوئیم که فدائیان در اعلامیه مهر ۵۷، شعار محوری جنبش دانشجویی را نه تدارک قیام و... بلکه شعار صنفی اخراج گارد از دانشگاه قرار میدهد و در اعلامیه بهمن ماه بدون انتقاد کمونیستی از مشی چریکی حاکم بر سازمان وظیفه اصلی کمونیستها را رفتن به کارخانه‌ها و ایجاد حزب طبقه کارگر از طریق کار در کارخانه‌ها میداند، در حالیکه وظیفه مبرم آنهنگام چیزی نبود مگر تدارک قیام مسلحانه و متشکل کردن توده‌ها بهمین منظور به عبارت دیگر در چنین مقطعی ایجاد حزب و متشکل کردن طبقه کارگر از مجرای شرکت فعال در قیام می گذشت. قیام مرکز ثقل حوادث بود و بنا براین می بایست در بستر همین تحول انقلابی که بشکل تظاهرات و نمایشات سیاسی غیابانی جلوه‌گر میشد، طبقه و توده‌ها را متشکل ساخت. بهرصورت چه درک راست (اکونومیستی) و چه درک چپ (مشی چریکی) نتوانستند توده‌ها را برای قیام زیر پرچم سرخ کمونیستها متشکل کنند و آنگاه در مانده از این ضعف به تائید و تمجید "رهبران" متزلزل و سازشکار جنبش پرداختند و از آگاه کردن توده‌ها نسبت به ماهیت طبقاتی آیت الله خمینی و... چشم پوشیدند و در واقع به توهم توده‌ها افزودند، چرا که با یک درک مارکسیستی میتوانستیم آنچه را که آیت الله خمینی و لیبرالها و حزبیها در آینده بر سر جنبش می آورند، دید و بهمین خاطر میبایست سیاست وحدت و مبارزه با آیت الله خمینی پیش از قیام برگزیده میشد و به افشای عملکردهای ایشان در ارتباط با ارتش و سرمایه‌داری وابسته پرداخته میگردید. اما کمونیستها از اشتباهات گذشته - شان درس می آموزند و با جمعبندی این اشتباهات برای پیروزی کارگران و زحمتکشان در فردای سرخ و ظفرنمون کمونیسم می رزمند.

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

نگاهی به گوشه‌هائی از فعالیت سازمان در دوران قیام

سازمان ما فعالیت نوین خود را بعد از تغییر مشی چریکی و پذیرش مشی توده‌ای ـ انقلابی همراه با اطلاعیه مهر ۵۷ آغاز نمود. "اطلاعیه بخش منشعب م ـ ل سازمان مجاهدین خلق" که در مهر ۵۷ منتشر گردید، اگرچه دارای انحرافات راستروانه‌ای بخصوص در برخورد به بورژوازی لیبرال بود اما نقش بسیار برجسته‌ای در هویت بخشیدن به آنچه به "خط سه" موسوم است، داشت و در کنار وجود جریان رویزیونیستی "حزب توده" و جریان آوانتوریستی سازمان چریکهای فدائی، جریان نوینی را در سطح جامعه مطرح ساخت که ضمن مرزبندی پاروبیزیونیسم حزب خائن توده، با مشی چریکی چریکهای فدائی نیز مرزبندی داشت. اگرچه برخی محافل که دارای مشی توده‌ای ـ انقلابی بودند، قبل از اعلام مواضع جدید بخش منشعب در مهر ۵۷، وجود داشتند، لیکن اساساً در سطح جامعه کاملاً ناشناخته بودند. با انتشار اطلاعیه در مهر ۵۷ بخش وسیعی از پیروان مشی چریکی از آن بریده و به سوی "بخش منشعب" جذب شدند بطوریکه اغلب نیروهای پیرو مشی توده‌ای ـ انقلابی را در ابتدا "مجاهدین" (م ـ ل) می‌خوانند و عموماً بعد از قیام بود که نام "خط سه" بر آنان تثبیت شد.

سازمان بعد از تغییر مشی خود و فرموله نمودن دیدگاههایش نسبت به قدرت سیاسی، مسئله حزب، رویزیونیسم و... به فعالیت تبلیغی ـ سیاسی گسترده‌ای دست زد. نگاهی به مجموعه انتشارات تبلیغی سازمان نقش فعال و پیشرو سازمان را در کوران اوجگیری مبارزه طبقاتی توده‌ها، نشان میدهد. سازمان در برابر تحولاتی که در جامعه صورت میگرفت، بلافاصله موضع گرفته، به تحلیل آنها پرداخته و وظایف توده‌ها و طبقه کارگر و کلیه نیروهای انقلابی و کمونیست را در مقابل آنها روشن می‌نمود. وقتی کودتای نظامی دولت ازهاری صورت گرفت اگرچه به طرح آلترناتیو لیبرال‌ها از جانب امپریالیسم توجه صحیحی ننمود اما به تحلیل وضعیت ارتجاع پرداخت و روند آینده جنبش و وظایف توده‌ها را توضیح داد. و نقش خائنانه لیبرالها را افشا نمود. در اعلامیه‌ای خطاب به کارگران مبارز، رزمندگان کمونیست "با تشریح شرایط جنبش برای کمونیستها، با انحراف اکونومیستی که به نقش جنبش دمکراتیک کم‌بها می‌داد، مرزبندی کرده و ضرورت رهبری طبقه کارگر و ترویج حول آن را با تأکید نمود. سپس در تراکت‌های متنوعی به تشریح و تبلیغ وظایف کارگران، زحمتکشان، دموکراتهای انقلابی نیروهای مبارز ارتش و..... پرداخت. با انتشار مطبوعات، ضرورت انتشار تکثیر اخبار جنبش را طی انتشار تراکتهائی به توده‌ها توضیح داده و خود برای مقابله با سانسور مطبوعات به انتشار نشریه "اخبار انقلاب" پرداخت. سازمان با درک شرایط، بر تبلیغ و ترویج ضرورت تشکیل هسته‌های مسلح و در دستور قرار دادن مبارزه مسلحانه توده‌ای اقدام کرد و وظایف نیروهای انقلابی و توده‌ها را در قبال این تاکتیک روشن نمود. اگرچه اعلامیه هسته‌های مسلح دارای انحرافات معینی بود که ما در جای دیگر به آن پرداختیم اما این اعلامیه دارای یک جوهر مارکسیستی بوده و در شرایط سلطه انحراف اکونومیستی بر جریان "خط ۳" تعرضی بود علیه اکونومیسم سازمان برای کارگران نفت و... نیز پیامهای متعدد فرستاده، وظایف عملی آنان را در قبال رژیم روشن نموده و از توده‌ها دعوت نمود به پشتیبانی همه جانبه از کارگران نفت بپردازند. با روی کار آمدن دولت بختیار، توطئه جدید امپریالیسم را افشا نموده و سرنگونی آنرا وظیفه عاجل جنبش دانست. حساسیت و نقش پیشرو سازمان در آن شرایط بقدری برجسته بود که در گسترش نفوذ سازمان بویژه در جنبش کمونیستی، نقش موثری را ایفا نمود. سازمان طی موضعگیری‌های روزمره و به موقع و طرح آلترناتیو انقلابی پیگیر (جمهوری دمکراتیک خلق) و شرکت در جنبش توده‌ای و طرح شعارهای هدایت کننده آن، کوشید به سهم خود نقش فعالی را در قبال جنبش ایفا نماید.

سازمان نه تنها در عرصه تبلیغی ـ ترویجی برای سازماندهی جنبش توده‌ای و ارتقاء آن تلاش کرد بلکه در فعالیت عملی نیز نقش فعالی را در ارتقاء جنبش ایفا نمود. از آن جمله بود تلاش در جهت ایجاد تشکیلات "دانشجویان مبارز" برگزاری میتینگ ۲۰ هزار نفری در دانشگاه که رفقای ما نقش اصلی را در هدایت و گرداندن آن ایفا نمودند، گسیل دانشجویان مبارز به مناطق توده‌ای و انجام مظاهرات موضعی در مناطقی مانند دشوش، خزانه، آذری، هاشمی و... گسیل دانشجویان مبارز به کارخانه، به منظور کمک به ارتقاء مبارزات کارگران و همچنین ارتقاء سطح آگاهی آنان و...

فعالیت سوسیالیستی سازمان در این دوران تنها محدود به تبلیغات سوسیالیستی علنی از طریق تماس و پیوند با طبقه کارگران نبود بلکه در سطح وسیعتر، سازمان با انتشار نشریات کارگری ترویجی و تبلیغی به ارتقاء آگاهی سوسیالیستی کارگران کمک مینمود.

متاسفانه در برخورد به قیام، به دلیل انحرافاتی که جنبش کمونیستی و سازمان به آن آلوده بود، سازمان نتوانست نقش فعالی را در قبال آن ایفا کند.

شرکت رفقای سازمان در قیام، بدلیل فقدان تشکل و سازماندهی نیز، نتوانست پاسخگوی وظیفه کمونیستی سازمان گردد علیرغم این انحراف و عواقب ناشی از آن، بعد از قیام نیز سازمان فعالیت خود را تشدید نمود.

آنچه در زیر میبینید، گوشه‌هائی از فعالیت‌های تبلیغی ـ سیاسی سازمان از مهر ۵۷ تا اسفند ۵۷ یعنی دوران قیام و اندکی بعد از آن است.

اینک نگاهی به گوشه‌هائی از فعالیت تبلیغی ـ سیاسی سازمان در دوران قیام: بیانیه مهر ۵۷ ـ اطلاعیه بخش مارکسیستی ـ لنینیستی سازمان مجاهدین خلق.

در این اطلاعیه تغییر مشی سازمان و برخورد انتقادی به گذشته، فشرده دیدگاههای سازمان را در برخورد به ساخت جامعه، وضعیت طبقات (آرایش نیروها) نقش خیانت پیشه بورژوازی لیبرال، شعار استراتژیک مرحله ـ ای، وظیفه عاجل کمونیستها (پیوند با طبقه و ایجاد حزب) توضیح داده شده است.

آبان ۵۷ ـ اطلاعیه کودتای نظامی، آخرین حربه رژیم شاه خائن.

در این اطلاعیه سازمان ضمن تحلیل علل کودتا و شرایط جنبش و وظایف توده‌ها و راه مقابله با دولت نظامی را توضیح میدهد.

اعلامیه کارگران رزمنده، رزمندگان کمونیست

در این اعلامیه سازمان متن تحلیل از آرایش طبقات، ضرورت افشای بورژوازی لیبرال خائن و... وظایف کمونیستها را در این مقطع توضیح داده و چگونگی تلفیق

اطلاعیه
بخش مارکسیستی ـ لنینیستی
سازمان مجاهدین خلق ایران
کارگران مبارز! رزمندگان کمونیست!
مبارزهٔ مسلحانه را تا نابودی کامل سلطه امپریالیسم ادامه دهیم!
اخبار انقلاب
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
پیش بسوی تشکیل "شوراهای انقلابی سربازان"
پیش بسوی تشکیل هسته‌های مسلح خلق
کارگران مبارز صنعت نفت!
دموکراتیسم پرولتاریا، تا حل انقلاب، شرکت یکپارچه و مستقل سیاسی طبقهٔ کارگر
تظاهرات خونین مردم در شهرها
شرط اصلی پیروزی
نابودی قطعی رژیم وابستهٔ شاه خائن، فقط با اتکاء قدرت مسلح خلق امکان پذیر است

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

←

فعالیت سوسیالیستی ودموکراتیک را ذکر میکندوبا انحراف اکونومیستی دربرخورد به‌قیام مرزبندی می نماید. سندشماره ۲

تراکت: چه‌سیستمی منافع امپریالیستها را تامین میکند؟

که‌درآن توضیح میدهدکه‌منافع امپریالیستها چرا با منافع رژیم‌شاه‌گره‌خورده است وبیدریغ ازآن حمایت میکنندوبه افشای ماهیت‌ضدخلقی سیستم سرمایه‌داری وابسته‌ورژیم‌ارتجاعی شاه‌می پردازد.

تراکت: کارگران وزحمتکشان!

که‌درآن نقش طبقه‌کارگردرجنبش توضیح داده‌میشود.

تراکت: هم‌میهنان مبارز!

دراین تراکت عقب نشینی شاه، ماهیت قانون اساسی ونقش لیبرالها موردافشاقرارگرفته است.

تراکت: هم‌میهنان مبارز!

دراین تراکت نیزمعنی آزادی واستقلال وچگونگی تحقق آن توضیح داده‌شده‌است.

تراکت: کارگران وزحمتکشان!

که‌درآن ضرورت تشکیل حزب کمونیست، وعلت اینکه‌طبقه‌کارگرپیگیرترین نیروی دمکراتست.

تراکت: دمکراتهای انقلابی، انقلابیون کمونیست

دراین تراکت ضرورت وحدت انقلابیون ومقابله‌با تفرقه‌اندازی نیروهای ارتجاعی وفشری موردتاکیدقرارمیگیرد.

بزرگترین دژامپریالیستهای جهانخوار در منطقه‌فرومیریزد

دراین تراکت ضمن پیش بینی سرنگونی نزدیک رژیم‌شاه‌خائن، شکل تصرف قدرت سیاسی (قیام) موردتاکیدقرارمیگیرد.

به‌پشتیبانی ازجنبش اعتصابی کارگران مبارزصنعت نفت برخیزیم.

دراین تراکت ضرورت وچگونگی پشتیبانی توده‌ها ازکارگران نفت توضیح داده‌میشود.

معنی پیروزی چیست

دراین تراکت معنی پیروزی که‌جز نابودی رژیم‌ارتجاعی سرمایه‌داری وابسته شاه‌واستقرارجمهوری دمکراتیک خلق، نیست توضیح داده‌میشود.

ازآخرین انتشارات آبان ماه انتشار نشریه‌کارگری "خبرنامه‌کارگری" است که‌درآن شرح اعتصابات ومبارزات کارگران درج شده است.

آذرماه ۵۷

تراکت: برادرارتشی!

دراین تراکت برای سربازان ودرجه‌داران ارتش، نقش ارتش ضدخلقی وجنایات آن توضیح داده‌شده‌است وازآنان دعوت میشودکه‌به‌جنبش انقلابی خلق بپیوندند.

تراکت: افرادارتش رادیوارجین ازخلق جدانمی سازد.

دراین تراکت توضیح داده‌میشودکه‌نه تنها خلق، بلکه‌سربازان ودرجه‌داران که از فرزندان زحمتکشان هستندنیزموردستم‌رژیم شاه‌خائن وارتش ضدخلقی قرارمیگیرندو از پرسنل انقلابی ارتش دعوت میشود همپای خلق، به‌مبارزه‌علیه‌رژیم‌بپردازند.

تراکت: دفاع ازآب وخاک یا دفاع ازمنافع کثیف جهانخواران امریکائی ورژیم‌غارت‌گرشاه!

دراین تراکت نیزنقش ارتش ضدخلقی شاه‌افشاشده‌وازپرسنل انقلابی ارتش می‌خواهدبا ایجادتشکیلات انقلابی دردرون ارتش شکاف ایجادنموده‌ونابودی آنرا تسریع‌کنند

تراکت: به‌پشتیبانی ازجنبش اعتصابی کارگران مبارزبرخیزیم!

دراین تراکت نقش جنبش اعتصابی طبقه‌کارگرتوضیح داده‌شده‌وازتوده‌ها دعوت میشودبابرپائی اعتصابات، تظاهرات سیاسی وکمک رسانی مادی به‌حمایت ازکارگران اعتصابی برخیزند.

تراکت: باتشکیل هسته‌های مسلح، ارتش انقلابی خلق راهرچه‌فوری ترتدارک ببینیم!

دراین تراکت ازتوده‌ها دعوت میشود، تا مبارزه‌مسلحانه‌را دردستورکذاشته‌وبا تشکیل هسته‌های مسلح به‌جنگ مسلحانه‌علیه رژیم‌برخیزید.

اعلامیه: پیش به‌سوی تشکیل هسته‌های مسلح

دراین اعلامیه‌درموردضرورت به‌کارگرفتن تاکتیک فوق واشکال عملی مبارزه‌مسلحانه که‌دردستورروزقرارگرفته‌است، توضیح داده میشودوازآن به‌عنوان تاکتیکی درجهت ارتقاسطح مبارزات توده‌ها یادمیشود.

تراکت: ساواکی ها، خائنین، جاسوسان وخبرچینان محلی را معرفی ومجازات کنید.

دراین تراکت مجازات عوامل رژیم‌به‌عنوان یکی ازوظایف هسته‌های مسلح وتوده‌ها موردتاکیدقرارمیگیرد.

تراکت: سربازان، درجه‌داران وافسران شرافتمند! دراین تراکت به‌سربازان رهنمودهائی درچگونگی تشکیل ارتش مسلح خلق داده‌میشود.

تراکت: باتشکیل هسته‌های مسلح، ارتش انقلابی خلق راتدارک ببینیم.

این تراکت نیزبه‌توضیح ضرورت برپا داشتن هسته‌های مسلح می پردازد.

تراکت: توطئه‌سکوت رژیم‌مزدورشاه‌خائن را خنثی کنیم!

دراینجا به‌افشای توطئه‌رژیم‌درمورد سانسورمطبوعات برای بی خبرگذاشتن توده‌ها ازوضعیت جنبش‌پرداخته‌میشودووظایف توده‌ها درقبال این عمل راکه‌انتشارونگتبر مستمرروزمره، شرح تظاهرات واعتصابات و... میباشد، توضیح داده‌میشود.

تراکت: توطئه‌سکوت رژیم‌شاه‌را باشکست مواجه‌کنیم.

این تراکت نیزمضمونی شبیه‌تراکت بالا دارد.

نشریه‌خبری "اخبارانقلاب"

این نشریه‌به‌دنبال رهنمودی که‌سازمان درجهت پخش اخبارومبارزات توده‌ها، برای مقابله‌با سانسورمطبوعات داده‌بود، ازطرف خودسازمان انتشارومورداستقبال وسیع‌قرار میگیرد.

دی ماه

انتشارشماره‌های ۲و۳و۴ اخبارانقلاب این نشریه‌خبری زمانی که‌مطبوعات به‌همت توده‌ها اززیرتیغ سانسورآزادمیشوند، دیگر منتشرنمی شود.

"کارگران مبارزصنعت نفت!" منتشرمیشود وضمن توضیح نقش خردکننده‌اعتصاب عظیم کارگران نفت که‌رژیم‌را بلرزه‌انداخته‌بود، وظایف کارگران رادرقبال اعتصاب شرح میدهد.

اعلامیه: "شاهپوربختیارمجری توطئه‌جدید امپریالیسم امریکاورژیم‌شاه"

دراین اعلامیه‌توطئه‌جدیدامپریالیسم که‌بصورت برسرکارآوردن شاهپوربختیاراست مفصلا توضیح داده میشود.

تراکت: کارگران مبارزصنعت نفت، پیشتاز جنبش ضدسلطنتی وضدامپریالیستی ایران!

به‌توضیح نقش مبارزات کارگران صنعت نفت ووظایف آنان می پردازد.

بهمن ماه

پیروزی نهائی چیست وچگونه‌تامین میشود؟

دراین اعلامیه‌ضرورت برپا داشتن قیام مسلحانه‌به‌منظورنابودی رژیم‌سرمایه‌داری وابسته‌وافشای سازشکاران توضیح داده‌میشود.

اعلامیه: کارگران مبارزاً! اعضای سندیکای مستقل بافنده‌سوزنی وکشباف!

دراین اعلامیه، مبارزات کارگران بافنده‌سوزنی موردحمایت قرارمیگیرد.

اعلامیه: باتوطئه‌اخراج کارگران به‌مبارزه برخیزیم!

تحت عنوان فوق ضمن توضیح علت بیکارشدن کارگران، راه‌مقابله‌با آن ووظایف کارگران‌را دراین رابطه‌توضیح میدهد.

تراکت: بامبارزه‌قهرآمیزتوده‌ای، انقلاب رابه‌آخررسانیم

دراین تراکت نیزضرورت مبارزه‌قهرآمیزعلیه‌رژیم‌برای تکرارنشدن تجارب شوم ۲۸ مرداد ۳۲ وامثال آن، توضیح داده میشود

تراکت: انقلاب راتابه‌آخرادامه‌دهیم

دراین تراکت علیه‌سازش رهبران هشدار داده‌میشودوازتوده‌هاخواسته‌میشودبامبارزه مسلحانه‌تاسرنگونی کامل رژیم، انقلاب را ادامه‌دهند.

تراکت: مبارزه‌مسلحانه‌راتاتابودی کامل سلطه‌امپریالیسم‌ادامه‌دهیم!

دراین تراکت که‌درروز ۲۲بهمن منتشر میشود، علیه‌به‌اصطلاح "بیطرفی"دروغین ارتش هشدارداده‌میشودوضرورت نابودی کامل ارتش دست‌پرورده‌امپریالیسم‌توضیح داده میشود.

اعلامیه: پیش‌بسوی تشکیل شوراهای انقلابی سربازان

این اعلامیه ۴ روزبعدازپیروزی قیام خطاب به‌پرسنل انقلابی منتشرشدودر آن ضرورت تشکیل شوراهای سربازان، افشاوطرد فرماندهان مزدورو...، توضیح داده‌میشود.

اعلامیه: ارتش مسلح خلق وارگانهای دفاع توده‌ای راسازمان دهیم!

دراین اعلامیه‌نیزچگونگی حفظ دستاورد ـ های قیام ومقابله‌بافدائیان سابق توضیح داده‌شددرعین حال دارای انحراف راستروانه‌ای دربرخوردبه‌رژیم‌جدیدبود. کلا اعلامیه‌هائی که‌دردوران اولیه‌حکومت جدیدمنتشرمیشد، عمدتادارای انحرافات راستروانه‌بودند.

اعلامیه: دولت موقت انقلابی وبرنامه‌آن

دراین اعلامیه‌سازمان درک خود از دولت موقت انقلابی ووظایف‌آنرا توضیح داد.

اعلامیه: پیش‌بسوی تشکیل شوراهای کارگری!

دراین اعلامیه‌ضمن ضرورت تشکیل شورا ـ ها به‌منظورحفظ دستاوردهای قیام، وظایف آنرا نیزتوضیح میدهد

● ● ●

دراوایل بهمن ماه ۵۷ سازمان به انتشارنشریات تروریستی وسیاسی کارگری از جمله "پیکارکارگر" وکارگربه‌پیش منتشر نمود، ۲ شماره پیکارکارگریکی درباره‌توضیح "جمهوری دمکراتیک خلق" ودیگری درمورد "حزب" پروسه‌تشکیل آن ونقش آن درانقلاب بزبان ساده‌برای کارگران منتشرگشت. کارگربه‌پیش شماره ۱ نیزدراوایل بهمن‌ماه انتشاریافت که‌چگونگی سازماندهی مبارزات کارگران وتشکیل هسته‌های کارگری راشرح میدهد، همچنین جزوائی نظیر "اعتصاب لیلاند موتورز و..." که‌به‌جمعبندی مبارزات کارگران و نقاط ضعف وقوت آن میپردازد، منتشرمیشود

سازمان بعدازقیام نیزفعالیت کارگری (سوسیالیستی) ودمکراتیک خودرا افزایش دادوامروزه‌ما باجمعبندی ازتجارب گذشته میکوشیم‌راه‌سرخ پیروزی پرولتاریا ایران راهموارسازیم.

برافراشته‌بادپرچم‌سرخ پرولتاریای ایران!

کمکهای مالی دریافت شده

سوسن	[illegible]	م	[illegible]	ب	[illegible]	ب	[illegible]
ب	[illegible]		[illegible]		[illegible]		[illegible]
ن

مصاحبه با عده‌ای از رفقا:

همدوش با خلق در قیام مسلحانه شکوهمند بهمن

دردوران قیام، سازمان ما علیرغم موضعگیری درست خویش درقبال ضرورت قیام مسلحانه توده‌ای از استحکام سازمانی متناسب برخوردار نبود که بتواند نقش رهبری کننده‌ای دربسیج وسازماندهی توده‌ها اعمال نماید. اما این ضعف که انعکاسی از ضعف عمومی جنبش کمونیستی بود و ما بجای خود به آن برخورد کرده‌ایم هرگز ـ آنطورکه برخی فرصت‌طلبان مایلند ـ به معنی آن نبود که رفقا و هواداران پیکار گرما، درقیام مسلحانه برای درهم‌شکستن رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن همپای توده‌ها شرکت نجسته باشند.

با حرکت ازهمین واقعیت، بعده‌ای از رفقا که امکان تماس با آنها فراهم بود (وبه اندازه‌ای که درصفحات محدود نشریه پیکار بگنجد) مصاحبه‌هائی ترتیب داده‌ایم که در زیر ملاحظه می‌نمائید. مصاحبه‌هائی که بطور زنده گوشه‌هائی از قهرمانی‌های پرشکوه توده‌ها را علیه رژیم شاه خائن به نمایش گذاشته وبطور مشخص نشان میدهد که چگونه دولت محصول سازش ازهمان روز قیام به خلع سلاح توده‌ها و انقلابیون دست میزند!

رویاروئی انقلاب وضدانقلاب درروزهای قیام. صحنه هائی که این روزها نیز بنحوی حماسه آفرین تکرار میشود ....

سقوط دانشکده افسری

"ج": یکشنبه صبح همراه یکی از رفقای مرکزیت با مسلسل "شتایر" دست ساخت خود سازمان به پادگان قلعه مرغی رفتیم. پادگان تسلیم شده بود اما توده‌های مردم مانند هرجای دیگر که اثری از دشمن بود تشنه اسلحه بودند. فرماندهان شاهنشاهی جلو مردم را گرفته بودند و مانع ورود آنها میشدند. ما اسلحه‌های خودمان را نشان دادیم و به داخل ساختمان مرکزی رفتیم. ما درپی آن بودیم تا محل اسلحه‌ها را نشان ساشی کنیم و به مردم اطلاع دهیم. اما متاسفانه موفق به این کار نشدیم. موقع بیرون آمدن یک درجه‌دار جلوی ما را گرفت وگفت اسلحه‌ها مال کیست؟ ما گفتیم این اسلحه‌ها دست ساز بوده وستاره‌دار است ومتعلق به خودماست. اما درجه‌دار شاهنشاهی از بیرون آمدن ما میخواست جلوگیری کند که ما با خشونت او را کنار زدیم. وبیرون آمدیم. پس از آن به میدان ارک رفتیم درساختمان دولتی روبروی ساختمان رادیو یکسری از فرماندهان وساواکی‌ها سنگر گرفته بودند ومقاومت می‌کردند بعد از چند ساعت درگیری بالاخره تسلیم شدند وکمیته‌چی‌ها بداخل ساختمان ریخته وفرماندهان دستگیر شده را بیرون میاوردند. درهمین موقع مردم بسوی فرماندهان هجوم میبردند تا آنها را تکه تکه کنند، اما کمیته‌چی‌ها جلو مردم را میگرفتند ومانع از آن میشدند تا مردم کینه انقلابی خود را بر سر مزدوران خالی کنند. بلافاصله بطرف دانشکده افسری رفتیم توده کثیری در آنجا جمع شده بود فقط تعداد معدودی به اسلحه مسلح بودند هرفرد مسلحی درواقع به سنگری تبدیل شده بود هرقدم که او جلو میرفت توده زیادی به دنبال او روان میشدند. من نیز با اسلحه خود سنگرگیری کرده وبسوی ارتشی‌ها شلیک می‌نمودم. البته متاسفانه اسلحه من دارای برد قوی نبود وبه همین خاطر اسلحه "ام یک" یک نفر دیگر را که کاربرد آنرا بلد نبود گرفتم وبه تیراندازی ادامه دادم. درهمین موقع یکی از افرادی که مسلسل شتایر بر من دیده بود بطرف من آمد وگفت ببخشید شما مجاهدین هستید؟ قبل از آنکه من جوابی بدهم او گفت: من با یک گروه مذهبی کار میکنم اما کاریک گروه کوچک بردزیادی ندارد وبه همین خاطر ما خواهان متشکل شدن هستیم. من گفتم: مجاهدین نیستم، من پیکاری ام. اوگفت بهر حال ما حاضریم با شما همکاری کنیم. براین اساس یک قرار بهم ردوبدل کردیم ودوباره به تیراندازی مشغول شدم درهمین لحظه بود که یک نفر بی سلاح که درکنار من قرار داشت از سر مورد اصابت مزدوران شاه قرار گرفت و بلافاصله دربرابر چشمان من به شهادت رسید. مسئله‌ای که بسیار جالب بود روحیه سلحشورانه مردم بود. آنها بدون سلاح دربشت درختها، کنار دیوار، پشت ماشین‌های ارتشی مصادره شده، توی جوی‌ها وپشت افراد مسلح سنگر گرفته بودند وشوق شکست دادن دشمن سراپای آنها را فرا گرفته بود. آنها ازهیچ چیز نمی‌ترسیدند. آدم میدید واقعا توده‌ها تاریخ ساز ند. آدم میدید زمانی که توده‌ها به عصیان درمی‌آیند متهورانه‌ترین اقدامات وابتکارات را بکار میبینند. بالاخره داشکده سقوط کرد و زمانی که من به انبار مهمات رسیدم همه سلاحها مصادره شده بود. فقط تا رنجکها باقی مانده بود. من یکسری تا رنجک مصادره کردم تا بتوانم درجای دیگر آنها را بکار گیرم.

تمایل سربازان وضدیت فرماندهان نسبت به قیام

"س" و "ق": ما یکشنبه صبح مسلح به اسلحه کمری چهارده تیر با رشوت واسلحه کمری ۷/۶۵ که متعلق به سازمان بود بسوی پادگان هوائی مهرآباد حرکت کردیم. مردم وسیعی دورتا دور پادگان را محاصره کرده بودند. عده‌ای از سربازان که در اطاق نگهبانی بالای دیوارها سنگر گرفته بودند مردم را به هجوم تشویق میکردند. مردم تشنه اسلحه با التهاب درپی هجوم بودند و در همین موقع فرماندهانی که آنجا بودند با دادن اسلحه مخالفت میکردند. اما درست برعکس برخی از سربازها در اسلحه‌خانه را به مردم نشان میدادند. بالاخره درحالیکه مردم بسوی درهمدیگر را فشار میدادند، ناگهان به داخل هجوم برده وبسوی اسلحه‌خانه دویده و درآنرا بالگد گشودند. همه خود را مسلح کردند وما نیز سه قبضه ژ ـ ۳ مصادره کردیم تا بعد شده بود که گاردیها به پادگان حمله خواهند کرد و به همین خاطر مردم برای مقابله با گاردیهای شاهنشاهی اسلحه می‌طلبیدند. درجلو در فرماندهان سعی میکردند اسلحه‌ها را از مردم بگیرند، اما یکسری از سربازان ویکی از افسران جوان مردم را به مقاومت دعوت کرده ودرهمان حال کسانی که طرز استعمال را بلد نبودند یاد میدادند. ما برای دفاع از پادگان ومقابله با گاردیها در پادگان ماندیم. در همین زمان یک عده از کمیته‌چی‌ها به آنجا آمدند. آنها همزبان با فرماندهان، مخالف مصادره اسلحه‌ها بودند. مسئله جالب این بود که برخورد سربازان وافسر جوان از یکطرف وفرماندهان واز جمله یک سرهنگ تمام از طرف دیگر کاملا متفاوت بود. دربرخورد سربازان وافسر جوان روحیه همراهی وهمدلی با مردم موج میزد، درحالیکه دربرخورد سرهنگ تمام روحیه احترام به قوانین ارتجاعی ورعایت نظم ودیسیپلین شاهنشاهی مسلط بود. آنچنان روحیه محافظه‌کارانه واعتقاد به نظم کهن برآنان حاکم بود که موقعی که مردم با تعرض خود انبار اسلحه را خالی کرده بودند یکی از این فرماندهان که چند اسلحه را از مردم گرفته بود تنها از شماره‌های اسلحه میگشت تا در انبار آنها را دوباره تنظیم کند!!

نکته جالب دیگر این بود که از آنجا که مقاومت همافران دربرابر گاردیها درمیان مردم نسبت به نیروی هوائی سمپاتی بوجود آورده بود و از آنجا که این پادگان متعلق به نیروی هوائی بود، کمیته‌چی‌ها از این روحیه سوء استفاده کرده و از مردمی که از مراکز مختلف اسلحه مصادره کرده بودند میخواستند تا اسلحه‌های خود را به پادگان مهرآباد جنوبی تحویل دهند. کمیته‌چی‌ها که وابسته به تارهبران سازشکار بودند از همان روز قیام درپی خلع سلاح مردم بودند. آنها عوامفریبانه میگفتند اسلحه‌ها را بدبه پادگان که زیر کنترل نیروی هوائی میباشد تحویل داد. اما پرواضح است که آنها میخواستند تا اسلحه بدست مردم نیفتد وسرنوشت آنان را تا رهبران تعیین کنند. درواقع درهمین زمان است که ضد انقلاب جدید شکل گرفت.

تصرف مرکز ساواک سلطنت آباد و اوین بدست خلق

"الف": شنبه درشهر غوغا بود وتمام خیابانها وکوچه‌ها ومحله‌ها درانتظار وقوع حادثه بزرگ بودند. سئوالاتی از قبیل اسلحه از کجا گیر بیاوریم؟ کی ارتش سقوط میکند؟ چقدر کشته خواهیم داد؟ و... درفضای شهر پراکنده بود وتظاهرات، گردهمائی‌های پراکنده در اینجا وآنجای شهر با فریاد "رهبران ما را مسلح کنید!" درجریان بود بعدازظهر زمانی که اعلام حکومت نظامی شد ما آمدیم ودرتقاطع جمالزاده ـ آزادی یک گروه تشکیل داده وشروع به ساختن کوکتل مولوتف کردیم.

یکشنبه ازصبح به اطراف پادگان نیروی هوائی رفتیم. همافران مبارز چهره‌های خود را سیاه کرده بودند تا موردشناسائی عوامل مزدور شاه قرار نگیرند. آنها درحالیکه سلاح در دست داشتند مردم بی سلاح را به پناهگاهها هدایت میکردند. من به یکی از آنها گفتم چرا تمرد کردید از اعدام نمی‌ترسید؟! او به من لبخند زد. روحیه او سرشار بود از جانبازی واز خودگذشتگی. آنها که از رژیم فاسد شاه، فرماندهان مزدور ارتش آریامهری بشدت متنفر شده بودند به جنبش خلق روی آورده بودند تا به همت توده‌های خلق نظمی جدید برقرار شود. اما آنها در آن موقع نمیدانستند که رژیم جمهوری اسلامی همان ارتش وهمان فرماندهان مزدور را دوباره بقاء خواهد کرد وبرسرنوشت آنان حاکم خواهد نمود. دوشنبه صبح به طرف ساواک سلطنت آباد رفتیم. جائی که درزمان شاه خائن مرکز بازجوئی کمونیستها وسایر انقلابیون بود. جائی که کوهی از اسناد را درمورد کمونیستها وآزادیخواهان درخود انباشته بود. درزمان شاه این محل مرکز مخوفی بود که کسی جرات نزدیکی به آنرا نداشت. اما اینک سقوط کرده بود. مبارزات قهرمانانه توده‌ها تمامی مراکز دشمن را مانند کاغذی مچاله نموده وپوسیدگی ذاتی رژیم را به نمایش گذاشته بود. ما بهمراه عده زیادی از مردم به دیوار ساواک حمله کرده و آنرا خراب نمودیم. ازمیان جمعیت فریاد میزدند داخل نروید مین منفجر میشود، ولی درهمین موقع بناگهان یکی از افراد جان باخته در داخل شکافی که ایجاد شده بود میپرد، که بلافاصله یک مین منفجر میشود ودرجا او را میکشد. درحقیقت مردم بخاطر این به

←

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مرکزمخوف ساواک حمله میکردندتا تمامی پرونده‌های ساواک را درپیشگاه خلق افشا کنند .ونا بودسازند .اما واقعیت این بودکه اگررژیم شاه درروزقیام مردم این استاد ساواک پاسداران جدیدی پیدا کرد ،بنحوی که درمیان جمعیت کمیته‌چی هائی که بطور پراکنده وجوددا شتندمیگفتند : "پرونده‌ها را نباید بردما آنها را لازم داریم" (؟!)

بله واقعا بقدرت رسیدگان جدید به پرونده‌های ساواک احتیاج داشتند ،چراکه بعدازشاه مزدور ،اینان نیزبا انقلابیون وکمونیستها سروکار داشتند!

پس ازسلطنت آبادما به زندان اوین رفتیم .آنجا تازه به تصرف توده‌های خلق درآمده بود .هنوزبرنجهائی که شکنجه‌گران برای زندانیان سیاسی هچالها آماده کرده بودندروی اجاق ها بود .فضای مرگبار اوین به فضای شادی وپیروزی تبدیل شده بود .بوی برنجهای پخته‌شده با بوی فتح وتصرف پرشکوه شکنجه‌گاه اوین وفریاد شورانگیزمردم درهم آمیخته‌شده بود .ما بهمراه انبوهی ازتوده‌ها بدنبال زندانیان سیاسی وآلات شکنجه رژیم کثیف پهلوی به قسمت سلولهای انفرادی هجوم بردیم .مردم نمیدانستندبه کدام طرف میروند آنان ما تندسیلی دررا هروها وپله‌ها جاری بودند .هرجا را هروئی میدیدندبه آن داخل میشدندوهرکجا که دربسته‌ای مشاهده میکردند با خشونت انقلابی آن را میگشودند .درهمین اثنا با ورودحدود ۳۰۰ نفربه قسمت سلولهای انفرادی ناگهان درهای اتوماتیک این قسمت بسته‌شدوبرای یک لحظه وحشت آفرید . اما اراده پولادین مردم نمیگذاشت هیچ دری بسته بماند .مردم دراداره شعوش خودبه اسلحه‌ها نیزدست یافتند .ما نیزچندقبضه ژـ ۳ و دو مسلسل بوزی مصادره کردیم .هنگام بیرون آمدن ،آخوندها وکمیته‌چی ها جلوی مردم را گرفته وآنها را خلع سلاح مینمودند .آنها نمیخواستندقیام ادامه یابد .آنها نمیخواستند انقلاب به پیروزی کامل برسد .آنها ازمسلح شدن توده‌ها ،انقلابیون وکمونیستها وحشت داشتند .آنها برای مقابله با جنبش پیشرونده توده‌ها به خلع سلاح توده‌ها وانقلابیون محتاج بودند ،چراکه ازاین پس خودرا دربرابر آنها میبافتند .

سقوط عشرت آباد

ب : "روز ۲۱ بهمن را با سنگربندی ،کیسه شن پرکردن درزهتابی (ته قلعه مرغی) گذراندیم روز ۲۲ بهمن من بهمراه ۲۰ رفیق دیگربا یک مسلسل سبک "شتابر" ویک اسلحه کمری ۱۴ تیر "پاراشوت" که هردومتعلق به سازمان بودند بسمت نازی آباد حرکت کردیم .کلانتری میدان بازاردوم محاصره شده بود .ازآنجا به کلانتری واقع درخیابان شهیاز وسپس به پادگان نیروی هوائی (تهران نو) رفتیم که هردونیزدردست افرادمسلح بود .بسمت پادگان عشرت آباد ،حرکت کردیم .آنجا هنوز سقوط نکرده بود .دورتا دورآن بجزقسمت شمال درمحاصره مردمی بودکه با اشتیاق وشور فراوان درصددحمله به پادگان بودند .جز افرادمعدودی ،اکثرآنها بدون سلاح بودند . دراینموقع با پرتاب کوکتل مولوتف قسمتی ازپادگان آتش گرفت .دیوارقسمت جنوبی پادگان را با میله‌های آهنی سوراخ کردیم تا بداخل هجوم ببریم ودرهمین زمان مرتب صدای رگبارمسلسل وتیربار ازداخل پادگان میامد .نظامیان ازترس ساختمانهای اطراف پادگان را خالی کرده وبساختمان مرکزی پادگان پناه برده بودند .وازهمان نقطه مردم را به رگبار می بستند .پس ازسوراخ شدن دیوارما درکنارافرادمسلح دیگری که به ۲۰ الی ۳۰ نفرمیرسیدیم ،با سنگرگیری پشت زره پوشها سینه خیزبطرف ساختمان مرکزی میرفتیم .درپشت ماتوده‌های غیرمسلح با بی باکی و جانبازی بی نظیری بجلومیامدنداز دوطرف مرتب شلیک میشدوازدوطرف افراد زیادی کشته‌شدند .درواقع عشرت آباد دیر تلفات ترین مراکزدرگیری با دشمن تبهکار بود .برای آنکه حیطه عمل گسترده‌شودو در صورت لزوم امکان جدیدی برای عقب نشینی فراهم‌گردد .مردم با ماشینهای ارتشی و دولتی به دیوارهای شرقی پادگان می ـ کوبیدندوآنرا خراب میکردند .درهمین موقع یک تیربه پشت سرمن اصابت کرد .اما ازآنجا که بطورسطحی با سرمن برخوردکرده بود .فقط منجربه خونریزی شد مرا بلافاصله به بیمارستان بردندوپانسمان کردندومن دوباره به پادگان برگشتم .آنروزآنقدرپرالتهاب بودکه آدم میخواست درآن واحددرتمام درگیری ها حاضروفعال باشد .

دراینموقع دیگرساختمان مرکزی به محاصره مردم مسلح وغیرمسلح درآمده بود . سربازان لباسهای ارتشی خودرا کنده ودستها بحالت تسلیم ،بسوی جمعیت میامدندومردم با قهرمانی وبی باکی بی نظیرونیزبا غرور وشادی وصف ناپذیری برای مصادره اسلحه و دستگیری فرماندهان مزدور ،به انبارها حمله‌نمودند .اما فرماندهان ازقسمت شمالی پادگان درزمان درگیری گریخته‌بودند . مردم‌که میدانستندبزورسلاح میتوان دشمن‌را شکست داد ،سلاحهای بسیار زیادی مانند ژـ ۳ ،تیربارونارنجک مصادره‌کرده وخودرا مسلح ساخته وبرزرهپوشهای مصادره‌شده‌از پادگان سوارشده وفاتحانه بسوی دانشگاه حرکت نمودند .ما نیزچندقبضه اسلحه مصادره کرده وبسوی مراکزدیگردشمن شتافتیم .

هتل هیلتون و"دیو" تسلیم شدند

"م" :من درحمله به پادگان عشرت آباد شرکت داشتم ،نکته‌جالب این بودکه وقتی پادگان سقوط کردمردم به آسایشگاهها ریختند وباخشم تمام همه وسائل آن را ازپیتو ولحاف و تخت را سوزاندندمن با چندرفیق دیگرکه با هم‌بودیم مقداری فشنگ ژـ۳ ویک تفنگ برنو مصادره‌کردیم .دم درآخوندها وکمیته‌چی ها این محافظین جدیدنظم ارتجاعی حاکم افراد راخلع سلاح میکردند .اما مردم‌که‌اغلب مسلح بودندجانانه مقاومت کرده واغلب اسلحه‌ها را نمیدادندبه سمت باغشاه رفتیم امامتاسفانه فشنگ برنونداشتیم‌تا بسوی مزدوران حمله کنیم .شنیدیم‌که یک مینی بوس درمیدان رشدیه فشنگ تقسیم میکندبه آنجا رفتیم ومقداری فشنگ برنوبه‌دست آوردیم .صبح دوشنبه از آنجا که‌فقط یکنفرما مسلح بودوما شنیده بودیم‌که‌فدائی ها باکارتپا با ن خدمت در دانشگاه اسلحه میدهندبه دانشگاه رفتیم . بلافاصله اسم‌ما را نوشتند .مدت یکساعت منتظرشدیم‌اما ازاسلحه‌ها خبری نشد .سئوال کردیم‌پس اسلحه‌چی شد؟ ولی آنها با جوابهای بی سروته ما را سرمیدوانندند .درواقع فدائی‌ها سعی میکردندبرای خودفقط تبلیغ کنند البته‌آنها ازانبوه اسلحه‌هائی که‌بدست آورده بودندبه افرادوابسته به‌خودمیدادند اما به‌هیچیک ازافرادوابسته‌وبا طرفدار نیروهای کمونیستی دیگراسلحه‌نمیدادند . بالاخره‌پس ازیکساعت انتظارآمدندوبه افراد زیادی که‌آنجا بودندگفتند :ما اسم‌شما را نوشته‌ایم .اما شما بروید پادگان لویزان ، آنجا درحال سقوط است .اسلحه‌بگیرید ."!!

سپس ما به‌طرف هتل هیلتون رفتیم . از بالای هتل شلیک میکردند .ما بهمراه چندنفر دیگرکه‌آرم‌فدائی را شناسائین هتل را به‌گلوله بسته‌بودیم .پس ازمدتی درگیری افرادمقاومت کننده تسلیم‌شدندوبه‌دنبال آن "میهمانان خارجی" رژیم‌پهلوی که‌غافلگیر شده‌بودندمانندموش دستهایشان را بالا گرفته‌وازهتل خارج میشدند .

پس ازآنجا به‌طرف "دیو" رفتیم در درگیریهای‌مسلحانه آنجا شرکت کردیم‌وبالاخره‌زیر تعرض انقلابی توده‌ها "دیو" سقوط کرد .مردم تمام اسلحه‌های سبک وسنگین راوسط میدان دیوریختند .همه مردم‌خودرا مسلح کردندوما نیزکلت ومسلسل مصادره‌کردیم .درهمین هنگام یکسری آخوندوکمیته‌چی ها که‌کارت کمیته‌امام داشتندسوارسرزره‌پوش هوائی شلیک میکردندومی گفتندکسی نباید اسلحه‌ها را ببردچون اسلحه‌ها دست دزدها می افتد!! آنها با دسته متشکل خودبرا وضاع مسلط بودندوفرمان می‌راندند .

اما کمونیستها اگرچه درکنارتوده‌ها مبارزه میکردندامابه‌سبب پراکندگی خود قادرنبودندجنبش مسلحانه‌یک خلق بپا خاسته‌را هدایت کنندونشان دهندکه‌توده‌ها ئی که‌برای مقابله‌با دشمن اسلحه‌می خواهنددزدنیستند ،بلکه‌دزدهاکسان دیگری هستند .

۹ ساواکی بدار آویخته‌شدند

"الف ـ ج" :شنبه ۲۱ بهمن ۸ شب بودکه ساختمان ساواک‌رشت‌را به محاصره‌درآوردیم بچه‌ها فقط یک تفنگ سرپرداشتند .وبقیه دارای کوکتل وسنگ بودند .اما درمقابل، ساواکیها درداخل ساختمان کاملا مسلح بودندومرتب آتش میکردند .براشترباندازی ساواکیها یک نفرازبچه‌ها ازکتف گلوله‌خورد وزخمی شدویکی دیگرهم ازناحیه‌کشاله‌ران موردا صابت قرارگرفت وبه‌شهادت رسیدکشته شدن اوخشم‌بچه‌هارابحدانفجار برانگیخت . درگیری تا ۴/۵ صبح ادامه‌پیداکردوبالاخره ساواکیها برسرتفنگ پارچه‌سفیدی را بالا بردند .بلافاصله‌من با یکی دیگربه‌داخل ساختمان ساواک پریدیم .یکی ازساواکی ها درحالیکه‌یک اسلحه‌دردست داشت درمقابل ما ظاهرشدبا دیدن نفراول به‌حالت تسلیم درآمده‌واسلحه‌خودرا میانداز د .بدنبال ساواکی اول ۸ ساواکی دیگردرمقابل جمعیت به‌حالت تسلیم‌درمیایند .دراین موقع دیگرحیاط وساختمان ساواک ازجمعیت پرشده بود .ما با چماق ولگدبجان ساواکیهاافتادیم ازآنها پرسیدیم‌زندانیان ما کجا هستند؟آنها میگفتندما نمیدانیم .ما آنقدرآنها را سنگ و چوب زدیم‌که‌ازحال رفته‌ویا لاخره‌کشته‌شدند . ساعت ۶ صبح لاشه‌ساواکیهای مزدوررا از ساختمان بیرون آورده‌ودرمحل پارک شهر (باغ محتشم) آویزان کردیم .

خبردرشهرتت پیچیدوتوده‌های مردم‌بدیدن اجسادمیامدندهرکس تفی برروی جسدهای متعفن ساواکی ها میانداخت وبدین ترتیب خشم‌وکینه‌خودرا نسبت به‌نظام ستمگرپهلوی ابرازمیداشتند .

روزهای پرخاطره قیام

"ک" :شنبه ۲۱ بهمن همه‌مردم‌درخیابانها بودندوهمه ملتهب بودند .اکثرماشین ها از حرکت بازایستاده‌بودند .خیابانهای اصلی مملوبودازجمعیت وسراسراین خیابان ها سنگربندی شده‌بود .اوایل بعدازظهربودکه رادیوحکومت نظامی راا علام‌نمود .ولی کسی به‌خانه‌ها نرفت مردم‌دروانت بارها وبا کامیونها سوارشده‌ازاینسوبه‌آنسومیرفتند .

درهمان بعدازظهرعده‌ای ازهمافران که از پادگانها گریخته‌بودندچهره‌های خودرا سیاه کرده‌وسواربرموتورتفنگهای خودرا به‌مردم نشان میدادند .مردم‌ازدیدن اسلحه‌غرق در شادی میشدند ،هورا میکشیدند دست میزدندو به‌این ترتیب نشان میدادند که‌خواهان شکست دشمن با توسل به‌سلاح میباشند .من درا طراف میدان فوزیه‌سابق با چندرفیق دیگرمشغول سنگرکندن ،پرکردن کیسه‌های شن وبارنده کردن ماسون برای کوکتل مولوتف بودیم زنهای خانه‌برایمان شیشه‌خالی وماسون میاوردندوبچه‌ها با تمام‌قوا خودرا برای نبردی بزرگ آماده میکردند .هیچکس ازمرگ نمیترسید ،مرگ تحقیرشده‌بودوتوده‌های بسیاری آماده‌جنگ کردن بودندامابسازمان‌دهی وسلاح ورهبری نیرومندوانقلابی وجود نداشت .نیروی لایزال توده‌ها بطورخودبخودی ابتکارات تازه‌میافریدواین واقعه‌نشان میدادکه‌درهنگام‌بحران انقلابی چقدرتوده‌ها رکودوخمودگی گذشته‌را دورریخته‌وشکوفا می‌شوند .

شنبه‌شب ۲۱ بهمن غروب جلوی در بزرگ دانشگاه‌تهران توده‌کثیری جمع شده بودندچندسنگربزرگ باکیسه‌های شنی درآنجا درست کرده‌بودندومردی سیه‌چرده‌که‌خود را چریک فدائی معرفی میکردویک ژـ ۳ در دستش بوددرحال سخنرانی بودا ومیگفت : مردم‌من چریک فدائی ام ،ما بقدرت اسلحه میخواهیم ایران را نجات بدهیم ،من برای شما خونم‌را میدهم ،شما با بازمن پیروی کنید ....درهمین هنگام درجمعیت همهمه بلندشدوعده‌زیادی به‌علامت تمسخرلبخندمی‌زدند .درحقیقت اگرچه‌فدائیان درمقطع قیام مشی چریکی را بدون سروصدا به‌کنارگذاشته بودند ،اما تمامی حرکات وطرزتفکرونگرش آنان نسبت به‌توده‌ها ملهم‌ازمشی چریکی بود .درمتن موقعیت انقلابی که‌هزاران‌توده جان باخته‌بودندوبادیدی ازبالا درپی‌جان باختن برای توده‌ها بودوازآنان میخواستند ازاوپیروی کنند!

حدودساعت ۱۲ نیمه‌شب شده‌بودکه‌چراغهای دانشگاه واطراف آن خاموش شد .تعدادزیادی ازمردم‌هنوزدردانشگاه‌بودند .بدنبال خاموشی چراغها حدود ۷ یا ۸ نفربرارتشی که بربالای آنها تیرباریامسلسل نصب شده‌بودبه رژه‌بربردانشگاه‌پرداختند .درهمین موقع من بهمراه‌چندکمونیست دیگرکه‌همدیگر را زبادشمنی شناختیم‌کوکتل مولوتف هائی راکه‌ازقبل درقسمت جنوب شرقی دانشگاه پنهان کرده‌بودیم‌بردانشته‌وبطرف نفربرها پرتاب کردیم‌بلافاصله‌یکی ازنفربرها آتش گرفت ودرهمین لحظه‌صدای رگبارمسلسل ها و تیربارهاکه‌به‌سمت دانشگاه‌نشانه‌رفته بودندفضای سکوت حاکم‌را شکست اگرچه ماشینی که‌جا دربرزنتی آن درآتش بودبسرعت ازمحل دورشدما بقیه‌نفربرها بمدت نیم‌ساعت درحال شلیک‌بودند .تمام‌بچه‌ها درشهرهای دانشگاه سینه‌خیزقرارگرفته‌وازطریق شهرها خودرا به مسجددانشگاه‌میرساندند .آن شب تا صبح در مسجددانشگاه‌ماندیم‌وعلیه‌شاه‌خائن شعار دادیم‌وسرودخواندیم .

روزیکشنبه ۲۲ بهمن که‌روزانقجاربودودر نقاط مختلف شهرمیان ارتش مزدوراز یکطرف وتوده‌ها وانقلابیون مسلح ازطرف دیگر درگیری بود .یکی ازمحلهای درگیری اطراف باشگاه‌شعبان بی مخ بود .بعدازیکساعت درگیری مسلحانه‌سربازان با پارچه‌ای سفید بالا بردند .سپس همگی به‌باشگاه‌حمله‌کردیم درهای قطوربا شگاه‌با آتش مسلسل ومیله‌های آهنی گشوده‌شد .همگی به‌داخل هجوم‌بردیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

تمام عکس های شاه منفور تمام وسایل داخل ساختمان به بیرون کشیده شد و زیر لگدهای مردم خردشد. درهمین موقع بود که چشم به رفیق تقی شهرام افتاد که از ته قلب می خندید و دست میزد و سپس با کینه مقداری از پرونده ـ هائی که به بیرون پرتاب شده بود را پاره پاره کرد. اما شاید رفیق آنروز نمیدانست که تا رهبران جدید پرونده های ساواک را حفظ خواهند کرد و کمونیستها را مورد تعقیب و شکنجه و اعدام قرار خواهند داد. همچنان که او نیز برای اسناد ساواک بجرم کمونیست بودن توسط رژیم جمهوری اسلامی تیرباران شد.

پس از آن بطرف دانشکده افسری رفتم که از ابتدای درگیری تا آخر در آنجا بودم فقط این نکته را بگویم زمانی که افراد رژیم تسلیم شدند من جزو کسانی بودم که به انبار اسلحه هجوم بردند. تمام را هروها و راه پله ها از انبوه جمعیتی که برای اسلحه بدست آوردن هجوم برده بودند پر شده بود. کسی اگر زیر پا ها میافتاد دیگر نمیتوانست بلند شود. بزور لگد و فشار در انبار اسلحه شکسته شد و در مقابل چشمهای ژ ـ ۳ ها، ام ـ یک ها، تیربارها و تا رنجکها به ردیف در سراسر انبار صف کشیده بود. در عرض یک چشم بهم زدن انبار خالی بود. اول کسی که اسلحه ها را تقسیم می کرد یک تیربار به من داد که دیدم خیلی سنگین است و حمل آن مشکل. به همین خاطر گفتم ژ ـ ۳ بده و ژ ـ ۳ را گرفتم.

روز دوشنبه ۲۳ بهمن بطرف اوین رفتم در جاده هائی که بسمت شمیران میرفت، ماشین ـ ها، کامیونها و وانتها مملو از جمعیت مسلح و غیر مسلح بود آنها میرفتند تا درهای کاخها و زندانها را باز کنند. اما در آن لحظه چه کسی میدانست که کاخها اگرچه بدست توده ها باز شد اما در خدمت کارگران و سایر زحمتکشان قرار نخواهد گرفت و زندانها اگرچه بدست توده ها گشوده شد، اما دوباره کارگران و کمونیستها و آزادیخواهان دیگر را در خود خواهد فشرد.

کلانتری نازی آباد در آتش

"ب ـ ن": شنبه شب ۲۱ بهمن ما همراه با بچه های محل کلانتری نازی آباد را به محاصره درآوردیم. فقط من و یک رفیق دیگر مسلح بودیم ولی بقیه فقط به کوکتل مولوتف و سنگ و چوب مسلح بودند. بین ساعت ۱۲ ـ ۱۰ بود که ما حمله را شروع کردیم. با سنگها و شیشه های کلانتری به بالای پشت بام کلانتری رفته و بشدت تیراندازی میکردند. درهمین موقع یکی از بچه ها مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید و بدنبال آن یکی دیگر گلوله خورد و تمام روده ها پش بیرون ریخت. پس از این کشتار خشم مردم به حد انفجار رسیده بود.. مردم محل بشدت متاثر شده و گروه گروه به محل درگیری میامدند. درست درهمین موقع که مزدوران شاه مردم را به گلوله بسته بودند، افرادی مذهبی درحالیکه کارتهای کمیته امام را نشان میدادند به ما می گفتند: "چرا شما حمله میکنید، اما مدستورجهاد داده است". این حرف بشدت در مردم متنفر بر انگیخت مردم به عصیان آمده بودند و طلب اسلحه میکردند. اما کمیته چی ها مردم را به آرامش و عدم تعرض به جنایتکاران سلطنت طلب دعوت میکردند. ما در همانجا به افشاگری دست زده و میگفتیم جوانهای ما را دارند میکشند ولی اینها می ـ گویند ساکت باشید حکم جهاد نرسیده است! مگر میشود در برابر این همه جنایت ساکت بود؟

درهمین موقع مزدوران مستقر در کلانتری از پشت کلانتری گریخته و به پادگان هوانیروز میروند. ما بهمراه انبوهی از جمعیت به کلانتری تهاجم بردیم تمام اسبابهای آنرا مصادره کرده تمام پرونده ها را سوزانده و ساختمان کلانتری را به آتش کشیدیم. این جلوه ای بود از تشفی خشم خلقی که از ستم رژیم شاه مزدور به تنگ آمده بود.

تانکها با کوکتل ها به آتش کشیده شدند

"ف": شنبه ۲۱ بهمن تمام طول خیابان تهران نو (دماوند) سنگربندی شده بود من در سنگری بودم که در بالای داروخانه بنزاین قرار داشت. در سنگر مقدار زیادی کوکتل مولوتف جمع کرده بودیم. در انتظار درگیری با دشمن بودیم. طرفهای ۴ صبح سه، چهار تانک بسمت فوزیه سابق حرکت کردند تا سنگر قبل از ما ۲ تانک با کوکتل به آتش کشیده شد و دو تانک دیگر بطرف سنگر ما آمد که ما آنها را زیر باران کوکتل گرفتیم. تا تانکها آتش گرفت و بلافاصله راننده آنها بیرون پریدند.

قبل از آتش گرفتن تانکها افسری که یک بیسیم مصادره کرده بود حرفهای بی سیم تانک را کنترل میکرد. راننده تانک با مرکز تماس گرفته بود با روحیه ای کاملا تسلیم ـ طلبانه میگفت: "چرا مرا بی حمایت فرستادید بیایید مرا نجات بدهید". درحقیقت این روحیه بیان از هم گسیختگی ارتش بود ارتشی که در مقابل شعرش خلق دچار اختلال و تشتت گشته و گذشته از سربازان قابل توجهی که از پادگانها گریخته و به انقلاب روی آورده اند، افراد بسیاری از سربازان وجود دارند که نه از سرایمان، بلکه زیر فشار فرماندهان و انضباط ارتجاعی آن بمقابله فعال با خلق ادامه میدهند. فردای آن شب یعنی ۲۲ بهمن در تعرض با غنائم بهمراه توده های خلق شرکت داشتم. سقوط پادگان بعد از ظهر ۲۲ بهمن صورت گرفت. پادگان زیاد مقاومت نکرده و خیلی سریع تسلیم شد. مردم به مراکز اسلحه حمله کرده و به میزان بسیار زیادی فشنگ، تا رنجک، آر ـ پی ـ جی ۷، تا پ مصادره نمودند. درهمین موقع مردم سربازان را از خوابگاهها و ساختمانها بیرون میاوردند و برای آنکه کسی به آنها حمله نکند لباسهای سربازی آنها را میکندند و لباسهای خود را به تن آنها می پوشاندند. مردم به این طریق احساس همبستگی خود را با سربازانی که بسوی مردم حمله نکرده بودند نشان میدادند و به این طریق به آنها میگفتند که سربازان فرزندان خلق هستند.

گرسنه ها و پابرهنه ها در تصرف کمیته مشترک شهربانی ـ ساواک شرکت داشتند

"الف ـ ب": ۲ بعد از ظهر ۲۲ بهمن کمیته مشترک شهربانی ـ ساواک مورد حمله انقلابیون مسلح و توده های غیرمسلح قرار گرفت. در این حمله بکسری از رفقای کمونیست و از جمله خود ما شرکت داشتند. درحالیکه از داخل کمیته مزدوران شاهنشاهی جمعیت را به رگبار بسته بودند، انقلابیون مسلح سینه ـ خیز به جلو میرفتند و توده های زیادی نیز به دنبال آنان حرکت میکردند. بعد از مدتی کاردیهای شهربانی تسلیم شدند. بلافاصله مردم به داخل ساختمان حمله کرده و به مصادره سلاحها و وسایل موجود در آن پرداختند. در میان کسانی که به کمیته حمله کرده بودند افراد بسیار فقیری نیز وجود داشتند. گاردیها موقع شلاخوردن مورد حمله قرار گرفته و بنابراین غذاهای خود را تمام خورده باقی گذاشته بودند. افرادگرسنه ای که به داخل آمده بلافاصله مشغول خوردن غذای نیم خورده کاردیهای مزدور شدند. این حقیقت نشان میداد که ستون فقرات قیام را توده های گرسنه و پابرهنه تشکیل میدادند آنها قیام کرده بودند تا زندگی نوینی را بدست آورند. این حقیقت نشان میداد که این نه بازارهای گردن کلفت و سرمایه داران زالوصفت، بلکه توده های محروم بودند که سینه هایشان را در برابر گلوله های محمدرضا شاهی سپر کرده بودند. سرمایه داران و تجار نه گرسنه بودند که غذای نیم خورده بخورند و نه جان باخته بودند که در برابر مسلسل های آمریکائی سینه سپر کنند.

ما درهمان موقع به زندان کمیته حمله کرده، درهای آنرا شکستیم و هرچه عکس شاه مزدور بود یا پاره کردیم، گاردیهای مزدور که در داخل تسلیم شده بودند توسط یکسری افراد وابسته به کمیته محافظت میشدند تا کسی به آنها حمله نکند! درموقع بیرون آمدن افراد وابسته به کمیته اما م بطور وسیع مردم را کنترل کرده، آنها را خلع سلاح نموده و همه چیز را از آنها میگرفتند. جالب اینجا بود که یک نفر زحمتکش که کفش پاره ای بپا داشت آنرا درآورده و یک جفت پوتین نه پا کرده بود، در جلوی در افراد کمیته امام حتی از این یک جفت پوتین هم نگذشتند و پوتین را از پای او درآوردند!

●●●

"مصاحبه کننده": درآخر موردی به خاطرم رسید که خوبست بیان کنم.

مسئله از این قرار بود که رفیق مسعود پورکریم بهمراه یک رفیق در فیاضبخش بهمن ماه در کنار خلق و بطور مسلحانه حضور داشتند.

روز ۲۳ بهمن رفقا هنگام حرکت در شهر و زمانیکه عازم کمک به رزمندگان خلق در یکی از مناطق تهران بودند توسط مامورین کمیته امام مستقر در محل کمیته مرکزی (مدرسه رفاه) دستگیر گردیدند. در این هنگام افراد کمیته به خلع سلاح رفیق مسعود که دارای یک پاراشوت متعلق به سازمان بود پرداختند و سلاح سازمانی رفیق دوم را نیز از او میگیرند رفقا امر را میکنند که این اسلحه ها متعلق به سازمان است و شما باید آنها را تحویل دهید. مسئولین کمیته اسلحه ها را به یک استوار ارتشی که در آنجا همکاری میکرد نشان داده او میگوید این اسلحه ها خارج آمده و ارتش و شهربانی سلاحهائی از این نوع ندارند. اما علیرغم اثبات این مسئله که اسلحه متعلق به سازمان است کمیته چی ها از پس دادن آن خودداری میکنند.

تمام کوشش جهت باز پس گرفتن سلاحهائی که توسط رفقا علیه رژیم منفور شاه بکار رفته بود بی نتیجه می ماند و این نشان داد که حاکمان جدید چگونه نسبت به کمونیستها خصومت ورزیده و چگونه علیه ندا و مفیا بپا ـ خاسته اند.

به امید پیروزی کارگران و زحمتکشان ایران!

بقیه از صفحه ۱۵ **حزب توده...**

ملی را لیبرال، سازشکار و حتی مرتبط با امپریالیسم تا میدهد. اما حزب توده نه تنها خواهان تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری و همینطور برقراری جمهوری ائتلافی ملی با جبهه ملی بود و نه تنها برای تحقق چنین امری به پست ترین تملقاتش نمیداد، بلکه از سنجابی میخواهد که رهبری قیام توده ها را در دست بگیرد. به سند افشاگرانه زیر توجه کنید:

(نوید فوق العاده شماره ۲۷۰۶۶، ۲۲ دی ۵۷) (یعنی کمتر از یکماه مانده به قیام)

"۱) کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه رهبران جنبش رهائی بخش ملی ایران بویژه از حضرت آیت الله العظمی خمینی، حضرت آیت ـ الله طالقانی و آقای دکتر کریم سنجابی و سایر رهبران جریانهای مبارز مذهبی و سیاسی در ایران که جنایات رژیم را با گوشت و پوست خود احساس کرده اند، دعوت میکند که تمام نیرو و تمام نفوذ و اعتبار خود را در راه تشکیل "جبهه متحد آزادی ملی ایران"، جبهه ای که همه نیروهای راستین میهنی ضد رژیم و ضد امپریالیست را در بر بگیرد، به کار اندازند. این جبهه وظیفه خواهد داشت که امر رهبری مبارزات عموم خلق را علیه شاه و امپریالیسم در دست گیرد و ضمن استفاده از همه شیوه های عادی مبارزه سیاسی، امر تدارک و رهبری مبارزه مسلحانه خلق را علیه نیروهای مسلح رژیم شاه سازمان دهد." (همه تاکیدها از ماست.)

آری جمله سابقه درخشانی "حزب توده" در مبارزه علیه لیبرالیسم دارد! دکتر کریم ـ سنجابی نه تنها ضد امپریالیست میشود، نه تنها از رهبران جنبش رهائی بخش ملی قلمداد میشود، بلکه آنقدر انقلابی و قاطع است که با بستن رهبری مبارزه مسلحانه خلق بر علیه امپریالیسم را نیز در دست بگیرد!!

بیچاره حزب توده فکر میکرد، لیبرالها در طی مدت زیادی بیشترین قدرت را در اختیار خود بگیرند و به همین خاطر با این تملقها می ـ خواست برای منافع سوسیال امپریالیسم روس سرمایه گذاری کند. اما همینکه بتدریج قدرت بسوی حزب متمایل میشد، لیبرالها روی برمیگرداند و داعا میکرد که همواره با لیبرالیسم جنگیده است!

۷ـ حزب توده اکنون بخاطر آنکه بنی صدر مقام ریاست جمهوری را دارد، مستقیما او را لیبرال نخوانده است. اما اظرافیان او و رو زنامه انقلاب اسلامی را لیبرال خوانده و همدا با جناح حزب به مخالفت با او برخاسته است. اما جالب اینجاست که پیش از این در زمانی که لیبرالها بیشترین قدرت را در حاکمیت داشتند حزب توده بنی صدر را طرفدار سوسیالیسم نامیده و عنوان کرده است که "راه رشد غیر سرمایه داری" کذائی را با افرادی چون بنی ـ صدر میتوان به پیش برد. در نوید شماره ۷۰، ۴ اسفند ۵۷، حزب توده در مقاله "انقلاب ایران بر سر دوراهی "دوراه رشد سرمایه داری یا غیر سرمایه داری را پیش بینی میکند و سپس با ـ توجه به وجود عناصری چون بنی صدر، امکان تحقق سوسیالیسم را بوسیله جمهوری اسلامی ممکن میداند و بنی صدر و خمینی را همپای مجاهدین بحساب میاورد. به سند رجوع کنید:

"وقتی مجاهدین خلق، روشنفکران انقلابی مذهبی، نمایندگان فکری جنبش انقلابی اسلامی نظیر ابوالحسن بنی صدر (از نزدیکان امام خمینی) بطور عریان از لزوم تعدیل اختلاف طبقاتی و حتی استقرار جامعه "بدون طبقه توحیدی" و جامعه قسط که در آن مزایای قشری، گروهی و طبقاتی زائل شده، سخن می ـ گویند و ... نیروی عظیمی که انقلاب ایران برای طرد راه در دناک رشد سرمایه داری در ـ اختیار دارد، با همه قامت توانای خود جلوه میکند." (تاکید یک خطی از حزب توده و دو خطی از ماست.)

بقیه در صفحه ۵

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

در دومین سالگرد قیام:

آیت‌الله خمینی بورژوازی را به اتحاد در برابر جنبش فرا میخواند

در دومین سالگرد قیام خونین بهمن در پاشین، مبارزات کارگران و سایر توده‌ها در حال اوجگیری روزافزون است و در پاسخ به تلاشهای مبارزه جناحهای هیات حاکمه هرچه بیشتر حدت مییابد. این اوضاع و بخصوص رشد انقلاب توده‌ای در رژیم جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است. نطق آیت‌الله خمینی در ۱۵ بهمن آشفته‌تر از اوضاع قوی است.

اوجگیری جنبش و هراس رژیم

آیت‌الله خمینی از مبارزه و عصیان کارگران و زحمتکشان در وحشت و هراس است. او میخواهد نظم سرمایه‌داری وابسته کنونی را به سرفرازیاند و به همین خاطر خطاب به کارگران میگوید: "یک مطلب مهمی که باید کارگران کارخانه‌ها، کارگران معادن و همه کارگران در هر جا که هستند و کارمندان در هر جای از کشور هستند توجه به آن بکنند و آن اینکه نظم را در هر جا که هستند مراعات کنند. اگر در یک کارخانه ـ ای در یک معدنی، در یک اداره‌ای نباشد که بایستی نظمی بخواهند انجام عمل بکنند این بی نظمی موجب این میشود که آنها نتوانند به وظایف اسلامی خودشان ـ به وظایف ملی خودشان عمل کنند."

واقعا رعایت کردن نظم در شرایط سلطه سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم به چه معنا است؟ حفظ نظم در کارخانه‌های سرمایه‌داران وابسته به چه معنا است؟ مراعات نظم توسط کارگران و انجام "وظایف اسلامی و ملی" به چه معنا است؟ روشن تر از این نمیتوان صحبت کرد. منظور خمینی از نظم در کارخانه‌ها، رعایت دیسیپلین سرمایه‌داری است. او کارگران را به تحمل نظم شکنجه‌آور سیستم گندیده حاکم فرا میخواند، تا تولید سرمایه‌داری کماکان به حرکت خود ادامه دهد. خمینی به کارگران میگوید کار کنید و اعتصاب نشود و بدین طریق "وظایف اسلامی و ملی" خود را در قبال بورژوازی به انجام برسانید و در این جهت هرگونه مبارزه و مقاومت و اعتصاب به خود را نه دهید! پس آیت‌الله خمینی میگوید: "... اگر خدای نخواسته کسانی که میخواهند در این کارخانه‌ها یک جنجالی بپا کنند آنها را نپذیرند و از تبلیغات سوء آنها برحذر باشند. امروز هر دعوت به کم‌کاری و بیکاری و هر دعوت به اعتصاب خیانت به این کشور است و خیانت به جمهوری اسلامی. امروز مثل دیروز نیست که دعوت میشد به اعتصاب، آن اعتصاب سرنوشت ساز بود و آن کم‌کاری سرنوشت ساز بود، شما را میگفتند که اعتصاب کنید تا جاول ـ گران را از کشور خودتان دور کنید و بحمدالله عمل کردید و به نتیجه رسیدید. امروز عکس آن روز است ...."

آیا حقیقتا امروز مثل دیروز نیست؟ چه تغییر و تحولی در زندگی کارگران و زحمتکشان ما بوجود آمده است؟ رژیم جمهوری اسلامی چه چیزی جز فقر و فلاکت بیشتر و جز ستم و سرکوب بیشتر برای کارگران مایه ارمغان آورده است؟

کارگران و زحمتکشان دیروز قیام کردند و خون دادند تا بر سرنوشت خویش خود حاکم شوند. اگر دیروز کارگران کم‌کاری کردند، اعتصاب کردند و در قیام شرکت نمودند بخاطر آن بود تا سرمایه‌داران و جاولگران را نابود سازند. اما آیا آنان به اهداف خود رسیدند؟ نه و هرگز نه! پس چرا کارگران بمبارزه خود ادامه ندهند؟ آیت‌الله خمینی آشکارا واقعیت‌ها را می‌پوشاند تا کارگران را بفریبد. آیت‌الله خمینی میگوید جاولگران از کشور دور شده و کارگران به نتیجه رسیدند. ما می‌گوئیم پس چرا کارگران همچنان در فقر و ستم غوطه‌ور هستند؟ خمینی میگوید اعتصاب دیروز خوب بود اما دیگر نه. ما می‌گوئیم اعتصاب دیروز خوب بود، انقلابی بود و تا زمانیکه اعتصاب و مبارزه دیروز خوب بود، امروز هم درست است و در راه منافع انقلاب است. اما این اعتصاب و مبارزه کماکان علیه سرمایه‌داران، جاولگران و رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی است. آیت‌الله خمینی در هراس است. او میگوید کمونیستها و طبقه کارگر ملحد هستند. کارگران میگویند "تبلیغات سوء" برخاسته‌اند و اعتصاب نکنند. آری او میداند خمینی که از قیام به اینسو ادعاهایش است در تکامل حدود سقوط رژیم را بدنبال خواهد داشت و بهمین خاطر در آستانه دومین سالگرد قیام ما تمام قوا میکوشد تا کارگران را از مبارزه و انقلاب برحذر دارد. خمینی از موضع ضعف و وضع میکوشد تا جلو رشد مبارزه طبقاتی را بگیرد. اما مگر جنبش توده‌ها اراده دهنده و انجام بهمن نمی‌باشد؟ مگر کارگران و توده‌ها در پی آن نیستند تا قیام نیمه تمام را به یک انقلاب کامل تبدیل سازند؟

فراخوان برای اتحاد با بورژوازی

در برابر دورنمای اوجگیری جنبش توده‌ها و رشد انقلاب، آیت‌الله خمینی بورژوازی را به وحدت در برابر جنبش فرا میخواند. او میگوید: "شما باید توجه داشته باشید که هر قشری از این کشور مسئول کاری است تضعیف بشود، هر ارگانی که در این کشور مشغول خدمت است تضعیف بشود، این تضعیف، تضعیف همه است و این امتحان است." رشد جنبش توده‌ها شکاف در میان هیات حاکمه را عمیق کرده است. حزبیها اکثر مواضع قدرت را در دست گرفته و میکوشند تا ریاست جمهوری را نیز از چنگ آنان بیرون آورند. و لیبرالها نیز میکوشند تا مواضع کنونی را حفظ کرده و با تعرض به حزبیها و با اصطلاح آزادیخواه نشان دادن خود، بر جنبش سوار شوند. حزبیها، لیبرالها را طرفداران امپریالیسم خطاب میکنند و لیبرالها حزبیها را مستبد و دیکتاتور میخوانند. هر چقدر جنبش رشد میکند تضادهای درون هیات حاکمه توسعه مییابد و بروشنی واضح است که حدت یابی این تضادها جز بمعنای از هم گسیختگی ارتجاع در مقابل انقلاب معنای دیگری ندارد. خمینی مانند تمامی قوای طبقاتی به دوجناح نصیحت میکند که از دعوا دست بردارند. او میگوید زمانی که جنبش و اعتصاب کارگران و زحمتکشان در حال اوج ـ گیری قرار نداشت است "تضعیف همه "جز خودکشی و انتحار چیز دیگری نیست". او میگوید مدعی انقلاب باید متحد باشند تا بتوانند با جنبش بخواهان مقابله و ضدیت نمایند. خمینی میگوید: "من به آنها نصیحت میکنم که آرام باشند. به آنها نصیحت میکنم که یکدیگر را تکفیر نکنید، بیخه نروی هم نزنید، همه با هم این کشور را به پیش ببرید، اختلاف طبقه‌ها را در یک محیط برادرانه حل کنید، نگذارید که اجانب وظیفه بشود، اگر اجانب وظیفه بشود من به هرکس هرچه داد ام پس میگیرم."

آیت‌الله خمینی به حزبیها و لیبرالها میگوید آرام باشید، یکدیگر را تکفیر و بیخه به روی هم نزنید تا همه با هم بتوانید سرمایه‌داری وابسته را هدایت کنید. جنبش را سرکوب کنید و از فروپاشی کل سیستم جلوگیری نمائید. خمینی میگوید اگر شما (یعنی حزبیها و لیبرالها) در شیوه سرکوب، انقلاب و در شیوه مدیریت سرمایه‌داری وابسته اختلاف سلیقه دارید، این امر نباید منجر به از هم گسیختگی وحدت طبقاتی شما بشود. آری خمینی همه جناحهای بورژوازی را به اتحاد در برابر جنبش فرا میخواند. اما در عین حال با کنایه به لیبرالها می‌فهماند که دست از تعرض باید بردارند و رهبری حزبیها را بپذیرند. او به کنایه به حزبی صدر میگوید: "اگر احساس وظیفه نمودید که هرکس هرچه داده‌ام پس میگیرم" یعنی اگر فقط بخاطر کل قوا را به تو داده‌ام، اگر مقام ریاست جمهوری را به تو سپرده‌ام بزور چماق ولایت فقیه را به آنها را پس بگیرم و همه را به حزبیها بدهم.

بدین ترتیب روشن میگردد که آنچه خمینی را نگران کرده است شدت گیری تضادهای درون هیات حاکمه و کاهش قدرت مقابله ـ جویانه جناحهای ارتجاع در برابر اوج گیری بازهم بیشتر جنبش است. آیت‌الله خمینی بهمراه بهشتی‌ها، باز رکاتیها قیام بهمن را متوقف کرده‌اند تا با ووقوع قیام دیگری بر خود میلرزد. اما این بار تضاد جناحهای ارتجاع از وقوع قیام کمونیستی دیگری میتواند مانع شعله‌ور شدن مبارزه طبقاتی و دورنمای انقلاب شود. این سوال بطور قطع پاسخ منفی میدهد.

یادداشتهای سیاسی هفته

گرامی باد خاطره پیکارگر شهید رفیق محمود صمدی

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر شهادت یکی دیگر از پیکارگران دلیر راه رهائی طبقه کارگر رفیق محمود صمدی را به کارگران و زحمتکشان اعلام میدارد. سازمان ما افتخار میکند که در راه تحقق هدفهای کمونیستی و انقلابی خود آنقدر مصممانه پای فشرده و سرخط مشی را دیگال خویش آن اندازه استادگی کرده و خواهد کرد که این اندازه مورد خشم و کینه سرمایه‌داران و رژیم حامی آنها قرار گرفته است. اعضا و هواداران سازمان ما بر سر آنند که تا آخرین نفس از منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان دفاع کنند و دشمنان آنها را در هر چهره و لباسی که باشند بی‌مهابا برای توده‌ها افشا نمایند.

رفیق محمود صمدی یکی از رفقای فعال و عزیز ما بود که در حرکت روز دوشنبه ۱۳ بهمن ماه بحکم جلادی بنام امام راکی که حاکم شرع ما هشهرد است به جوخه اعدام سپرده شد و خون پاکش در آستانه دومین سالگرد قیام بهمن ماه بر چهره مبارزه بیمگر کمونیستها علمه امپریالیسم و ارتجاع را سرخ‌تر کرد.

در تاریخ ۶ دی ماه شبانگاه ما بیست و ۹ تا ۱۰ شب مزدوران رژیم در ماهشهر به خانه رفیق ریخته و او را دستگیر میکنند و به سیاه‌چال میبرند. رفیق سرسختانه در مقابل مزدوران مقاومت میکند و از آرمان مقدس کارگران و زحمتکشان و سازمانش دفاع می‌نماید. در طول مدت زندانی بودن رفیق، اگر چه خانواده‌اش با افشا رژیم تصمیم ملاقات نکردند اما مزدوران رژیم، هیچوقت وضعیت رفیق را روشن نکردند و همواره او و خانواده‌اش را در حالت نگرانی نگه داشتند. این وضعیت تا آمدن حاکم شرعی بنام راکی به ماهشهر ادامه پیدا می‌کند. او همچون جلادی جلاد و روسا، برای زندانیان سیاسی ماهشهر "کیفر"های سنگینی را تعیین میکند (مثلا برای بخش اعلامیه ۱۰ سال زندان و حتی ابد) وعده‌ای را نیز محکوم به اعدام مینماید. یکی از آنها رفیق شهید محمود صمدی بوده است که در تاریخ ذکر شده اعدام میشوند. خبر درج شده در روزنامه اطلاعات تحت عنوان ۱۸ بهمن اعدامیها را چاپ و نشر ذکر میکند.

سی سنگ جرم بزرگ و بسیار بزرگ رفیق محمود کمونیست بودن و پیکارد در راه آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بود. پیش سرمایه‌داران و رژیمهای حامی آنها هیچ جرمی به این بزرگی نیست. در پرونده این رفیق هیچ سند اسلحه جرمی و تیرندگی به سازمان وجود نداشت.

رفیق شهید محمود صمدی دانشجوی دانشکده علوم سرمینی دانشگاه شهید بهشتی یکی از رفقای فعال در سازمان دانشجویان آموزان پیکار بود. ۱۵ ماه پیش برای سازماندهی "دانشجویان دانش آموزان پیکار" در آبادان به این شهر اعزام شد و در طول این مدت مسئول مستقیم این سازمان دانشجویی بود. او وظایف محوله را با شور و اشتیاق فراوان دنبال میکرد و با سازمانهای مسئولیتهای بیشتری به او سپرده شد. رفیق در راه مبارزه تش

بقیه در صفحه ۸

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org